

چکیده مقالات دومین همایش بین المللی

پیوندهای زبانی و ادبی ایران و ترکیه

به کوشش

دکتر عباسعلی وفایی

دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

دانشگاه علامه طباطبائی

۲۱-۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳

اعضاء کارگروه علمی:

دکتر احمد تمیم داری	دکتر سادات مراد
دکتر داوود اسپرهم	دکتر محمد نوردوغان
دکتر محمد حسن حسن زاده نیری	دکتر علی گوزل یوز
دکتر محمود بشیری	دکتر علی تمیزال
دکتر بهروز بیک بابایی	دکتر قدیر تورگوت
دکتر ذوالفقار علامی مهماندوستی	دکتر دریا اورس
دکتر کاووس حسن لی	دکتر محمد آتالای
دکتر مهدی طباطبایی	دکتر مصطفی ازکان
فرج الله طالبی	
قهرمان سلیمانی	

ترجمه از ترکی: دکتر بهروز بیک بابایی

ترجمه از انگلیسی: دکتر حسین ملانظر

ویراستاران: بهنام صادقیان کلو، محمد مهدی زمانی

حروفچین و صفحه آرا: شهلا حاتم آبادی

طراح جلد: فردین دارابی

بهار ۱۳۹۳

فهرست مطالب

- ۱ مقدمه
- ۴ آریان، امیرحسین و لیلی عباسی منتظری: مقایسه و بررسی
دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی در اشعار ناظم حکمت و
احمد شاملو
- ۵ آزاراک، دیادین: دو شاعر وطن پرست: ملک‌الشعراى بهار از
ایران و محمد عاکف ارسوی از ترکیه
- ۶ ابراهیمی، مرضیه و زینب صابر: تحلیل نبوغ هنرمندانه بهزاد
در رمان نام من سرخ بر اساس آراء کانت
- ۷ ابوالکلام سرکار، محمد: پشتیبانی ترکان خلجی از گسترش
زبان و ادبیات فارسی در بنگال
- ۹ احمدزاده، علی و ابوالحسن امین مقدسی و خلیل پروینی و
کلثوم تنها: بررسی تطبیقی تجلی سیمای اهل بیت (ع) در
شعر شهریار و نسیمی (با تکیه بر اشعار فارسی و ترکی شهریار
و دیوان ترکی نسیمی)
- ۱۱ استاجی، ابراهیم و جواد صدیقی ليقوان: بررسی تطبیقی
آرکی تایپ (کهن‌الگو) شخصیت‌های حماسه‌های دده قور
قود و شاهنامه
- ۱۲ امیردباغیان، امین و فرانک قنبرعالی: پیدا و پنهان فرهنگ
ترکی در ترجمه اشعار ناظم حکمت به زبان فارسی
- ۱۳ باقری، بهادر و محسن وثاقتی جلال: توپوگرافی رئالیسم
جادویی در ایران و ترکیه (نقش جغرافیایی فرهنگی ایران و
ترکیه در تعیین مؤلفه‌های رئالیسم جادویی)

- ۱۴ باقری، عاطفه: ترانه‌های مادری: آغاز شعر در ادبیات شفاهی
- ۱۶ بخشی، حسین: بررسی تأثیر زبان و ادب پارسی بر شعر
تنظیمات و مشروطه عثمانی
- ۱۷ بهاری، الوند: رضا سیدحسینی و ادبیات ترکیه
- ۱۸ بیگ بابایی، بهروز: کتاب‌شناسی ترک‌شناسی ایران: نگاهی به
آینده از روی پژوهش‌های گذشته
- ۱۹ بیگ بابایی، بهروز و الناز آقاعلیزاده: تفاوت‌ها و تشابهات
گوش‌های ترکی مرند، تبریز، و ساوه با ترکی معیار
آذربایجان و ترکیه
- ۲۱ تقی‌زاده، سمیه: مضامین مشترک در شاهنامه و حماسه ترکی
دده قورقود
تناسب شعر و کردار سلاطین عثمانی
- ۲۲ جمراسی، علی اصغر: خلیج و خلیج پژوهی در ترکیه و ایران
- ۲۳ حسن‌لی، کاووس: بیان شاعرانه و رفتار حاکمانه: تناسب شعر
و کردار سلاطین عثمانی
- ۲۴ حسینی، محمد تقی: مهاجرت علمای ایرانی به استانبول در
زمان سلطان محمد فاتح (حک. ۸۸۶ - ۸۵۵ق) و انتقال
سنت موسیقایی ایران به عثمانی
- ۲۵ حمیدی، رکسانا: نشانه‌هایی از «دیگری» در نشان تاشی
(بازتابی از ادبیات کهن فارسی و فرهنگ ایران با نگاهی به
آثار پست‌مدرنیستی اورهان پاموک، برنده جایزه نوبل
ادبیات ۲۰۰۶)
- ۲۶ خرمی، سمانه: نقش ترجمه ترکی بر روند مدرنیسم در حیات
ادبی پیش از انقلاب اسلامی

- ۲۷..... خواجه‌ایم، احمد و جواد صدیقی لیقوان و علیرضا رضایی:
 بررسی تطبیقی داستان یوسف و زلیخا در دو اثر فارسی و
 ترکی (عبدالرحمان جامی و حمدالله حمدی)
- ۲۸..... داوری اردکانی، نگار و فاطمه ظهرابی: ارزیابی مجدد
 برنامه‌ریزی زبان ترکی در ترکیه
- ۳۰..... رسمی، سکینه و نسرین رنجبر یاری‌نژاد: نوستالژی یا غم
 غربت در شعر محمد فضولی
- ۳۱..... رسمی، عاتکه: بررسی ویژگی‌های رخش رستم و قیرات
 کوراوغلو
- ۳۲..... رضائی حمزه‌کندی، وحید و فاطمه مدرسی: تلمیح در اشعار
 فارسی و ترکی سلطان سلیمان (محبّی)
- ۳۳..... رضایی، سهراب: نقش زبان‌آموزان ترکی و فارسی در
 تقویت روابط فرهنگی و اقتصادی دو کشور ایران و ترکیه
- ۳۵..... رضایی، مهدی: جایگاه زبان‌های ترکی و فارسی در
 تئوری‌های زبانی و ارتباط این دو زبان با یکدیگر
- ۳۶..... سپهری، سپیده: بازتاب مضامین عرفانی در شعر سلطان سلیم
 پادشاه پارسی‌گوی عثمانی
- ۳۷..... سرامی، قدمعلی و محمدعلی نقدی: چند و چون شورش
 زنان پارس و ترک بر هنجارهای تبعیض‌آمیز جامعه
 مردسالار با تکیه بر هنجارشکنی بزرگ‌گرددآفرید و
 همانندان او در میان اقوام آذری و ترک
- ۳۹..... سرامی، قدمعلی و مریم کمالی: جلوه‌های انتقاد اجتماعی
 در آثار فارسی و ترکی استاد شهریار
- ۴۰..... سلطانی، منظر و عاطفه زارعی: تأثیرگذاری آثار کهن فارسی
 در ادب و فرهنگ ترکیه
- ۴۱..... سوسار، عایشه و حسینعلی قبادی: بومی‌گرایی در رمان‌های

- معاصر ایران و ترکیه (با تأکید بر نفرین زمین و حضور)
صادقیان کلو، بهنام: رویکردی ریشه‌شناسانه به برخی از لغات ۴۳
- ترکی لیلی و مجنون نظامی گنجوی
صادقیان کلو، بهنام: شعر و شاعری شاه اسماعیل صفوی با..... ۴۴
- نگاهی انتقادی به کتاب رازهایی در دل تاریخ
صادقیان کلو، بهنام: نگاهی به برخی از لغات ترکی مخزن ۴۵
- الاسرار نظامی گنجوی
صفائی اصل، اسماعیل و ابوالفضل قاسم‌زاده: بررسی انگیزش ۴۶
- فارسی آموزان خارجی در یادگیری زبان فارسی (مطالعه‌ای
موردی در ترکیه)
طباطبایی، مهدی: بررسی اندیشه‌های مشترک احمد شاملو و ۴۸
- ناظم حکمت
عاقل نهند، حوریه: واژه‌های فارسی دخیل در زبان ترکی ۴۹
- علامی، ذوالفقار و مریم محمدپور: بررسی مقایسه‌ای ۵۰
- مثل‌های فارسی و ترکی استانبولی
علیزاده، ناصر: سهم تقلید و خلاقیت در بلاغت غزل فضولی ۵۱
- غیبی، ژاله‌سادات: ضرب‌المثلهای مشترک در مثنوی مولوی ۵۲
- و ادبیات ترکیه
قراخانی، مریم: بررسی تأثیرات متقابل دو زبان فارسی و ۵۳
- ترکی
قربانی، جاوید: بررسی لغات و اصطلاحات ترکی دخیل در ۵۵
- دو زبان فارسی و عربی
قربانی، جاوید: مقایسه ساختار افعال ترکی و فارسی ۵۶
- کامرانی، شراره و حمیدرضا شکارسری: بررسی تطبیقی شعر ۵۷
- ایران و ترکیه در یکصد سال اخیر
کریمی، مرتضی: پژوهشی در کنایه‌های مشترک و معادل در ۵۸

زبان فارسی و ترکی

- ۵۹ محبتی، مهدی: تحول معنایی واژه «تُرک» در دیوان حافظ
- ۶۰ مختاری، سلیمان: نگاهی به برخی واژه‌های ساده و مرکب فارسی در زبان ترکی با تکیه بر تغییر معنا و تلفظ
- ۶۱ مدرسی، فاطمه و الناز ملکی: بررسی علل ورود واژه از زبان ترکی به فارسی و عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی مؤثر بر آن
- ۶۲ مدرسی، فاطمه و وحید رضائی حمزه‌کندی: تأثیرپذیری سلطان سلیمان (محبّتی) از شاعران ایران
- ۶۳ مشتاق‌مهر، رحمان: بررسی انتقادی شرح مثنوی شادروان عبدالباقی گولپینارلی
- ۶۵ معرفت، شهره: از حماسه‌ای فارسی تا نمایشنامه‌ای ترکی (اسطوره آژی‌دهاک فردوسی و تیاتر ضحاک سامی‌بیک عثمانی)
- ۶۶ نزهت، بهمن: نقد نسخه‌شناسی آثار خانواده عرفانی مولانا بر اساس نسخ موجود در موزه قونیه (مقالات شمس تبریزی و معارف برهان‌الدین محقق ترمذی)
- ۶۷ نصیری، پریسا: امثال و حکم مشترک زبان فارسی و ترکی
- ۶۸ نصیری، سعیده: افراسیاب (آلپ ار تونگا) در متون فارسی و ترکی
- ۶۹ نظامی‌زاده، مهرگان: بررسی تطبیقی رباعی «ابریق می» منسوب به خیام و حکایت «دلی دومرول» دده قورقود
- ۷۰ نظامی‌زاده، مهرگان و سولماز اسماعیلیان: تأثیر و جلوه‌های ادب پارسی در نام من سرخ
- ۷۲ هادی، مهدی و آزاده مولایی: پیک پارسی گامی در جهت بهبود منابع آموزش زبان فارسی در ترکیه

- ۷۴ هاشمیان، لایلا و مریم رحمانی: مقایسه تطبیقی داستان رستم
و سهراب در شاهنامه با داستان بوغاج پسر دیرسه خان در
دده قور قوت
- ۷۵ وثاقتی جلال، محسن و شیما فرجی فر: نگاهی دوباره به
مفهوم «آل» در بیتی از مثنوی مولانا با توجه به فرهنگ
بومی مردم قونیه
- ۷۶ ولی پور، عبدالله و رقیه همتی: بررسی و تحلیل زبان شناختی
برخی از کلمه‌های ترکی دخیل در زبان فارسی
- ۷۷ یلمه‌ها، احمد رضا: ابن کمال پاشا: نویسنده و شاعر
عثمانی و تازه یافته‌هایی از نگارستان او
- ۷۸ بیک بابایی، بهروز و رقیه غفاری: نقش فرهنگی و اجتماعی
شعر در انقلاب مشروطه ایران و دوره تنظیمات ترکیه با
مقایسه اشعار برخی از شعرای مشهور این دو دوره
- ۷۹ عباسی، سیما: طبیعت‌گرایی و تأثیر آن در ایجاد تصاویر
و تداعی معانی در بایاتی‌های آذری

مقدمه

ایران و ترکیه دو کشور همسایه‌اند و همسایگی آن دو از دیرباز موجب تعاملات فرهنگی و ادبی بین دو کشور بوده است. پیشینه اثرگذار زبان و ادب فارسی و وجود شاعران نامی چون سعدی و فردوسی و حافظ و، به‌ویژه، مولوی این پیوند را در گذشته‌های تاریخی بی‌مانند کرده است. از سویی، وجود مکتب‌های عرفانی‌ای که خاستگاه آنها در حدود ایران فرهنگی بوده است موجب گسترش فرهنگ و ادب ایرانی، و به تبع آن زبان فارسی در ترکیه، شده است، چنانکه در تاریخ عرفانی و ادبی ترکیه ظهور این اندیشه‌ها قابل مشاهده است. این امر موجب پیوند فرهنگی و ادبی دو کشور ایران و ترکیه شده است. چنانچه به نسخه‌های خطی زبان فارسی در کشور ترکیه، به‌ویژه استانبول، توجه شود، نشانه‌های حضور این اندیشه و ادب فارسی به‌سہولت قابل مشاهده است.

برکسی پوشیده نیست که مولوی در میان مردم ترکیه چه جایگاهی دارد؛ آرمگاه این عارف شهیر هرروزه حضور خیل عظیمی از مشتاقان آن عارف را شاهد است، آرمگاهی که بر در و دیوار آن و سنگ‌نوشته‌های مقابرش خط زیبای فارسی و نیز ابیاتی از ادبیات این زبان نقش بسته است. این علایق و پیوندهای تاریخی به‌همراه مشترکات فرهنگی، از سنن اجتماعی گرفته تا مسایل فرهنگ تاریخی چون نوروز، پیوند این دو ملت را استوار کرده است. به‌منظور استمرار این علایق، ارتباطات علمی و دانشگاهی و برگزاری همایش‌های علمی امری لازم است. به همین دلیل، دانشگاه استانبول در سال ۱۳۹۱ ابتکاری نشان داد و نخستین همایش بین‌المللی پیوندهای زبانی و ادبی ایران و ترکیه را با حضور استادان ایرانی و غیر ایرانی در استانبول برگزار کرد. در پی مشارکت طرف ایرانی همایش، دانشگاه علامه طباطبایی، در برگزاری آن، مقرر شد که دومین آن در دانشگاه علامه طباطبائی برگزار گردد. با روی کار آمدن مدیریت جدید دانشگاه و اهتمام ستودنی ایشان در ارتباط با مراکز علمی و دانشگاهی خارجی، پیشنهاد برگزاری همایش در ایران با استقبال مدیریت دانشگاه روبرو شد و دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی مأمور اجرای آن گردید. با تشکیل کمیته علمی، موضوعات همایش تدوین شد و بی‌درنگ به مراکز دانشگاهی و علمی ارسال گردید و خوشبختانه در کوتاه زمان با

استقبال روبرو شد و قریب دوست چکیده مقاله به دبیرخانه همایش ارسال شد. از میان مقالات داوری شده، قریب پنجاه مقاله برای ارائه در همایش انتخاب شد و مابقی نیز برای چاپ در مجموعه چکیده مقالات و یا مجموعه نهایی مقالات همایش در نظر گرفته شد.

آنچه پیش روی شماست چکیده مقالات دومین همایش بین‌المللی پیوندهای زبانی و ادبی ایران و ترکیه است و به فضل الهی مجموعه کامل مقالات، که اغلب آنها واصل شده است، پس از برگزاری همایش، چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

بی‌شک برگزاری چنین همایشی بدون مساعدت و همراهی مسؤولان ممکن نمی‌شد؛ به همین دلیل، سزاوار است که از ریاست محترم دانشگاه، جناب آقای دکتر حسین سلیمی سپاسگزاری ویژه کنم که همواره پشتیبان و مشوق ما بوده‌اند. و نیز، از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه، جناب آقای دکتر احمدوند، که همراهی‌های ستودنی در برگزاری این همایش به کار داشته‌اند، و مدیر روابط بین‌الملل دانشگاه، سرکار خانم دکتر تیشه‌یار، و همکاران محترمشان که اهتمام و پیگیری‌های آنان مساعد نیکی در برگزاری همایش بوده است صمیمانه سپاسگزارم.

از مسؤولان دانشگاه استانبول، به‌ویژه ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی، و نیز جناب آقای دکتر نوردوغان، به‌سپاس همراهی آنان در برگزاری همایش قدردانی می‌کنم. از مسؤولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و آقای شعبانی، وابسته فرهنگی کشورمان در استانبول، و همکاران دانشکده، به‌ویژه گروه زبان و ادبیات فارسی و گروه زبان و ادبیات ترکی استانبولی که سهم فراوانی در برگزاری همایش داشته‌اند، تشکر می‌کنم. یادکرد زحمات شایسته تحسین دو تن از دانشجویان دکتری زبان و ادبیات فارسی، آقایان زمانی و صادقیان سزاوار است. در نهایت، از همکاری دیگر همکاران اداری دانشکده سرکار خانم حاتم‌آبادی و آقایان یوسفی و کشتکار، به‌پاس زحماتی که پذیرا شده‌اند، سپاسگزارم.

عباسعلی وفایی

دبیر علمی همایش

چکیده مقالات فارسی

مقایسه و بررسی دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی در اشعار ناظم حکمت و احمد شاملو

امیرحسین آریان^۱

لیلی عباسی منتظری^۲

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در شعر و ادب معاصر همواره الهام‌بخش شاعران بوده مسائل سیاسی و دیدگاه‌های انتقادی نسبت به جامعه و بیان دشواری‌ها و مصائب مردم روزگار است. در واقع، تلاش در جهت نوگرایی و شکل‌گیری افکار و اندیشه‌ها و باورهای جدید در بطن جوامع کهن و سنتی گذشته، در طول تاریخ معاصر، مخالفان و موافقان بسیار داشته و از آنجا که شعر و ادب، از یک سو، اساسی‌ترین ابزار در مبارزات سیاسی و انتقاد از دردهای جامعه است و، از سوی دیگر، عامیانه‌ترین وسیله در تفهیم افکار عمومی، به بهترین نحو پذیرای این مفاهیم گشته است. در این میان، از آنجا که بعضی از این نمایندگان خود در زندگی شخصی خویش با این مسائل دست به‌گریبان بوده و از نزدیک شاهد ویرانگری‌ها و دردهای اجتماع خود بوده‌اند، بخش وسیعی از افکار و اشعار خود را به بیان این امر اختصاص داده‌اند. در این مقاله، برآنیم تا این مورد را با استناد به کلام و دیدگاه‌های دو گوینده از دو جامعه متفاوت، ناظم حکمت از ترکیه و احمد شاملو از ایران، تحلیل و بررسی کنیم. درحقیقت، برآنیم تا از این رهگذر مشترکات فرهنگی و اجتماعی را در باورها و ایدئولوژی هر دو بیان کنیم و آن را به محک نقد و داوری بگذاریم.

کلیدواژه‌ها: ناظم حکمت، احمد شاملو، جامعه، باورهای سیاسی، عقاید اجتماعی.

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان @yahoo.com Arian.amir

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج و عضو باشگاه پژوهشگران جوان

یاسوج Droozan@yahoo.com

دو شاعر وطن پرست: ملک‌الشعراى بهار^۱ از ایران و محمد عاكف ارسوى^۲ از ترکیه

دیادین آزاراک^۳

وطن پرستی مفهومی است ناظر بر عشق و علاقه به میهن و مردم و نیز آمادگی برای هر گونه فداکاری و از خودگذشتگی جهت اعتلای کشور با حفظ هویت آن. وطن پرست فردی است که به سرنوشت کشور خویش حساس است و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا آن را به بالندگی برساند. در این میان، با توجه به اشتراکات فراوان و ارتباط نزدیک دو کشور ایران و ترکیه و وجود شاعران وطن پرست در دوره‌های مختلف تاریخی هر دو کشور، ضرورت تحقیقی مستقل با موضوع بررسی حس وطن پرستی در اشعار شعراى بهار و کشور، خاصه دو شاعر بزرگ وطن پرست معاصر ایرانی و ترک، محمدتقی بهار و محمد عاكف ارسوى (اهل ترکیه)، احساس شد. زندگی این دو شاعر تحت تأثیر مسائل عمده‌ای از جمله وقایع سیاسی و اجتماعی زمان خود قرار داشت. یافته‌های اساسی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هر دو شاعر، به رغم تفاوت زبانی، در بیشتر اشعار خود به وطن و سرنوشت آن اشاره دارند و، با توجه به شرایط خاص و مشابه عصر خویش، در مقابل تغییر و تحوّل فکری در بدنه اصلی حکومت برای حفظ سنت‌های کهن می‌کوشیدند و به نحوی می‌توان آنان را حافظان آداب و سنن ملی - میهنی دانست. هر دو شاعر، در شرایط تجدد و تحوّل عصر خویش، قلم و قدم را در خدمت بهبود زندگانی وطن و هموطنان خود قرار داده بودند و از آزادی و آزادگی وطن دفاع می‌کردند. از نظر ایشان وطن فقط یک قطعه زمین محسوب نمی‌شد، بلکه نماینده تمامی ارزش‌های مقدس و نماد هستی، گذشته، و آینده باشکوه سرزمین بود.

کلید واژه‌ها: شعر، محمدتقی بهار، محمد عاكف ارسوى، وطن، وطن پرستی.

۱. شاعر ملی ایران (۱۸۸۴-۱۹۵۱ م)

۲. شاعر ملی ترکیه (۱۸۷۳-۱۹۳۶ م)

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

تحلیل نبوغ هنرمندانه بهزاد در رمان نام من سرخ بر اساس آراء کانت

مرضیه ابراهیمی^۱

زینب صابر^۲

امانوئل کانت در کتاب *نقد قوه حکم هنر زیبا* را حاصل نبوغ می‌داند. به زعم وی، نبوغ عبارت است از اصالت نمونه‌وار مواهب طبیعی شخص در به کار بردن آزادانه قوای شناختی خویش. بدین ترتیب، محصول یک نابغه نمونه‌ای برای تقلید نیست، بلکه میراثی است برای نابغه‌ای دیگر که احساس اصالت ویژه‌اش را در او بیدار و وی را به تمرین‌رهای از تکرار قواعد در هنر ترغیب می‌کند. اگر شاگردان یک نابغه از همه چیز استاد، حتی از آنچه وی به ناچار به عنوان کاستی پذیرفته است، تقلید کنند، تقلید آنها از قواعد او به تقلیدی کورکورانه بدل می‌شود. گاه ابعاد این تقلید آن قدر وسعت می‌یابد که رفتار اجتماعی نابغه نیز به الگویی برای تقلید بدل می‌شود. در سنت نگارگری ایران، کمال‌الدین بهزاد، که هنر نگارگران درباری را از قانون‌مندی و خشکی نجات داد، همواره نابغه دانسته می‌شود. قواعد و اصول کاری وی نه تنها در طول حیاتش بلکه در طول تاریخ سمرشقی برای هنرمندان نگارگر است. فرید اورهان پاموک، نویسنده معاصر ترک، در رمان *نام من سرخ* به داستان‌سرایی در باب نگارگری در استانبول قرن شانزدهم می‌پردازد. در روایت وی، نگارگران عثمانی نه تنها شیفته اصول و قواعد سبک بهزاد هستند، که افسانه‌هایی از زندگی وی نیز آن‌ها را عمیقاً متأثر می‌کند و غایت هنرمندی و هنر را در وی و آثارش می‌بینند. در این مقاله، برآنیم تا نخست به تبیین آراء کانت در باب نبوغ و هنر زیبا و میزان تطابق آن با آنچه از ویژگی‌های بهزاد در روایت پاموک آمده است بپردازیم. سپس، سعی بر آن است که نشان داده شود در رمان *نام من سرخ* هنرمندان عثمانی نه تنها از سبک و قواعد بهزاد، یا همان «نابغه هنرمند» کانت، تقلید می‌کنند، که بیشتر در پی آنند تا با تکرار رفتار اجتماعی وی تنها بدلی از نابغه هنرمند باشند.

کلیدواژه‌ها: نبوغ، نام من سرخ، بهزاد، نگارگران عثمانی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه مازندران ebrahimi.ma@ir.ac.stu

۲. استادیار دانشگاه هنر اصفهان saber_zb@yahoo.com

پشتیبانی ترکان خلجی از گسترش زبان و ادبیات فارسی در بنگال

محمد ابوالکلام سرکار^۱

شکی نیست که زبان فارسی پس از آمدن اسلام وارد بنگال شده است. گسترش و پیشرفت این زبان از قرن یازدهم میلادی به بعد صورت گرفت؛ یعنی بعد از فتوحات اختیارالدین محمد بن بختیار خلجی، سپهسالار قطب‌الدین ایبک پادشاه دهلی در سال ۱۲۰۱-۱۲۰۳ میلادی، در این منطقه حکومت سلاطین مسلمان تشکیل شد و از آن زمان رواج زبان فارسی در سرزمین بنگال آغاز شد. زبان فارسی از آغاز حکومت ترکان غوری تا پایان حکومت مغولان تیموری تقریباً بیش از ششصد سال، یعنی از آغاز حکومت خلجیان در سال ۱۲۰۲ تا استیلای انگلیسی‌ها در سال ۱۸۳۷، در سرزمین بنگال زبان رسمی و دولتی بود. سلاطین خلجی مسلمانانی ترک‌نژاد بودند که برای نخستین بار در بنگال حکمرانی کردند. در این دوران فرهنگ ایرانیان از نفوذ فوق‌العاده‌ای در منطقه بنگال برخوردار بود. زبان ترکی^۲ زبان دربار و حرم بود و زبان فارسی شالوده و اساس لغات سیاسی و محاورات درباری بود و زبان عربی کلید رجوع به مسائل مذهبی و فراگیری آن بود. در همین زمان بود که در بین خانواده‌های تحصیل کرده دانستن زبان فارسی نشانه تجدد و فرهنگ گردید و درباریان برای نشان دادن سطح اطلاعات و آگاهی غالباً به زبان فارسی با هم سخن می‌گفتند. خلجیان سلسله‌ای از سلاطین مسلمان دهلی بودند که از سال ۱۲۹۰ م. تا ۱۳۲۰ م. در بنگال حکومت کردند. اگرچه جلال‌الدین فیروز خلجی (۱۲۹۰-۱۲۹۶ م.)، علاء‌الدین خلجی (۱۲۹۶-۱۳۱۶ م.) و قطب‌الدین مبارک‌شاه (۱۳۹۰-۱۳۲۰ م.) پادشاهان خلجی، بیشتر از سی سال در بنگال حکومت نکردند، در همین دوره کوتاه از پشتیبانان زبان فارسی و حامیان شاعران و دانشمندان عصر خود بودند. امیر خسرو، طوطی هند، از شاعران مشهور این دوره بود. بسیاری از کتب تاریخی بنگال و آثار ادبی و مذهبی آنها در این دوره به امر شاهان خلجی به زبان فارسی برگردانده شد. هدف نگارنده در این مقاله بررسی

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا aksarker@du.ac.bd

اجمالی عصر شاهان خلجی است، که از حامیان زبان فارسی و دانشمندان این دوره بوده‌اند، و همچنین معرفی کتاب‌هایی که به زبان فارسی در این دوره نوشته شده است. در این جستار، تأثیر ترکان خلجی در حمایت و گسترش زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در سرزمین بنگال بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: بنگال، حکومت خلجیان، زبان و ادبیات فارسی، شاهان ترک.

بررسی تطبیقی تجلی سیمای اهل بیت (ع) در شعر شهریار و نسیمی (با تکیه بر اشعار فارسی و ترکی شهریار و دیوان ترکی نسیمی)

علی احمدزاده^۱

ابوالحسن امین مقدسی^۲

خلیل پروینی^۳

کلثوم تنها^۴

شهریار و عمادالدین نسیمی، دو شاعر شیعی و متعهد، در دو دوره تاریخی مختلف، با ارادتی خاص، عشقی عمیق، و عقیده‌ای استوار، اشعاری زیبا و دل‌انگیز در مدح و رثای اهل بیت عصمت و طهارت و رسول خاتم(ص) سروده‌اند. بنابراین، اشعار متعهد شیعی این دو شاعر، زمینه مناسبی را برای تطبیق میان این دو شاعر، بر اساس مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی که بیشتر بر مضامین مشترک تأکید می‌کند، فراهم کرده است. نگارندگان در این پژوهش، که اساس آن وصف و تحلیل است، برآنند که ابتدا به تحلیل محتوایی اشعار دو شاعر، که درباره اهل بیت (ع) است، پردازند و سپس تفاوت‌های دو شاعر را در به کارگیری این مضامین مشترک نقد و تحلیل کنند. هر دو شاعر در بیان بزرگی و کرامت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) و بیان مظلومیت آنها، به‌ویژه امام حسین (ع)، قلم‌فرسایی کرده‌اند، با این تفاوت که شهریار در اشعار عاشورایی خود، در ضمن اشاره به فلسفه نهضت و جنبش امام حسین (ع)، شرایط و وضعیت جامعه خود را منعکس می‌کند و از حماسه عظیم عاشورا برای قیام مردم علیه حکومت پهلوی الهام می‌گیرد و مردم را به نفی ظلم و ستم و پایداری در مقابل فاسدان فرا می‌خواند. نسیمی نیز، که شاعری صوفی مشرب است، هنگام سخن از اهل بیت(ع) و پیامبر(ص) بیشتر از

۱. دانشجوی دکترای دانشگاه تربیت مدرس aliahmadzadeh26@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه تهران

۳. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

۴. دانشجوی ارشد دانشگاه تهران

آیات قرآنی و اصطلاحات عارفانه، مانند ساقی و شراب، استفاده می‌کند. او تحت تأثیر آموزه-های مکتب عرفانی، در مدح پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، به تغزل نیز می‌پردازد، با این تفاوت که اگرچه غزل او رنگ و بوی غزل انسانی و مادی را دارد، به سبب آمیختگی با آیات قرآنی و اوصاف فرازمینی، عرفانی و روحی محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شعر متعهد، پیامبر (ص)، اهل بیت (ع)، شهریار، نسیمی، نقد و تحلیل.

بررسی تطبیقی آرکی تایپ (کهن الگو) شخصیت‌های حماسه‌های دده قور قود و شاهنامه

ابراهیم استاجی^۱

جواد صدیقی ليقوان^۲

فرهنگ و هنر و ادب هر قوم آینه‌ای است تمام‌نما که آداب و رسوم و خلق و خوی و استعدادها و آرمان‌های آن قوم را نشان می‌دهد. در این میان، شاهنامه فردوسی معتبرترین و قدیمی‌ترین مرجع برای آشنایی با نگرش ایرانیان قدیم بوده و درحقیقت می‌توان گفت گنجینه‌ای است از تصاویر، عشق‌ها، اندیشه‌ها، منش‌ها، و آرمان‌ها. از سوی دیگر، کتاب دده قور قود در تاریخ ادبیات ترک‌زبانان تنها کتابی است که بعد از گذشت حدود چندین سال از نگارش آن به دست شخص نامعلومی هنوز طراوت و تازگی خود را از دست نداده است. شاهنامه و دده قور قود، از لحاظ عناصر داستانی و محتوایی و شگفت‌انگیز، از بزرگ‌ترین حماسه‌های جهانند که از بسیاری جهات درخور تحقیق تطبیقی‌اند. در این مقاله، برآنیم تا چند شخصیت از داستان‌های هر کتاب را آورده، ضمن یادکرد شباهت‌ها، این دو اثر را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

کلیدواژگان: کهن‌الگو، فردوسی، شاهنامه، دده قور قود، حماسه، شخصیت.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری javad.sadigi@gmail.com

پیدا و پنهان فرهنگ ترکی در ترجمه اشعار ناظم حکمت به زبان فارسی

امین امیردباغیان^۱

فرانک قنبرعالی^۲

گفتمان شعر^۱ حالت موزونی را داراست تا خواننده را هرچه بیشتر مجذوب خود کند. زبان شعری^۲ مفاهیم عظیم عرفانی، فرهنگی، و اجتماعی خاص هر زبانی را، با به کارگیری صنایع ادبی، در یک دوره تاریخی مشخص بیان می‌کند. ترجمه کامل شعر از هر زبانی به طور قطع غیرممکن است؛ زیرا، در فرآیند ترجمه، یا قالب شعری فدای محتوای آن خواهد شد یا درون-مایه شعر بدون قالب زبان مبدأ انتقال خواهد یافت. پژوهش حاضر به بررسی ترجمه شعری از شاعر پر آوازه ترک، ناظم حکمت، و ترجمه «شیوا فرهمند راد» می‌پردازد. قطعه شعر انتخاب-شده با نام «همچون کرم» درباره روابط عاشقانه سروده شده و در زبان ترکی دارای قالبی دلنشین و مفاهیم ژرف عاشقانه است. همچنین، تحقیق پیش رو سعی دارد ترجمه این شعر را با استفاده از نظریه ترجمه شعری وحیدی دستجردی (۲۰۰۰) در دو سطح زبان‌شناختی و فرازبان-شناختی بررسی کند و نتایج حاصل را به صورت نموداری نمایش دهد. در لابه‌لای تحلیل داده-ها، عوامل فرهنگی ترکی پنهان در ترجمه شعر نیز بررسی و نشان داده شده است. امید است این تحقیق خرد بر پیشبرد روند تحکیم پیوندهای ادبی، زبانی، و فرهنگی بین زبان‌های ترکی و فارسی مؤثر واقع شود.

کلیدواژه‌ها: گفتمان شعری، ترجمه، فرهنگ، زبان ترکی، زبان فارسی.

۱. کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه dabbaghian@live.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

توپوگرافی رئالیسم جادویی در ایران و ترکیه

(نقش جغرافیایی فرهنگی ایران و ترکیه در تعیین مؤلفه‌های رئالیسم جادویی)

بهادر باقری^۱

محسن وثاقتی جلال^۲

یکی از ویژگی‌هایی که موجب شده ملل مختلف جهان از رئالیسم جادویی استقبال درخور توجهی کنند انعطاف‌پذیری این سبک در مقابل فرهنگ و جغرافیای آن کشورهاست، به طوری که مخاطب بعد از مطالعه این گونه آثار به کشف دوباره خود نایل می‌شود و، در بستر مدرنیته جهان امروز، حلاوت نوستالژی قومی را با تمام وجود حس می‌کند. این پژوهش تشابهات و تفاوت‌های رئالیسم جادویی را در حوزه فرهنگی و جغرافیایی آمریکای لاتین، ایران، و ترکیه مورد بررسی قرار داده است و چنین نتیجه گرفته که موج سبک‌های مختلف ادبی که از جهان غرب برخاسته و ادبیات داستانی کشورهای جهان سوم را تحت تأثیر قرار داده خود نیز دچار تحول شده و به رنگ و بوی فرهنگ همان کشور درآمده است و به همین دلیل مبانی رئالیسم جادویی در هر منطقه‌ای تفاوت‌های اساسی با مناطق دیگر دارد.

کلید واژه: رئالیسم جادویی، آمریکای لاتین، ادبیات داستانی ایران، ادبیات داستانی ترکیه.

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی Bagheri1385@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی moh-ves@yahoo.com

ترانه‌های مادری: آغاز شعر در ادبیات شفاهی

عاطفه باقری^۱

یکی از مهم‌ترین گنجینه‌های ملی هر کشوری زبان و ادبیات آن کشور است که فرهنگ، تمدن، و مردم یک سرزمین را به همراه خود یدک می‌کشد. از این رو، ما مردمان امروز وظیفه سنگین حفظ و گسترش رویدادهای زبانی و ادبی سرزمین خود را بر دوش داریم. ایران، کشور رنگین و وزین، لبریز آواهای عاشقانه، عارفانه، و رزم‌گون، دیباچه‌ای از فرهنگ‌های اقوام است که باید از چنین ظرفیتی برای حیات آنچه از دیرباز بوده و کنون به دست فرزندان سپرده شده به گونه‌ای درست استفاده کرد و در فراسوی مرزها نیز به شیوه‌های گوناگون^۲ به ادبیات شفاهی این ملت، با رویکردی فرهنگی و برای به اشتراک گذاشتن مشابهاً و رویدادهای زیبای ادبی، پرداخت. در این مقاله، سعی شده به بررسی مشترکات فرهنگی و اجتماعی در ادب پارسی و ترکی، در دوران کلاسیک و معاصر، از طریق مطالعه ادبیات شفاهی ملل پرداخته شود. شیوه یا لحن سخن گفتن، آوازهای محلی، لالایی‌ها، و شعرهای کلاسیک و معاصر، ضمن دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد هر زبان، دریچه‌ای هستند رو به مردم و سبک زندگی آنها. از شاهکارهای ادبیات عامه یا همان شفاهی این است که تمامی کلمات از روح جامعه برخاسته، شادی، غم، جشن‌ها، عزاداری‌ها، اشک‌ها و لبخندها، مادرانه‌ها، عاشقانه‌ها را به تصویر کشیده و سینه‌به‌سینه خود را در دامن جامعه پرورانده است. در این مقاله، بیشتر به این قسم از ادبیات شفاهی، یعنی لالایی‌ها، که به زبان ترکی به آن *ninne* گفته می‌شود، با آوردن نمونه‌هایی بکر از خطه دره گز خراسان ایران و همین‌طور ترکیه و مصاحبه با زنان این ناحیه و آشنایی و ضبط آداب آنها، پرداخته شده است؛ زیرا لالایی‌ها از جمله مهم‌ترین عناصر ادبیات شفاهی هر سرزمینی هستند و هیچ مادری آنها را از روی نوشته نمی‌خواند و همه مادران، بی آنکه بدانند از کجا و چگونه، آنها را می‌دانند. انگار دانستن لالایی و لحن ویژه آن از روز

۱. کارشناس زبان و ادبیات ترکی استانبولی دانشگاه علامه طباطبایی atefeh_b46@yahoo.com

نخست برای روان زن تدارك دیده شده است. درحقیقت لالایی‌ها، این دیرپاترین ترانه‌های فولکلوریک، آغازگاه ادبیات زنانه در پای گاهواره‌ها هستند که قدمشان دیگر تاریخی نیست، بلکه باستان‌شناختی است. لالایی‌ها اولین حرف‌هایی است که به زبان مادری به گوش هر کودکی نواخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ادبیات شفاهی، ترانه، لالایی، ادبیات ترکی، ادبیات فارسی.

بررسی تأثیر زبان و ادب پارسی بر شعر تنظیمات و مشروطه عثمانی

حسین بخشی^۱

شعر ترکی از چند صد سال پیش دو شاخه مهم و اصلی داشت که عبارت بودند از ادبیات خلق (Edebiyati Halk) و شعر دیوانی. ادبیات خلق^۲ ادبیاتی برخاسته از سنت‌های اصیل قوم ترک و مطابق با ساختار زبان ترکی بود، اما شعر دیوانی از همان آغاز به شدت تحت تأثیر زبان فارسی و سنت‌های ادبی شاعران ایرانی قرار داشت، تا حدی که حتی در وزن و قالب نیز متأثر از اوزان عروضی و قالب‌های شعر فارسی بود و بسیاری از شاعران شعر دیوانی به سبک شاعران ایرانی غزل، قصیده، مثنوی، و غیره سرودند. آنان وزن عروضی شعر فارسی را در شعر ترکی مورد استفاده قرار دادند، در حالی که ساختار زبان ترکی به گونه‌ای است که مناسب وزن عروضی نیست و وزن طبیعی برای شعر آن زبان^۳ وزن هجایی است، یعنی همان وزنی که در شعر ادبیات خلق و «قوشما»های ترکی به کار می‌رفت. استفاده از اوزان عروضی سبب شد که بسیاری از کلمات ترکی نتوانند در این اوزان بنشینند و به همین جهت سیل لغات و عبارات فارسی وارد شعر دیوانی شد که این مسأله از قدیم تا اواخر دوره عثمانی ادامه داشته است. شعر دوره تنظیمات و مشروطه عثمانی (دوره تجدد ادبی) نیز با وجود نوآوری‌ها و تجدد ادبی، که از بعضی جهات بر شعر فارسی نیز اثرگذار بوده است، همچنان از لحاظ زبان و سنت‌های ادبی تحت تأثیر زبان و شعر فارسی قرار داشت و این مقاله به بررسی چند و چون این مسأله پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، وزن عروضی، شعر ترکی، مشروطه، تنظیمات.

رضا سیدحسینی و ادبیات ترکیه

الوند بهاری^۱

از میان آثار برجای مانده از رضا سیدحسینی (۱۳۰۵ - ۱۳۸۸ ه. ش) شاید تألیف مکتب‌های ادبی، که با گذشت حدود شش دهه از انتشار نخستین تحریرش هنوز منبعی معتبر برای آشنایی با ادبیات مغرب‌زمین شناخته می‌شود، از همه مشهورتر باشد. دیگر عامل شهرت یافتن او سرپرستی ترجمه فرهنگ آثار و نیز ترجمه رمان‌ها و مجموعه داستان‌ها و مقاله‌هایی از نویسندگان و پژوهشگران فرانسوی‌زبان است. این همه بر بخشی دیگر از کوشش‌های ادبی او، معرفی برخی نویسندگان و شاعران ترکیه به فارسی‌زبانان، سایه انداخته است. نخستین تجربه‌های سیدحسینی در ترجمه، در نوجوانی و آغاز جوانی، مطالبی بود که از زبان ترکی آذری به فارسی برگرداند. از آن پس، به تدریج در زبان ترکی استانبولی نیز ورزیدگی یافت و در کنار فعالیت ادبی دیگرش آثاری از نویسندگان و شاعران ترک‌زبان را نیز به فارسی برگرداند و به چاپ رساند. این مقاله به معرفی و بررسی کارهای او در حوزه ادبیات ترکیه اختصاص دارد. پس از مروری کوتاه بر زندگی او، شرحی از چگونگی آشنایی‌اش با ادبیات ترکیه آمده و سپس به کارهای پراکنده‌اش در این حوزه پرداخته و در خاتمه فهرستی از ترجمه‌هایش، از ترکی به فارسی، به دست داده شده است.

کلیدواژه‌ها: سیدحسینی، خسروشاهی، ترجمه از ترکی به فارسی، شاعران و نویسندگان ترکیه در زبان فارسی.

کتاب‌شناسی ترک‌شناسی ایران: نگاهی به آینده از روی پژوهش‌های گذشته

بهروز بیک بابایی^۱

کسی که می‌خواهد پژوهشی انجام دهد باید از پژوهش‌های صورت گرفته در آن حوزه باخبر باشد؛ بدین ترتیب، جلوی موازی‌کاری و دوباره‌کاری گرفته افق دید پژوهشگر بازتر می‌شود یا، به عبارت دیگر، نقاط ضعف و قوت پژوهش‌های انجام یافته آشکار می‌شود. ترک‌شناسی، به‌عنوان شاخه‌ای علمی، ترک‌ها را از تمام جوانب علوم انسانی، به‌ویژه زبان و ادبیات، مورد بررسی قرار می‌دهد. از آنجا که تقریباً ۴۲ درصد جمعیت ایران را ترکان تشکیل می‌دهند، شاخه علمی‌ای که ترکان ایران را مورد پژوهش و بررسی قرار می‌دهد به ترک‌شناسی ایران معروف است. نگارنده پیشتر در کاری تحت عنوان «ترک‌شناسی ایران» کتاب‌شناسی میدانی‌ای در همه حوزه‌های ترک‌شناسی صورت داده است. این پژوهش میدانی در سه محور، یعنی کتاب، پایان‌نامه، و مقاله صورت گرفته است. هر محور به سه عنوان ایران، ترکیه، و سایر کشورها تقسیم شده است و یافته‌ها هم زیر این عناوین گردآوری شده است. در این گردآوری داده‌ها از دانشگاه‌های ایران، ایران داک، و منابع موجود در آخر کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، و مقالات استفاده شده است. در این پژوهش، عناوین آثار منتشر شده تا سال ۲۰۱۰ را، تا آنجا که دسترس داشته‌ایم، گردآوری کرده‌ایم. می‌توانیم بگوییم که در این زمینه ۹۰ درصد موفق بوده‌ایم. در این تحقیق با بررسی پژوهش‌ها از نظر موضوع و سطح، و مبتنی بر پژوهش‌های گذشته، سعی خواهیم کرد بر سر راه پژوهش‌های آینده چراغی روشن کنیم. امید داریم این پژوهش بتواند برای پژوهش‌های ترک‌شناسی ایران مفید و راهنما باشد.

کلیدواژه‌ها: ترک‌شناسی ایران، ترکی ایران، کتاب، مقاله، پایان‌نامه.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی bekbabayi@atu.ac.ir

تفاوت‌ها و تشابهات گویش‌های ترکی مرنند، تبریز، و ساوه با ترکی معیار آذربایجان و ترکیه

بهروز بیک بابایی^۱

الناز آقاعلیزاده^۲

زبان ترکی خانواده بسیار بزرگی است که در گستره جغرافیایی بسیار وسیعی گسترده شده است. ترکی^۰ در ایران نیز تقریباً در سرتاسر ایران پخش شده است. بدیهی است که، با وجود حفظ بعضی شباهت‌ها در نتیجه این گستردگی جغرافیایی، در بعضی جهات تفاوت‌های زبانی بروز پیدا خواهد کرد. در این مقاله سعی خواهیم کرد در خانواده بزرگ گروه زبانی ترکی اوغوز^۰ گویش‌های ترکی تبریز، مرنند، و ساوه را با هم مقایسه کنیم؛ زیرا گویش تبریز و مرنند از نظر جغرافیایی همسایه‌اند و گویش ساوه با تبریز و مرنند فاصله دارد. در این مقاله، جهت و میزان تشابهات و تفاوت‌ها را بررسی خواهیم کرد و در نهایت نتایج به دست آمده را با ترکی معیار آذربایجان و ترکیه مقایسه خواهیم کرد. نتایج این پژوهش از صدای ضبط‌شده افراد بومی این مناطق، به خصوص افراد میانسال و مسن، از هر کدام به مدت یک ساعت و از مرکز این شهرها، به دست آمده است. این گویش‌ها را از نظر آواها، ساخت واژی، و گنجینه واژگان مورد بررسی قرار خواهیم داد. در دستور زبان ترکی، قواعد حاکم بر آواها و ساخت واژی بسیار منظم و قانون‌مند است و ما چگونگی این نظم و قانون را در گویش‌های مختلف این زبان با توجه به دو زبان معیار ذکر شده مورد بررسی قرار دادیم. در این مقاله، هدف ما بیان رابطه این گویش‌هاست. با توجه به مقایسه‌هایی که با مثال‌های متعدد انجام خواهیم داد، خواهیم دید که بین گویش مرنند با زبان آذربایجان، هم از نظر آوایی و هم از نظر ساخت واژی و هم از لحاظ گنجینه واژگان، تشابهات بسیار زیادی، به خصوص از جنبه آوایی و ساخت واژی، وجود دارد و تفاوت‌های آنها بسیار کم است؛ در صورتی که در مقایسه با زبان معیار ترکیه، با وجود تشابهات

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی bekbabayi@atu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات ترکی استانبولی

بسیار، تفاوت‌هایی هم به چشم می‌خورد، به‌ویژه در گنجینه واژگان، تا حدی که گویش‌وران این دو گویش به هنگام سخن گفتن منظور یکدیگر را به راحتی نمی‌فهمند. این نکته در مورد گویش تبریز هم صدق می‌کند. اما در رابطه با گویش ساوه به نتایج کاملاً متفاوتی دست یافتیم: نه تنها مانند گویش تبریز و مرنده با زبان معیار ترکیه تفاوت دارد، بلکه با زبان معیار آذربایجان، که دو گویش مرنده و تبریز بسیار به آن شباهت دارند، نیز فاصله پیدا کرده است، به‌خصوص در زمینه ساخت واژه و گنجینه واژگان. در بعضی موارد هم به ترکی معیار ترکیه نزدیکی مشاهده می‌گردد. در بعضی از موارد، با وجود تفاوت‌های موجود، به ریشه‌های یکسانی در واژگان و تکواژهای مقید نیز دست می‌یابیم که این خود مؤید یکپارچگی زبان ترکی است، ولی، به سبب فاصله جغرافیایی زیاد، هر گویش^۵ تغییرات طبیعی خاص خودش را داراست. همه این گرایش‌ها، تشابهات، و تفاوت‌ها همراه با مثال بررسی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: زبان ترکی، گویش، مرنده، تبریز، ساوه، آذربایجان، ترکیه.

مضامین مشترک در شاهنامه و حماسه ترکی دده قورقود

سمیه تقی‌زاده^۱

بسیاری از مضامین ادبیات حماسی در میان اقوام و ملیت‌های مختلف در سراسر جهان مشترک است، که می‌توان از آنها تحت عنوان سمبل‌های جهانی یاد کرد و این اصل از منظر ادبیات تطبیقی قابل بررسی است. از جمله، در شاهنامه فردوسی و حماسه ترکی دده قورقود به مضامین مشترکی برمی‌خوریم که در این نوشتار سعی شده آنها را با روش توصیفی - تحلیلی بررسی کنیم. یافته‌های ما نشان می‌دهد «پسرکشی» و «رویین‌تنی» از جمله مضامین مشترک این دو اثر محسوب می‌شود. نوشته حاضر فتح بابی درباره این موضوع است و، با توجه به اینکه مطالعات کمتری در این زمینه انجام گرفته، جای آن دارد که در این باب تحقیقات بیشتری صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، دده قورقود، فارسی، ترکی، مطالعات تطبیقی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

خلج و خلج پژوهی در ترکیه و ایران

علی اصغر جمراسی^۱

«خلج» نام قومی از اقوام ترک است که بخشی از این قوم در منطقه‌ای کوهستانی واقع در جنوب غربی تهران، در مسیر همدان و در غرب ساوه، به نام خلجستان ساکن هستند و بخش دیگر آنان در روستاهای شهرستان‌های آشتیان، تفرش، و فراهان استان مرکزی سکونت دارند. بزرگترین سکونت‌گاه خلج‌ها شهر تلخاب از توابع شهرستان فراهان است. بر پایه پژوهش‌های به‌عمل‌آمده، خلج‌ها مجموعاً در ۶۰ روستای استان‌های قم و مرکزی ساکن هستند، که نام آن‌ها در شعری به نام «منیم خلج سخ بالوقوم» ثبت و در کتاب *قارشوبالوق قا سلام* (جمراسی، ۱۳۸۶) به چاپ رسیده است. البته، در نواحی مجاور واقع در استان چهارمحال و بختیاری از مناطق زاگرس مرکزی روستاهایی مشاهده می‌شود با نام‌هایی مانند خلج، خلج‌آباد، و غیره که حاکی از منزل‌گاه‌های قدیمی تر اعضای قبیله خلج است و خلجی نام زبانی است که این قوم کهن با آن سخن می‌گویند. زبان خلجی یکی از زبان‌های آلتایی و تنها عضو خانواده آرگو (آرغو) و قدیمی‌ترین لهجه ترکی است که تاکنون به‌یادگار مانده است (کاشغری، دیوان الغات ۴۶۴ ق/۱۰۷۲ م). این زبان همانند زبان قرن هفتم بعد از میلاد است که به ترکی باستان و به ترکی مادر شباهت بسیاری دارد (گرهارد دورفر، ۱۹۶۸). زبان خلجی فاقد آثار و نوشته است و اغلب گویش‌وران آن در ایران ساکن هستند. البته، از نظر ادبی و دستوری آنچه حائز اهمیت است وجود عناصر اصلی ترکی مادر در زبان خلجی است نه کلمات آن. هدف ما از نگارش این مقاله، ضمن آشنا ساختن مخاطبان با پژوهش‌های به‌عمل‌آمده مستشرقان خارج و پژوهشگران داخل کشور درباره زبان خلجی و بیان ویژگی‌های منحصر به فرد این زبان، جلب توجه زبان‌شناسان و مسؤولان ذی‌ربط به علائم تغییر این زبان در ۲۰ سال آینده است.

کلیدواژه‌ها: خلج، ترک، زبان خلجی، گرهارد دورفر، تعویض یا تغییر زبان، سمیح تزجان.

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر قوم خلج a.cemrasi@gmail.com

بیان شاعرانه و رفتار حاکمانه: تناسب شعر و کردار سلاطین عثمانی

کاووس حسن‌لی^۱

یکی از عوامل مهم گسترش زبان و ادب فارسی در آسیای صغیر وجود حکمرانانی علاقه‌مند به زبان و ادب فارسی است. برخی از این پادشاهان و حاکمان، نه تنها شاعران و ادیبان را پشتیبانی می‌کردند، که خود نیز شاعر بودند و به ترکی و فارسی شعر می‌گفتند. همچنین بسیاری از آنان مکاتبات، مراسلات، و فتح‌نامه‌های خود را به زبان فارسی می‌نوشتند. نمونه‌های فراوانی از این گونه نوشته‌ها وجود دارد که نشان‌دهنده جایگاه بلند زبان فارسی در ذهن و ضمیر فرمانروایان عثمانی است. از سوی دیگر، سلاطین عثمانی همواره در اندیشه تسخیر مناطق دیگر و گسترش قلمرو حاکمیت خود بودند و برای تحقق این خواسته معمولاً بیشتر اوقات آنان متوجه جنگ و درگیری بود. حال پرسش این است که این مشغولیت ذهنی و عملی تا چه میزان در شعر آنان بازتاب یافته است؟ برای این منظور، در این مقاله مفاهیم و مضامین موجود در شعر چهار تن از پادشاهان و شاهزادگان عثمانی، جم‌سلطان، سلطان سلیم، سلطان سلیمان، و شاهزاده بایزید، بررسی شده است. بررسی اخلاق سلاطین عثمانی در عالم شاعری و مطالعه رفتار آنان در عالم حکمرانی نشان می‌دهد که شعر آنان هرگز نمی‌تواند همچون آینه‌ای برای بازشناخت زندگی واقعی آنان باشد؛ یعنی آنچه در عالم واقعی کرده‌اند با آنچه در عالم شاعری خواسته‌اند بسیار تفاوت دارد و این تفاوت در مورد سلطان سلیمان بیشتر و در مورد سلطان سلیم کمتر از دیگران است.

کلیدواژه‌ها: جم‌سلطان، سلطان سلیم، سلطان سلیمان، شاهزاده بایزید، شعر سلاطین عثمانی.

مهاجرت علمای ایرانی به استانبول در زمان سلطان محمد فاتح (حک. ۸۸۶ - ۸۵۵ق) و انتقال سنت موسیقایی ایران به عثمانی

محمد تقی حسینی^۱

ایرانیان همواره با حکومت‌های همجوار خود، علی‌رغم جنگ‌ها و اختلافات، در مسائل فرهنگی و علمی در ارتباط بودند و مصداق آن مهاجرت علمای ایرانی و غیر ایرانی به ممالک یکدیگر و نیز تألیف آثار بی‌شمار علمای ایرانی است که در هر سه زبان فارسی، عربی، و ترکی، در مسائل مشترک با دیگر فرهنگ‌ها، به رشته تحریر کشیده شده است. در برهه‌ای از تاریخ، مهاجرت علمای ایرانی، و به تبع آن انتقال سنت و فرهنگ ایرانی، به سوی همسایگان خود شدت بیشتری یافته که روزگار سلطان محمد فاتح (حک. ۸۸۶ - ۸۵۵ هـ. ق) از آن جمله است. در این مقاله، با بررسی شرایط آن روزگاران و ذکر علل مهاجرت و نیز با بررسی مجدد نسخ خطی برخی از کتابخانه‌های استانبول، به علما و آثار تألیف شده و کتابت شده مربوط به موضوع مقاله و نیز خاندان عبدالقادر مراغی (م. ۸۳۸ هـ. ق) و نقش این خاندان در انتقال سنت موسیقایی ایرانی به خاک عثمانی پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: علمای ایرانی، سلطان محمد فاتح، نسخه خطی، خاندان مراغی.

نشانه‌هایی از «دیگری» در نشان تاشی

رکسانا حمیدی^۱

اورهان پاموک، نویسنده ترک و برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۰۶، در آثار متعدد خود، اعم از رمان‌ها، یادداشت‌ها، و مقاله‌های گوناگون، از «فرهنگ ایران و ادبیات فارسی» مکرراً نام برده و از آن اثر پذیرفته است. در این مقاله، به‌طور موجز، سعی شده است به نگاه و ایده‌های نویسنده در وام‌گیری از ادبیات فارسی پرداخته شود و دلایل آن مورد بررسی قرار گیرد، که به‌زعم نگارنده یکی از دلایل این امر رویکرد پست‌مدرنیستی پاموک به ادبیات است. البته، منظور از پست‌مدرنیسم بیشتر جنبه‌های محتواگرایانه آن است، چنانکه هدف مقاله ایجاب می‌کرد و نه جنبه‌های فرمالیستی. در نتیجه، سعی شده است که، با توجه به اندیشه‌های پست‌مدرنیستی در ادبیات از منظر متفکران، عناصر و مؤلفه‌های پست‌مدرنیسم در ادبیات پاموک بررسی شود؛ خصوصاً با تأکید بر مفهوم «دیگری» که یکی از کلیدواژه‌های ادبیات پست‌مدرن تلقی می‌شود و این مفهوم به نویسنده در وام‌گیری از ادبیات فارسی کمک کرده است. همچنین، در این مقاله، تمرکز نویسنده بر به‌کارگیری ادبیات کهن فارسی و گرایش او به آن مورد بررسی قرار گرفته است. شایان ذکر است که نگارنده مقاله، به دلیل تمرکز بیشتر بر نگاه پاموک به ادبیات فارسی و نام ایران و اهمیت مفهوم «دیگری» در رسیدن به این امر، از پرداختن مشروح به ایده‌های متنوع و گسترده متفکران پست‌مدرن، اعم از افرادی چون ژاک دریدا، بودریار، برایان مک‌هیل، جان بارت، و دیگران چنانکه مرسوم است امتناع ورزیده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی، اورهان پاموک، پست‌مدرنیسم، دیگری، ایران.

نقش ترجمه ترکی بر روند مدرنیسم در حیات ادبی پیش از انقلاب اسلامی

سمانه خرمی^۱

پس از گذشت اولین دهه‌های انقلاب مشروطه، زوایای مدرنیسم در ابعاد گوناگون ادبیات پیش از انقلاب اسلامی نمود یافته است. نظریه «نظام چندگانه» یکی از چارچوب‌های نظری‌ای است که ابزار مفیدی را در اختیار محقق قرار می‌دهد تا بتواند، با دیدگاهی نظام‌مند در مطالعه ترجمه، آن را چون یک خرده‌نظام درون یک نظام بزرگتر - از جمله نظام ادبی - متشکل از پدیده‌های مرتبط در یک بستر تاریخی مشخص مطالعه کند. به اعتقاد اون زهر، «تداخل ادبی» منشاء اصلی به وجود آمدن هر ادبیاتی است. به‌زعم وی این تداخل از کانال‌های متنوعی به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم ایجاد می‌شود. در تداخل ادبی غیر مستقیم، گویش‌وران هر زبانی از طریق یک واسطه، برای مثال ترجمه، به منابع زبانی ادبیاتی دیگر دسترس پیدا می‌کنند. مقاله حاضر سعی در تبیین پیشینه تاریخی - ادبی ترجمه ترکی استانبولی به فارسی با توجه آثار ترجمه شده عزیز نسین در دوره پیش از انقلاب اسلامی، در چارچوب نظریه نظام‌های چندگانه اون زهر (۱۹۹۰)، مورد مطالعه قرار دهد. هدف اصلی این تحقیق مطالعه تداخل ادبی غیر مستقیم بین ادبیات فارسی و ترکی استانبولی در دوره پهلوی است. بدین منظور، محقق پیشینه تاریخی و ادبی روند مدرنیسم را در این دو ادبیات مورد مطالعه قرار داده و کتاب‌های ترجمه شده عزیز نسین از ترکی به فارسی را، که در کتابخانه ملی ایران موجود است، از سایت اینترنتی سازمان اسناد، بر اساس ژانر (نوع ادبی) طنز و سال انتشارشان، فراهم کرده تا میزان و تأثیر این تداخل را بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی، ادبیات ترکی، تداخل ادبی، طنز، مدرنیسم، نظام چندگانه ادبی.

۱. کارشناس ارشد مطالعات ترجمه دانشگاه البرز قزوین sama.khorami@yahoo.com

بررسی تطبیقی داستان یوسف و زلیخا در دو اثر فارسی و ترکی (عبدالرحمان جامی و حمدالله حمدی)

احمد خواجه ایم^۱

جواد صدیقی لیقوان^۲

علیرضا رضایی^۳

داستان و داستان‌سرایی در فرهنگ و ادب پربار و پرغنای ما پیشینه درخشانی داشته و، از روزگاران قدیم، شاعران و نویسندگان ادب فارسی دست به داستان‌سرایی زده و به این پدیده ادبی که بازتابی است از خواسته‌ها، نیازها، و عقاید مردم ما توجه بسیار کرده‌اند و در خلق آنها اهتمام زیادی به خرج داده‌اند. این داستان‌ها یا اصل و ریشه آریایی داشته و یا از فرهنگ و ادب دیگر کشورها و به خصوص از فرهنگ و ادب عرب مایه گرفته‌اند. از میان برخی از این داستان‌ها، داستان یوسف و زلیخا بیشتر مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است. قصه یوسف و زلیخا از زمان‌های قدیم در میان مردم مشرق‌زمین مشهور و معروف بوده که اصل آن از حکایات بنی اسرائیل است و بار نخست در تورات آمده. این قصه نه تنها در کتاب‌های دینی بلکه تدریجاً به ادبیات بدیعی نیز راه پیدا کرد و بیش از پیش از تکامل و رواج یافت و در قطار دردانه‌ای گنجینه ادبیات ترکی و فارسی جای گرفت. یکی از منظومه‌های فارسی معروف یوسف و زلیخای عبدالرحمن جامی است. از مشهورترین یوسف و زلیخاهای ترکی موجود منظومه آق شمس‌الدین زاده حمدالله حمدی است. از آنجا که منظومه یوسف و زلیخای هر دو شاعر توانسته در کشور خود نام و شهرتی کسب کند، در این مقاله برآنیم به مقایسه تطبیقی این دو اثر پردازیم، تا شاید بتوانیم به کشف برخی از جنبه‌های داستان از دیدگاه دو ملت دست یازیم.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، یوسف و زلیخا، جامی، حمدالله حمدی، داستان و داستان‌سرایی.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری javad.sadigi@gmail.com

۳. دبیر آموزش و پرورش ارومیه/نازلو

ارزیابی مجدد برنامه‌ریزی زبان ترکی در ترکیه

نگار داوری اردکانی^۱

فاطمه ظهرابی^۲

این مقاله با مرور روند برنامه‌ریزی زبان ترکی در ترکیه در جستجوی پاسخ به این سؤال است که کانون توجه و تمرکز برنامه‌ریزی زبان ترکی در حال حاضر چیست. با توجه به همزمانی آغاز برنامه‌ریزی رسمی زبان در دو کشور همسایه، ایران و ترکیه، و نظر به اینکه ترکیه نمونه‌های اصلاحی زبان در آن عصر بوده است، ارزیابی وضعیت کنونی برنامه‌ریزی زبان در ترکیه اهمیت می‌یابد. آنچه در این تحقیق حائز اهمیت است توجه به برنامه‌ریزی زبان در ترکیه معاصر است که در میان محققان ایرانی به آن چندان پرداخته نشده. پژوهشگرانی چون دوگانی و آکتونا (۱۹۹۸)، آتای (۲۰۰۵)، کرکوگوز (۲۰۰۵)، اسمیت (۲۰۰۵)، نورای (۲۰۰۶)، و زوک (۲۰۱۰) به این موضوع پرداخته‌اند. در این پژوهش، مطابق دیدگاه کوپر (۱۹۸۹) کلیه تلاش‌های عمدی که برای تحت تأثیر قراردادن رفتار زبانی افراد و جوامع در سطوح پیکره، شأن، و زبان‌آموزی صورت می‌گیرد مبنای نظری کار در نظر گرفته شده و درباره مؤلفه‌های هفتگانه آن پژوهش شده است. پس از روی کار آمدن آتاتورک سیاست‌هایی مبنی بر تغییر خط منجر به تشکیل انجمن زبانی ترکیه گشت و جایگزینی الفبای لاتین با هدف سیاست جداسازی مردم از اعتقادات گذشته و مدرنیزاسیون جامعه ترکیه صورت گرفت. اگرچه این هدف در آن زمان موفقیت‌آمیز می‌نمود و پیامدهای مثبتی را، چون بالا رفتن سطح سواد، در پی داشت، باگذشت زمان و گسترش مدارس و دانشگاه‌های انگلیسی زبان مسائلی چون فراوانی واژگان غربی، به‌خصوص انگلیسی، موجبات شکاف زبانی بین نسل جدید و قدیم و ایجاد زبانی جدید در میان نسل جوان ترکیه را فراهم کرد. در حال حاضر، برای مقابله با

۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی n_davari@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی Fatemehzohrabi90@yahoo.com

مشکلات و مسائل پیش آمده، انجمن زبانی ترکیه طی چند دهه گذشته به فعالیت خود جهت ابداع واژگان برای مفاهیم و تکنولوژی‌هایی که از سایر زبان‌ها - اغلب انگلیسی - وارد می‌شود ادامه داده است. به علاوه، از یک سو، گروه‌هایی علیه گسترش مدارس انگلیسی‌زبان و، از سوی دیگر، گروهی موافق گسترش این مدارس هستند. اعضای انجمن زبان ترکیه متذکرند که آگاه کردن فرهنگی دانش‌آموزان، هنگامی که زبان خارجی را می‌آموزند، ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی زبان، برنامه‌ریزی زبان، ترکیه، سیاست زبان، اصلاح خط.

نوستالژی یا غم غربت در شعر محمد فضولی

دکتر سکینه رسمی^۱

نسرین رنجبر یاری نژاد^۲

نوستالژی یا غم غربت را احساسی قوی و مؤثر می‌دانند که قابلیت تبدیل شدن به اندیشه را دارد. این احساس در حوزه ادبیات و در شعر شاعران مختلف نمود پیدا کرده است. غم غربت می‌تواند نشأت گرفته از شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه باشد و جدایی از وطن و دوری از معشوق از نشانه‌های بارز آن محسوب می‌شود. ملا محمد فضولی یکی از برجسته‌ترین شاعران ترک‌زبان است که در سرزمین عراق رشد کرده و پرورش یافته و به علت جدایی از مام وطن و نیز اوضاع نابه‌سامان سیاسی - اجتماعی حاکم بر بغداد و کشاکش مذهبی بین صفویان و عثمانیان از این حالت روانی^۳ در شعر خود بسیار متأثر شده است. مقاله حاضر به بررسی ابعاد مختلف نوستالژی در دیوان‌های ترکی و فارسی فضولی می‌پردازد. نتایج بررسی‌های انجام شده در دیوان‌های ترکی و فارسی فضولی نشان می‌دهد که ظهور و بروز نوستالژی در اشعار ترکی شاعر بیشتر از شعرهای فارسی اوست.

کلیدواژه‌ها: فضولی، نوستالژی، اشعار ترکی، اشعار فارسی.

۱. دانشیار دانشگاه تبریز

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی ranjbar.nasrin67@gmail.com

بررسی ویژگی‌های رخس رستم و قیرات کوراوغلو

عائنه رسمی^۱

اسب در نزد ایرانیان اولیه از اهمیت خاصی برخوردار بوده است؛ پیروزی و سرفرازی ایرانیان همواره به یاری این جانور نجیب و سودمند محقق شده. در حیات ملل ترک نیز اسب از قداست خاصی برخوردار است و اسب‌ها همواره رفیق بهادر و شریک پیروزی‌های او به شمار می‌آیند. در *شاهنامه* فردوسی و *داستان کوراوغلو* رخس و قیرات از دیگر اسب‌ها متمایزند و این دو جانورانی نمادین هستند که با اسطوره پیوند دارند. هر دو، علاوه بر جسارت و گستاخی، ویژگی‌هایی انسانی دارند، در برابر صاحبان خود احساس مسؤولیت می‌کنند، سخنان آنها را می‌فهمند، صخره‌ها را در می‌نوردند، و شیهه‌ای فراتر از اسب معمولی دارند. این مقاله، با بررسی تطبیقی متون فارسی و ترکی و وابستگی ایرانیان و ملل ترک به این جانور، به بن‌مایه‌های اسطوره رخس و قیرات پرداخته خصوصیات هر یک را در داستان‌های رستم و کوراوغلو بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: رستم، کوراوغلو، رخس، قیرات.

تلمیح در اشعار فارسی و ترکی سلطان سلیمان (محبّی)

وحید رضائی حمزه‌کندی^۱

فاطمه مدرسی^۲

قرآن کریم، معجزه جاوید خاتم‌الانبیاء، حضرت محمد مصطفی(ص)، از آغاز دست‌مایه هنروران و سخن‌وران مسلمان بوده است. غالب این هنرمندان با قرآن آشنایی تام داشته و برخی نیز از حافظان قرآن بوده‌اند. از این روی آثار ایشان مبدل به جلوه‌گاه زیبایی برای نمایان ساختن مفاهیم و آموزه‌های اصیل قرآنی شده است. سلطان سلیمان اول (۹۰۰ هـ. ق. برابر با ۶ نوامبر ۱۴۹۴ م. تا ۵/۶/۷ سپتامبر ۱۵۶۶)، متخلص به محبّی، دهمین سلطان امپراطوری عثمانی است، که از سال ۱۵۲۰ تا لحظه مرگش بر امپراطوری عثمانی حکم راند و از این لحاظ طولانی‌ترین دوره سلطنت را در میان خاندان عثمانی داراست. او از ذوق و قریحه شاعری برخوردار بود و به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود. وی در ابیات بسیاری از دیوان فارسی و ترکی خویش به گونه‌ای برجسته تحت تأثیر قرآن و احادیث قرار داشته است. این نکته حاکی از آن است که محبّی با قرآن مأنوس و همدم بوده است. از سوی دیگر، چون با اسطوره‌های ایرانی و داستان‌های غنایی آشنایی داشته، از آنها در اشعار خود به نحو زیبایی بهره برده است. نویسندگان در پژوهش حاضر کوشیده‌اند تلمیحات اشعار فارسی و ترکی سلطان سلیمان را در سه دسته قرآن و احادیث، اسطوره‌ها (ایرانی و ترکی)، و داستان‌های غنایی مورد بررسی قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، سلیمان قانونی، اشعار فارسی و ترکی، اسطوره، داستان غنایی.

۱. دکترای زبان و ادبیات عربی

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه

نقش زبان آموزان ترکی و فارسی در تقویت روابط فرهنگی و اقتصادی دو کشور ایران و ترکیه

سهراب رضایی^۱

بدون تردید، تنوع زبانی در بین مهم‌ترین ارزش‌هایی که آمیختگی تنگاتنگی با ارزش‌های فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی هر جامعه‌ای دارند از جایگاه والایی برخوردار است. در این میان، ارتباطات دیرینه تاریخی و تمدنی دو کشور ایران و ترکیه امکان تفکیک تأثیرگذاری این مباحث را در ارتباطات دو کشور دشوارتر می‌کند. امروزه زبان و زبان‌آموزی، به‌خصوص مباحث دو و چندزبانگی، پلی برای برقراری ارتباطات مختلف فرهنگی و اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. رابرت فیلیپسون معتقد است زبان‌ها واسطه‌ای هستند که در برقراری ارتباطات سیاسی، بازرگانی، دفاعی، اقتصادی، رسانه‌ای، فناوری، و بیشتر جنبه‌های دیگر زندگی به کار می‌روند؛ بنابراین نقش آنها در جهان روبه‌توسعه امروز و برقراری ارتباط و اتحاد بین کشورها غیر قابل انکار است (فیلیپسون، ۲۰۰۳: ۵). ناز رسول، ضمن تجزیه و تحلیل اهمیت مهارت‌های زبانی و زبان‌آموزان، این مهارت‌ها را زیربنای اقتصاد مبتنی بر زبان دانسته است. او معتقد است در تمامی زمینه‌های مختلف، از قبیل توریسم، تجارت، بازاریابی، هواپیمایی، حمل و نقل، بانکداری، حسابداری، فناوری ارتباطات، هتل‌داری، حقوق، آموزش، و نظایر آنها، افراد دوزبانه و چندزبانه موفق‌تر از افراد تک‌زبانه عمل کرده‌اند؛ بنابراین، نقش زبان‌آموزان را در ارتقای مناسبات فرهنگی و اقتصادی کشورها نمی‌توان نادیده گرفت. اگر، در مفهوم عام‌تر، زبان‌آموزان را شامل فارغ‌التحصیلان، دانشجویان، پزشکان، مهندسين، و شاغلین در مشاغل مختلف در کشور مقابل در نظر بگیریم، قطعاً متوجه تأثیرگذاری این افراد در میزان مبادلات تجاری بین دو کشور، درصد رشد اقتصادی، درصد افزایش تولید ناخالص ملی، ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی در دو کشور، ایجاد و راه‌اندازی رشته‌های تحصیلی مرتبط در دانشگاه‌های دو کشور، میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در صنایع و زیرساخت‌ها،

۱. گروه آموزش زبان انگلیسی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی

تعداد کارگران شاغل در بخش‌های مختلف، و مواردی از این قبیل خواهیم شد و دست یافتن به توفیق در این موارد بدون نقش و تأثیرگذاری زبان‌آموزان محقق نمی‌شود. در دو ماه نخست سال جاری میلادی، مبادلات تجاری ایران و ترکیه به حدود ۱۴ میلیارد دلار رسیده است، که حدود ۱۰ میلیارد آن را صادرات ایران به ترکیه و ۴ میلیارد را صادرات ترکیه به ایران تشکیل می‌دهد. سهم ایران در واردات ترکیه ۴/۴ و در صادرات این کشور ۸/۱ درصد بوده است. مقاله حاضر در نظر دارد، ضمن نگاه اجمالی به اهمیت زبان در مناسبات بین کشورها در سطح بین‌المللی، به تبیین و تشریح نقش زبان‌آموزان کشورهای ایران و ترکیه در تقویت مناسبات فرهنگی و تجاری آن دو پردازد. همچنین، نقش این افراد در ایجاد شرکت‌ها و دفاتر تجاری و بازرگانی، راه‌اندازی وبسایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی، مطبوعات و رسانه‌ها، و سایر موارد مرتبط مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، زبان، زبان‌آموزان، فرهنگ، توسعه.

جایگاه زبان‌های ترکی و فارسی در تئوری‌های زبانی و ارتباط این دو زبان با یکدیگر

مهدی رضایی^۱

در طول دو قرن اخیر، تحقیقات گسترده‌ای در مورد خانواده‌های بزرگ زبانی صورت گرفته و در همین باره تئوری‌های زبانی‌ای از جانب زبان‌شناسان مطرح گردیده است. زبان‌های هند و اروپایی و زبان‌های اورال - آلتایی از جمله خانواده‌های بزرگ زبانی هستند. برخی از زبان‌شناسان، درباره پیوندهای زبانی، تئوری‌های بزرگ‌تر زبانی را نیز مطرح کرده‌اند که از آن میان می‌توان به تئوری زبانی اوراسیاتیک و نوستراتیک اشاره کرد. در این نوشته سعی بر آن است تا جایگاه زبان‌های ترکی و فارسی در خانواده‌های زبانی‌شان و، سپس، ارتباط بین این دو زبان در قالب تئوری زبانی اوراسیاتیک بررسی گردد.

کلیدواژه‌ها: زبان ترکی، زبان فارسی، تئوری زبانی هند و اروپایی، تئوری زبانی اورال - آلتایی، تئوری زبانی اوراسیاتیک.

۱. دانشجوی دکتری زبان ترکی دانشگاه غازی rizai_m6۱۳@yahoo.com

بازتاب مضامین عرفانی در شعر سلطان سلیم پادشاه پارسی گوی عثمانی

سپیده سپهری^۱

فرهنگ و ادب ایرانی در کشور ترکیه ریشه‌های کهنی از دو سه هزار سال پیش دارد و عوامل مختلفی سبب نفوذ اندیشه و زبان فارسی در این سرزمین زیبا شده است. زبان گویای این فرهنگ، که شعر فارسی است، در فراز و نشیب تاریخ و حوادث آن در زمان سلاطین عثمانی به شکوه تمام‌عیار خود دست یافته و در گستره جغرافیایی وسیع حوزه حکومت عثمانی تالو پیدا کرده است. در میان سلاطین عثمانی، سلطان سلیم (۹۱۸ - ۹۲۶) از نظر آشنایی به گسترش و رونق زبان فارسی و تعمیق فرهنگ و هنر ایرانی در آسیای صغیر قابل توجه است. سلطان سلیم مردی باهوش، شوخ طبع و حاضر جواب بوده و در بداهه‌گویی نیز توانایی داشته است. اعتقادات صوفیانه او قوی بود و، چون درویشان، درویشانه بر روی گلیم می‌نشست. در اشعار او وجود مضامین صوفیانه و درون‌مایه‌های عارفانه، که بی‌تأثیر از فرقه مولویه نیست، به‌واقع میراث مشترک ایرانی - عثمانی و تقلیدگونه از ارتباطات فرهنگی‌ای است که در مقوله‌هایی چون عشق، محبت، سماع، وصول، هجران، شکایت از بخت، بی‌ارزش دانستن دنیا، توجه به اخلاق درویشی و خلوت‌گزینی، و عافیت دوستی نمایان گردیده است. هدف از نگارش این مقاله پرداختن به بازتاب مضامین عرفانی در شعر سلطان سلیم و مطابقت آن با انعکاس این مضامین در شعر فارسی است.

کلیدواژه‌ها: ادب فارسی، ادب عثمانی، شعر، عرفان، سلطان سلیم.

۱. استادیار دانشگاه آزاد واحد رودهن @yahoo.com sabooye_teshne

چند و چون شورش زنان پارس و ترک بر هنجارهای تبعیض آمیز جامعه
مردسالار با تکیه بر هنجارشکنی بزرگ
گردآفرید و همانندان او در میان اقوام آذری و ترک

قدمعلی سرامی^۱

محمدعلی نقدی^۲

زنان، با توجه به روزگاران تاریخی و پیش از آن، نسبت به مردسالارانی که در روزگار درازآهنگ مردسالاری بر جوامع بشری فرمان می‌راندند به گونه‌های مختلف اعتراض خود را بیان داشته و ناخرسندی خویش را به جنس مقابل باز نموده‌اند. آنان با سر باز زدن از انجام وظایفی که مردان برای‌شان تعیین می‌کرده‌اند بیزاری خود را از قوانین جابرانه حاکم بر جوامعشان نشان می‌داده‌اند. همین سرناسپردگی نسبت به قوانین ظالمانه مردسالار^۳ سبب آن بوده است که داستان مکر زنان در تمام جوامع بشری، چه شرقی و چه غربی، زبانزد فرهنگ آفرینان مردسالار باشد و اصولاً از جنس زن چونان موجوداتی نیرنگ‌باز همه جا داستان‌ها بیاورند. در این مقاله، ما داستان نیرنگ شیرین گردآفرید را، که برای نبرد با سهراب لباس مردانه می‌پوشد و گیسوان بلند خویش را زیر کلاه‌خود و زره پنهان می‌کند، مورد بررسی قرار داده‌ایم و همانندهای آن را در آداب فولکلوریک آذری، ترکی و دیگر اقوام^۴ بازیافته و به مقایسه پرداخته‌ایم. این پژوهش به ما نشان داده است که، اگرچه چنین می‌نماید که زنان در قبال جورهایی که از جنس مقابل خویش می‌دیده‌اند چاره جز تسلیم و تمکین نمی‌یافته‌اند، این کار را با رغبت اندرونی نمی‌کرده‌اند و همواره نسبت به این انقیاد ناگزیر اعتراض داشته‌اند و این اعتراض^۵ اختصاص به قوم پارس نداشته، بلکه دیگر اقوام شرقی، و حتی غربی، را نیز شامل می‌شده است. از میان اقوامی که زنانشان در مقابل ستمکاری‌های مردانشان قد علم می‌کرده‌اند آمازون‌ها (تک‌پستان‌ها) بسیار بلندآوازه‌اند؛ اینانند که اسکندر در برابرشان زبون می‌آید. یکی

۱. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان g.sarami@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان

از همین زنان گردن‌فراز است که در مقابل تاخت‌وتازِ کشورگشایانهِ کوروش کبیر^۹ دلیرانه مقاومت می‌کند و این مرد سرافراز پارسی را شکست می‌دهد. همین زن است که سر بریده کوروش را، که در طشتی خونین در برابر او نهاده‌اند، مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: «در زندگی از خون خوردن سیراب نشدی، اکنون از خون خود بنوش تا سیراب شوی» و همین زن است که مورخان آذربایجان با احترام و با عنوان «آنام تومروس» (مادرم تومروس) از او یاد کرده‌اند. بانو چیچک، همسر «بامسی»، گرد آذری، که با بر چهره داشتن نقاب سپید با پهلوانِ مردی که نقاب سیاه بر روی دارد، دلیرانه نبرد می‌کند و کشته می‌شود، بولارخاتون، سالجان-خانم، نازلربانو، نگار (همسر کوراوغلو)، تئلی، باللی‌خانم، زینب‌پاشا، زری، و ده‌ها شیرزن دیگر همه نیرنگِ کارآمدِ گردآفرید را پاس داشته و در کار آورده‌اند.

کلیدواژه‌ها: گردآفرید، تومروس و همانندان او، هرّوم، بردع و

جلوه‌های انتقاد اجتماعی در آثار فارسی و ترکی استاد شهریار

قدمعلی سرامی^۱

مریم کمالی^۲

سید محمدحسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار، شاعر ذولسانین و توانای شعر فارسی و آذری معاصر است که از او آثار برجسته‌ای به هر دو زبان ترکی و فارسی بر جای مانده است. یکی از مختصات ویژه شعر این شاعر توانا این است که وی در هر دو زبان شاعری است انتقادگر و گلایه‌مند که در حوزه‌های مختلف از جمله اجتماع، خواه به صورت صریح و خواه غیر صریح، به انتقاد پرداخته است. انتقادهای وی معمولاً به صورت گلایه از خود و دیگران در هر دو زبان انعکاس یافته و سروده‌های وی، در هر دو زبان، آمیخته به خرده‌گیری است. بررسی اشعار فارسی و ترکی این شاعر نشان می‌دهد که وی در انتقاد تندرو و خشن نیست و با اندک مقایسه‌ای می‌توان دریافت که شیوه انتقادی وی در دو زبان با هم تفاوت‌هایی دارد. از آنجا که زبان ترکی زبان مادری شاعر است انتقادش معمولاً به صورتی عاطفی و صمیمانه‌تر نمود می‌یابد و، بر خلاف آن، زبان انتقادی او در سروده‌های فارسی‌اش معمولاً صریح و سخته و سنجیده‌تر است؛ به عبارت دیگر، شاعر زمانی که به قلمرو عاطفه نزدیک می‌شود از زبان مادری و زمانی که به قلمرو عقلانیت نزدیک می‌شود از زبان رسمی و ملی خود استفاده می‌کند.

کلید واژه‌ها: شهریار، شعر فارسی، شعر آذری، انتقاد، گلایه.

۱. دانشیار دانشگاه آزاداسلامی واحد زنجان g.sarami@gmail.com

۲. مدرس دانشگاه پیام نور m_kamali۲۸@yahoo.com

تأثیرگذاری آثار کهن فارسی در ادب و فرهنگ ترکیه

منظر سلطانی^۱

عاطفه زارعی^۲

بررسی تبادل و تعامل ادبی و فرهنگی بین کشورها از موضوعات قابل توجه در تحقیقات است. در این مقاله، به موضوع تأثیرگذاری آثار فارسی در ادب و فرهنگ ترکیه با استفاده از دو کتاب ترجمه شده از زبان ترکی به فارسی در مورد افسانه‌های ترکیه با نام‌های *افسانه‌های مردم ترکیه و داستان‌ها و افسانه‌های ترکیه* پرداخته شده است. برای این کار محتوای این داستان‌ها و افسانه‌ها با آثار کهن فارسی از جمله آثار مولوی، نظامی گنجه‌ای، جامی و دیگر شاعران و نویسندگان، که کتاب‌ها و دیوان‌های آنها را یا خود شاعر یا امیران و پادشاهان ایرانی به سلاطین ترک اهدا می‌کردند یا از طریق مهاجرت شاعران و نویسندگان ایرانی به علل مختلف در اختیار مردمان آسیای صغیر قرار می‌گرفته، مقایسه شده است. علاوه بر علل ذکر شده برای انتقال آثار شاعران و نویسندگان ایرانی به ترکیه، فرمانروایان عثمانی از کودکی زبان فارسی را به عنوان زبان ادبیات فرا می‌گرفتند، تا آنجا که از این زبان برای کارهای دیوانی و سیاسی خود نیز بهره می‌جستند و این موضوع باعث می‌شد که، علاوه بر زیاد شدن کتب فارسی تألیفی ایرانیان، سخنوران ترک‌زبان هم به سوی این زبان و فرهنگ روی بیاورند و این امر موجب نزدیک‌تر شدن هر چه بیشتر این دو فرهنگ شود.

کلیدواژه‌ها: ایران، ترکیه، عثمانی، مولانا، جامی، نظامی گنجه‌ای.

۱. دانشیار دانشگاه خوارزمی soltani53@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی hastizarei@yahoo.com

بومی‌گرایی در رمان‌های معاصر ایران و ترکیه (با تأکید بر نفرین زمین و حضور)

عایشه سوسار^۱

حسینعلی قبادی^۲

وضعیت سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی جوامع ایران و ترکیه با توجه به تعاملات، اثرپذیری، و اثرگذاری متقابل تاریخی و فرهنگی در ادوار مختلف تا حدودی شبیه هم بوده و فضای حاکم بر این کشورها و تحولات اجتماعی^۱ تأثیرات خود را در تمام پدیده‌ها از جمله ادبیات بر جای گذاشته است. ورود برخی از آموزه‌های فرهنگی غرب و نیز اینکه بخشی از معیارهای غربی^۲ جایگزین معیارها و ارزش‌های شرقی و اسلامی شده‌اند یکی از تحولات شگرف و مشترک تاریخ معاصر این دو کشور است که موجب نابسامانی بخشی از هنجارهای اجتماعی و تخریب پاره‌ای از عناصر هویت ملی و بومی شده و، در نتیجه، تشتت و گاه بحران هویت، خود باختگی، و سردرگمی‌های فردی و اجتماعی در این کشورها به وجود آورده است. بروز ظواهر و جلوه‌های غربی در پوشش تجدد تقلیدی^۳ واکنش متقابلی را هم در پی داشته و گاه سبب روی آوردن برخی از جریان‌ها و محافل فکری و فرهنگی این کشورها به اصالت‌های بومی جهت پروراندن و به فعلیت رساندن آن در عرصه‌های گوناگون از جمله ادبیات شده است. بر همین اساس، «بومی‌گرایی» به‌عنوان رویکردی اجتماعی و گرایشی ویژه در مقام ایستادگی و مقاومت در برابر سیطره تدریجی آموزه‌ها و انگاره‌های فرهنگ بیگانه غربی با قصد و هدف جستجوی عناصر هویت ملی و بومی و بازسازی آن، بزرگ‌داشت سنت‌ها، و حفظ و احیای ارزش‌ها و موارث کهن ظهور و گسترش یافته است. با این مفروض که ادبیات هر کشوری، به‌ویژه آن بخش که به ادبیات داستانی اختصاص دارد، پاره و نمودی از هویت ملی آن کشور است و مانند آینه‌ای می‌توان در آن بازتاب فرهنگ و ساختار اجتماعی آن کشور را مشاهده

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

کرد، این تحقیق می‌کوشد با بررسی عوامل و عناصر بومی‌گرایی در دو رمان معروف از دو نویسنده برجسته ادبیات ایران و ترکیه به توصیف و تحلیل ویژگی‌ها و خصوصیات کلی و جزئی بومی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی، و غیره این دو کشور، در دوره معاصر، پردازد و با بررسی و مقایسه آنها نشان دهد که رمان فارسی و ترکی چگونه و به چه میزان توانسته‌اند ساختار اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی جوامع خود را در یک دوره ویژه تاریخی در خود بگنجانند و منعکس سازند. هدف اصلی این پژوهش تبیین و تثبیت نقش بازآفرینی تاریخی و فرهنگی و اجتماعی رویکرد «بومی‌گرایی»، به‌عنوان یک گفتمان، در این آثار و جایگاه آنها در طرح مسأله بازگشت به ریشه‌ها و احیای سنت‌های اصیل (ملی - دینی) است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، بومی‌گرایی، رمان فارسی، رمان ترکی.

رویکردی ریشه‌شناسانه به برخی از لغات ترکی لیلی و معنون نظامی گنجوی بهنام صادقان کلو^۱

در ایران، دو زبان ترکی و فارسی سالهای سال در کنار هم زیسته‌اند و طبیعتاً بر یکدیگر تأثیر گذاشته و از هم تأثیر پذیرفته‌اند. از آنجایی که لیلی و معنون نظامی گنجوی نیز تحت تأثیر این پیوند زبانی بوده، در این مقاله سعی شده است پانزده واژه ترکی از میان واژه‌های ترکی به-کاررفته در این اثر معرفی و با رویکردی ریشه‌شناسانه، با استناد به منابع موجود، مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نظامی، لیلی و معنون، واژه ترکی، ریشه‌شناسی.

شعر و شاعری شاه اسماعیل صفوی با نگاهی انتقادی به کتاب رازهایی در دل تاریخ

بهنام صادقیان کلو^۱

از قرن دهم هجری تا به امروز تذکره‌نویسان و مورخان درباره زندگی، شخصیت، و آثار شاه اسماعیل صفوی مطالب بسیاری نوشته‌اند. آن بخش از اطلاعات که مربوط به زندگی، جنگ‌ها، و فتوحات شاه اسماعیل است تقریباً، و حتی می‌توان گفت تحقیقاً، با هم همخوانی دارند. اما پژوهشگران در مورد شعر و شاعری وی اختلاف نظرهایی دارند. یکی از این پژوهشگران فیروز منصوری است که در کتاب رازهایی در دل تاریخ با ارائه مستندات از شاعر نبودن شاه اسماعیل سخن به میان آورده و معتقد است وی دیوانی به زبان ترکی نداشته و آنچه به وی منسوب است در اصل متعلق به فرقه بکتاشیه در ترکیه است. در این مقاله سعی شده است تا مطالب این کتاب با ارائه دلایل و مستندات مورد بررسی قرار گیرد و پرده از راز شاعر بودن یا نبودن شاه اسماعیل صفوی برداشته شود.

کلیدواژه‌ها: شاه اسماعیل صفوی، فیروز منصوری، رازهایی در دل تاریخ، دیوان ترکی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی aytak_guntak@yahoo.com

نگاهی به برخی از لغات ترکی مخزن الاسرار نظامی گنجوی

بهنام صادقیان کلو^۱

در طول تاریخ، همسایگی دو قوم ترک و فارس باعث ایجاد پیوند زبانی بسیار مستحکمی میان این دو ملت شده است. این پیوند در حوزه ادبیات نیز به جهت تأثیراتی که این دو زبان بر یکدیگر داشته‌اند کاملاً هویدا است. از آنجایی که مخزن الاسرار نظامی نیز تحت تأثیر این ارتباط زبانی بوده، در این مقاله سعی شده است دوازده واژه ترکی از میان واژه‌های ترکی به-کاررفته در این اثر معرفی و با رویکردی ریشه‌شناسانه با استناد به منابع موجود مورد بررسی قرار گیرد. گمان می‌رود این مقاله بتواند با ارائه تحلیلی درست از این واژگان مطالعه‌کنندگان آثار نظامی را سودمند باشد.

کلیدواژه‌ها: نظامی، مخزن الاسرار، واژه ترکی، ریشه‌شناسی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی aytak_guntak@yahoo.com

بررسی انگیزش فارسی آموزان خارجی در یادگیری زبان فارسی (مطالعه‌ای موردی در ترکیه)

اسماعیل صفائی اصل^۱

ابوالفضل قاسم‌زاده^۲

انگیزش^۱ یکی از مهم‌ترین عواملی است که در فرایند یادگیری زبان دوم/ خارجی نقشی اساسی ایفا می‌کند. به‌باور برخی صاحب‌نظران، نقش آفرینی بسیاری از عوامل دخیل در فرایند یاد شده با تأثیرپذیری از عامل عاطفی انگیزش تحقق می‌یابد. بر این اساس، آگاهی از انگیزش زبان‌آموزان می‌تواند به برنامه‌ریزان آموزش زبان دوم/ خارجی کمک کند تا در جهت افزایش کیفیت آموزش زبان دوم/ خارجی گام‌های مؤثرتری بردارند. در پژوهش حاضر، تلاش شده است میزان و نوع انگیزش دانشجویان ترک‌زبان رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آنکارا در یادگیری زبان فارسی مورد بررسی قرار گیرد. نمونه تحقیق شامل ۸۰ دانشجوی دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آنکارا بود. به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل، پرسش‌نامه‌ای متشکل از آزمون‌های «نگرش نسبت به یادگیری زبان، شدت انگیزشی، اشتیاق، و جهت‌گیری» که همگی برگرفته از پرسش‌نامه «نگرش/ انگیزش گاردنر» (Gardner's Attitude/Motivation Test Battery) بودند بین آزمودنی‌ها توزیع شد. اطلاعات به‌دست‌آمده با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و آزمون ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد. نتایج^۲ حاکی از نگرش مثبت بالاتر از میانگین (نمره ۳۶ از ۴۰)، شدت انگیزشی^۳ بالاتر از میانگین (نمره ۲۲ از ۲۴)، و اشتیاق بسیار بالای آزمودنی‌ها (نمره ۲۲ از ۴۰) در یادگیری زبان فارسی بود. مجموع این سه نمره نشان‌دهنده بالا بودن میزان انگیزش آزمودنی‌ها در یادگیری زبان فارسی بود. همچنین، نتایج حاصل از تحلیل همبستگی

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبائی safai.atu@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

بین متغیرهای پژوهش^۵ حاکی از رابطه معنی‌دار اشتیاق و نگرش یادگیری با شدت انگیزش یادگیری بود. در زمینه نوع انگیزش آزمودنی‌ها هم این نتیجه به دست آمد که در حدود ۷۷/۵ درصد آزمودنی‌ها دارای جهت‌گیری یکپارچه و بقیه آزمودنی‌ها دارای جهت‌گیری ابزاری در یادگیری زبان فارسی بودند. نتایج کاربردی و ضمنی فرضیه‌ها در مقاله حاضر مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: انگیزش، شدت انگیزشی، اشتیاق، نگرش زبانی، جهت‌گیری، زبان فارسی.

بررسی اندیشه‌های مشترک احمد شاملو و ناظم حکمت

مهدی طباطبایی^۱

احمد شاملو (۱۳۷۹ - ۱۳۰۴ ش) و ناظم حکمت (۱۹۶۳ - ۱۹۰۲ م) از برجسته‌ترین شاعران معاصر هستند که با جریان‌سازی در سیر ادبیات فارسی و ترکی به جایگاهی قابل اعتنا در پژوهش‌های ادبی دست یافته‌اند. با وجود اختلاف زبان، محیط، و فرهنگ، مطالعه آثار شاملو و حکمت^۲ مخاطب را متوجه شباهت‌هایی در اندیشه این دو شخصیت می‌کند که برخی از آنها ریشه در شباهت‌های روحی یکسان انسان‌ها دارد و برخی دیگر حاصل ارتباط ادبی این دو است؛ بر این مبنا، اندیشه‌های مشترک این دو شاعر، هم در محدوده ادبیات تطبیقی و هم در قلمرو ادبیات مقابله‌ای، قابل بررسی است. افزون بر شباهت اندیشه و هم‌سویی‌های فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی میان دو شاعر، در برخی نوآوری‌های شکلی و زبانی آن‌ها در ادب فارسی و ترکی نیز یکسانی‌هایی مشاهده می‌شود. این پژوهش در پی آن است تا در گستره ادبیات تطبیقی و مقابله‌ای به بررسی اندیشه‌های مشترک این دو شاعر بپردازد. روش تحقیق به صورت اسنادی و با استفاده از امکانات کتابخانه‌ای است که در آن از شیوه تحلیل محتوا هم استفاده شده است. بایستگی مطالعه در حوزه ادبیات تطبیقی و مقابله‌ای ایران و ترکیه اهمیت و ضرورت این تحقیق را مشخص می‌کند و نتیجه حاصل از آن برجسته کردن اندیشه‌های مشترک شاملو و حکمت، به دست دادن فرایند این اندیشه‌ها به شکل نمودار، و مقایسه میان آنهاست.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، ادبیات مقابله‌ای، احمد شاملو، ناظم حکمت.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی m_tabatabaei@sbu.ac.ir

واژه‌های فارسی دخیل در زبان ترکی

حوریه عاقل نهند^۱

همجواری زبان‌های ترکی و فارسی در کنار اشتراکات مذهبی، تاریخی، و فرهنگی کشورهای ایران، ترکیه، و جمهوری‌های ترک‌زبان شمال ایران سبب پیوند عمیق این دو زبان گردیده است. وجود واژه‌های متعدد ترکی در زبان فارسی و بالعکس از نمودهای این پیوند است؛ خصوصاً برخی واژه‌های فارسی دخیل در زبان و لهجه‌های ترکی که در زبان فارسی معیار امروزی به کار نمی‌روند دیرینگی پیوند این دو زبان را اثبات می‌کند. در این مقاله، برخی از این واژه‌های فارسی با استناد به منابع معتبر ریشه‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: واژه دخیل، فارسی، ترکی.

۱. دانشجوی دکتری زبان ترکی آذربایجانی دانشگاه دولتی باکو H_Aghel@tabrizu.ac.ir

بررسی مقایسه‌ای مَثَل‌های فارسی و ترکی استانبولی

ذوالفقار علامی^۱

مریم محمدپور^۲

مَثَل‌ها سخنان نغز و حکمت‌آمیزی هستند که از تجربیات ملت‌ها، نوع نگرش، معیشت، باورها و اعتقادات آنان در طول قرون و اعصار متمادی گذشته حکایت می‌کنند. بررسی و شناخت دقیق مَثَل‌ها راهی است در جهت شناخت هر چه بیشتر ملت‌ها از دیدگاه روان‌شناختی، فرهنگی، جامعه‌شناختی، و غیره. نیز، با مقایسه مَثَل‌های اقوام و ملل گوناگون به تفاوت‌ها و مشترکات آنها می‌توان پی برد. از آنجا که دو ملت ایران و ترکیه طی قرن‌های بسیار طولانی در کنار هم زیسته و با یکدیگر پیوندهای گوناگون دینی، فرهنگی، ادبی، و غیره داشته‌اند، با بررسی ضرب‌المثل‌های آنان می‌توان به‌طور دقیق و مشخص به تفاوت‌ها و مشترکات و تأثیر و تأثرهای زبانی، ادبی، و فرهنگی آنها پی برد. از این رو، هدف مقاله حاضر بررسی مَثَل‌های این دو ملت و روشن کردن میزان شباهت‌ها و تأثیر و تأثر زبانی در امثال آنهاست و اینکه شباهت‌ها و تفاوت‌ها محتوایی است یا ساختاری. برای نیل به این هدف کتاب ضرب‌المثل‌های فارسی حسن ذوالفقاری و کتاب ضروب امثال ترکیه مورد مقایسه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مَثَل‌های فارسی، مَثَل‌های ترکی، بررسی مقایسه‌ای.

۱. دانشیار دانشگاه الزهرا zalami@alzahra.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا

سهم تقلید و خلاقیت در بلاغت غزل فضولی

ناصر علیزاده^۱

دیوان غزلیات ترکی مولانا فضولی یکی از پرشورترین دیوان‌های ماندگار است که هر مصرع آن بازتاب هیجان هنری و مضمون اثرگذاری است که می‌توان آن طرز را سبک فضولی نامید. حوزه عمومی غزل او را مفاهیم عاطفی و اخلاقی تشکیل می‌دهد که از دیرباز در سروده‌های دیگر استادان غزل نیز نمایان است؛ اما آنچه غزل‌های او را ممتاز می‌کند شیوه استفاده صورت خیال و مضامین شعری است که اغلب آن شیوه‌های هنری دست‌فروخته غزل‌سرایان پیشین نیست. تشبیهات رایج و مکرر که در غزل فارسی به چشم می‌خورد، از قبیل تشبیه لب به لعل و زلف به کمند و رخساره به ماه، در شعرهای ترکی او نیز حضور پررنگ دارند؛ اما آنجا که ابروی معشوق را به کشتی واژگون مانند می‌کند یا رخسار او را با مصحف برابر می‌داند یا نخل ملاحظت را به استعاره از اندام موزون و خرامان معشوق به کار می‌گیرد، امتیاز شاعری و تفاوت‌های غزل‌سرایی خود را معلوم می‌دارد. با اینکه غزل‌های ترکی فضولی ترکیبی از لغات و اصطلاحات فارسی و عربی و ترکی است، نه از نظر فنی و هنری می‌توان نکته‌ای بر آن گرفت و نه از جنبه احساسی و زیبایی، به خصوص آنجا که حوزه و گستره به کارگیری دست‌مایه‌های غزلی را تغییر می‌دهد و هنجارگريزانه به آفرینش هنری دست می‌زند و عادات شاعران را نادیده می‌گیرد و به جای چشم معشوق ابروی او را راهزن و نیرنگ کار می‌داند: «حرامی قاشلارین، رسم و ره نیرنگ توتمولار» (غ ۵۸ ص ۱۲۴). در این مقاله، ضمن اشاره به مشترکات غزل‌های ترکی فضولی با غزل‌سرایان پیش از وی، بی آنکه از حدود انصاف و شیوه اعتدال نقد ادبی دور شویم، به ذکر خلاقیت‌های شاعری و مضمون‌آفرینی او توجه خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: فضولی، غزل، تشبیه، استعاره.

۱. استاد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان ناصر.alizadeh@gmail.com

ضرب‌المثلهای مشترک در مثنوی مولوی و ادبیات ترکیه

ژاله‌سادات غیبی^۱

یکی از اساسی‌ترین ارکان زبان و ادبیات هر ملتی ضرب‌المثل‌های به کار رفته در آن زبان است و هر زبانی، با توجه به مشترکات سیاسی، فرهنگی، مذهبی، و اجتماعی خود با زبان و ادبیات ملل دیگر، به‌ناچار از لغات، اصطلاحات، و ضرب‌المثل‌های آنها نیز استفاده می‌کند. در این میان، با توجه به اشتراکات زیاد فرهنگی، مذهبی، سیاسی، و زبانی مردم ایران و ترکیه نفوذ ضرب‌المثل‌های فارسی در ادبیات ترک، به‌خصوص بعد از سفر جلال‌الدین مولوی به آنجا، بسیار زیاد بوده است. در این پژوهش، نمونه‌های زیادی از ضرب‌المثل‌های مشترک در مثنوی مولوی و زبان و ادبیات ترکیه استخراج و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: زبان، ادبیات فارسی، ادبیات ترکی، ضرب‌المثل، مثنوی مولوی.

بررسی تأثیرات متقابل دو زبان فارسی و ترکی

مریم قراخانی^۱

هیچ زبانی بدون وام گرفتن از زبان دیگر قادر به ادامه حیات نیست. زبان فارسی یکی از زبان‌های ریشه‌دار و غنی است و مانند هر زبان دیگر در طول تاریخ از زبان‌های دیگر به دلایل مختلف سیاسی، نظامی، و اجتماعی تأثیر پذیرفته است. از آنجا که زبان^۲ مقوله‌ای پویا و زنده است، هر حرکتی در این خصوص مسلماً دوسویه است؛ یعنی میزان تأثیرگذاری دو زبان بر یکدیگر ممکن است کم یا زیاد باشد اما مسلماً هر دو از دیگری تأثیر می‌پذیرند. ورود واژه‌های ترکی به زبان فارسی و سیر تاریخی آن را می‌توان در دو دوره بررسی کرد؛ دوره یکم: از آغاز تا برپایی امپراطوری عثمانی و دوره دوم: همزمان با برپایی دولت عثمانی و پس از آن. ترکان از همان ابتدای ورود خود به فلات ایران با فرهنگ و زبان فارسی که برجسته‌ترین نماد این فرهنگ به شمار می‌رود آشنا شدند. برخی واژه‌های ترکی برای نخستین بار از طریق آثاری چون تاریخ بیهقی وارد زبان فارسی شدند. با استقرار سلجوقیان و پایتخت شدن قونیه، فارسی^۳ زبان رسمی این ناحیه گردید. حضور ترکان در آسیای صغیر وسیله رواج زبان فارسی بود. با نگاهی به منابع تاریخی و فرهنگ‌های فارسی درمی‌یابیم که بیشتر واژه‌های ترکی که در قدیم به زبان فارسی راه یافته‌اند ماهیتی اداری، دیوانی، و نظامی دارند و در دوران جدیدتر حوزه این لغات به زندگی روزمره و اجتماعی مردم کشانده می‌شود. پس از آنکه شاه اسماعیل دولت صفوی را بنیان نهاد، زبان ترکی همچنان زبان رایج دربار و قشون باقی ماند. شاهان صفوی حامی شعر و ادب بودند. شاه عباس، از سویی، به شفایی و دیگران دستور می‌داد کتاب مخزن جغتایی حیدر را به فارسی برگردانند و، از سویی دیگر، از صادق کتابدار می‌خواست که مثنوی مولوی را به ترکی درآورد. با گسترش روابط ایران و عثمانی، ترکیبات فارسی فراوانی ساخته شد. بعد از وقفه‌ای که در روابط ایران و عثمانی بر اثر اختلافات آنان به وجود آمد، تأثیرات متقابل دو زبان بر یکدیگر کمی کمرنگ شد. در قرن دهم، با به تخت نشستن سلطان سلیمان،

۱. مدرس زبان فارسی دانشگاه کاتب چلبی از میر

که حدود ۷۰۰ بیت شعر فارسی از او به جای مانده، بار دیگر گرایش به زبان فارسی رنگ می‌گیرد. اما با نزدیک شدن به انقلاب مشروطه و پس از آن، شاهد گسترش روابط و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بیشتر هنرمندان و نویسندگان هر دو کشور هستیم. این مقاله بر اساس روش کتابخانه‌ای تهیه و تنظیم گردیده است و سعی بر آن بوده، به دور از تعصب، نگاهی گذرا به تأثیرات متقابل این دو زبان بر یکدیگر داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، زبان ترکی، ادبیات دیوانی، ادبیات شفاهی، تأثیرگذاری.

بررسی لغات و اصطلاحات ترکی دخیل در دو زبان فارسی و عربی

جاوید قربانی^۱

با توجه به اشتراکات تاریخی، فرهنگی، و دینی کشورهای ترک و فارس و عرب‌زبان، بسیاری از لغات و اصطلاحات این زبان‌ها در یکدیگر وارد شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بررسی لغات رایج یکی از این زبان‌ها در زبانی دیگر اولاً به سبب کثرت و فراوانی در یک مقاله نمی‌گنجد و ثانیاً بارها مورد تدقیق و تحقیق قرار گرفته‌اند. در این میان مقاله حاضر در نظر دارد که لغات و اصطلاحات زبان ترکی را، که به طور مشترک وارد زبان فارسی و عربی شده‌اند، مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: ترکی، فارسی، عربی، لغات دخیل.

مقایسه ساختار افعال ترکی و فارسی

جاوید قربانی^۱

ساختمان افعال هر زبانی مخصوص آن زبان است و یکی از پیچیده‌ترین مباحث دستور زبان فارسی بررسی و شناخت ساختمان افعال مرکب است که برخی از دستورنویسان برای شناخت و تفهیم آن از معادل‌های زبان انگلیسی و فرانسوی بهره گرفته‌اند. در این مقاله سعی شده است که ساختمان افعال ترکی و فارسی مورد مذاقه قرار گیرد و برای تشخیص ساختمان افعال فارسی از معادل‌های فعلی ترکی استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، دستور، ساختمان فعل، معادل ترکی.

بررسی تطبیقی شعر ایران و ترکیه در یکصد سال اخیر

شراره کامرانی^۱

حمیدرضا شکارسری^۲

شعر^۱ آینه تمام‌نمایی از احساسات، افکار، و روحیات ملت‌هاست. در این تحقیق، بر اساس باور محققان، با توجه به وجود زمینه‌های اجتماعی مشابه در کشورهای ایران و ترکیه و قرار گرفتن این دو کشور در مقاطع تاریخی مشابه، بر اشتراکات فکری، ذهنی، و عملی هنرمندان دو کشور در عرصه شعر تأکید شده و آثار ایشان بر همین مبنا به شیوه تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. تحکیم روابط دوستی ملت‌ها و کشورها در جهان پُر آشوب فعلی و تأکید بر روابط منطقه‌ای از سیاست‌های لازم در دنیای معاصر است و شناسایی اشتراکات هنر و ادبیات، به‌عنوان زیرشاخه‌ای عمده و مهم در فرهنگ، کمکی شایان به تمهید بستر دوستی بین این دو همسایه کهن، ایران و ترکیه، می‌کند. این تحقیق، که به شیوه کیفی انجام شده است، نشان داد که تغییرات سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی ایران و ترکیه با اختلاف چندساله در فاصله‌گیری از نظام‌های سنتی و در مسیر نوسازی و مدرنیزاسیون اتفاق افتاده و به‌طور غیر قابل انکاری باعث تحولات مشابه ادبی دو کشور با همان اختلاف فاز چندساله شده است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر جریان‌های ادبی مشابه می‌توان شخصیت‌های ادبی شاخصی را نیز یافت که تأثیر و نقشی تقریباً مشابه بر شعر و ادبیات کشور خود داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: ایران، ترکیه، مطالعه تطبیقی، جریان ادبی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا sharareh_kamrani@yahoo.com

۲. کارشناس زمین‌شناسی

پژوهشی در کنایه‌های مشترک و معادل در زبان فارسی و ترکی

مرتضی کریمی^۱

با توجه به اشتراکاتی که در پی سالیان دراز، آن هم به سبب همجواری فرهنگ‌های غنی ایرانیان و ترکان، میان این دو تمدن به وجود آمده است، پیگیری و بررسی ریشه‌های لغات و کنایه‌های به‌کاررفته میان مردمان این دو بوم اهمیت بسیار دارد؛ لذا قلم زدن در این باره مستلزم واکاوی ریشه‌های ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌هایی است که با گذشت زمان در زبان فارسی و ترکی رواج یافته و در این مقاله از بین بی‌شمار کنایه‌های مشترک و معادل قدری مغتنم شمرده شده و به بررسی آن‌ها پرداخته شده است. در این مقاله قریب به ۴۰۰ اصطلاح مشترک و معادل از ابتدای حرف A تا ابتدای حرف K در زبان ترکی واکاوی شده است، که طبیعتاً شمار آن تا روزهای آتی به بیش از این خواهد رسید. در این پژوهش، کنایه‌های به‌کاررفته در هر دو زبان را در مقولات مختلف طبقه‌بندی کرده با هم مقایسه خواهیم کرد. هدف نهایی از جست‌وجوهای انجام شده نزدیک شدن به ریشه‌های فرهنگی و نیز در اختیار نهادن مأخذی برای مترجمان و علاقه‌مندان هر دو زبان فارسی و ترکی است.

کلیدواژه‌ها: کنایه، مشترک، معادل، ترکی، فارسی.

۱. دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات ترکی استانبولی دانشگاه علامه طباطبائی

تحول معنایی واژه «تُرک» در دیوان حافظ

مهدی محبتی^۱

یکی از برجستگی‌های شعر حافظ رفتاری است که با واژگان، به‌ویژه از منظر سیر تحول تاریخی و فرهنگی آنها، می‌کند. واژه «تُرک» یکی از آنهاست که حافظ با نگاهی «معنوی - معنایی - زیباشناختی» ابعاد جدیدی را برای آن رقم زده است. حافظ، از یک سو، ترک را در معنای متعارف تاریخی آن به کار می‌برد و، از دیگر سو، با توجه به ژرف‌ساخت‌های معنوی - فرهنگی واژه، که ریشه در ادبیات پیش از او دارد و همچنین کاربردهای سیاسی - اجتماعی که در روزگار او یافته است و نیز قلمروهای ناب و نایابی که خود شخصاً بدان رسیده است، آفاق معنایی تازه‌ای از این واژه به روی مخاطب می‌گشاید. حافظ در بیست غزل خود - حدوداً - بدان می‌پردازد و، از جوانب گوناگون، این واژه را به میان می‌کشد و از آن برای اهداف تعلیمی و هنری خود بهره می‌برد. فهم و تحلیل سیر تحول این کاربردهای معنایی و معنوی و توجه به ساحت‌های زیباشناختی آن در دیوان حافظ یکی از مباحث عمیق و دلنشین حافظ‌شناسی است که تا به حال چندان که باید بدان توجه نشده است. هدف این مقاله، تحلیل نگاه حافظ دربارهٔ واژه تُرک و بازکرد موارد کاربرد آن است.

کلیدواژه‌ها: حافظ، تُرک، تحول معنایی، مباحث زیباشناختی.

نگاهی به برخی واژه‌های ساده و مرکب فارسی در زبان ترکی با تکیه بر تغییر معنا و تلفظ

سلیمان مختاری^۱

با توجه به پیشینه زبان فارسی در ترکیه، میزان قابل توجهی واژه فارسی به زبان ترکی راه یافت و شعرا و نویسندگان ترک آنها را استعمال کردند. برخی از واژه‌های فارسی که در زبان ترکی به کار می‌رود، گاهی با تغییر معنا در آن زبان به کار می‌رود و یا گاهی با تغییر تلفظ و یا با هر دو شکل آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف مقاله حاضر آن است که برخی از واژه‌های فارسی را که در زبان ترکی وارد شده است از نظر معنی و تلفظ و نیز نگارش در زبان ترکی مورد بررسی قرار دهد تا تفاوت‌ها و تغییرات آنها را مشخص کند. چگونگی و یا مقدار تغییرات، چه از نظر معنی و چه از نظر لفظ و نگارش، می‌تواند کمک به شناخت ویژگی‌های زبان ترکی از نحوه پذیرش و گزینش واژگان کند.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، زبان ترکی، واژگان دخیل، واژه ساده، واژه مرکب، تغییر معنا، تغییر تلفظ.

بررسی علل ورود واژه از زبان ترکی به فارسی و عوامل درون‌زبانی و برون‌زبانی مؤثر بر آن

فاطمه مدرسی^۱

الناز ملکی^۲

زبان ° وسیله برقراری ارتباط میان افراد جامعه است و هر زبانی با ویژگی‌های خاص خود در دیگر زبان‌ها تأثیر می‌گذارد؛ از این رو شناخت زبان‌ها به درک متقابل و درستی منجر می‌گردد. از سوی دیگر، هر زبان، در طول زمان، برای رفع نیاز خود در زمینه اختراعات، ابداعات، و اکتشافات اقدام به استفاده از روش‌های گوناگون کلمه‌سازی مانند اشتقاق، ترکیب، و غیره دست می‌یازد. با مطالعه فرهنگ‌ها درمی‌یابیم که کلمات بسیاری از زبان ترکی وارد زبان فارسی شده است. این تحقیق بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی علل و عوامل ورود واژه‌های ترکی در فارسی پردازد. نتایج تحقیق نشان از آن دارد که، به‌طور کلی، واژه‌های دخیل ترکی در فارسی در سه دسته جای گرفته‌اند: دسته اول واژه‌هایی هستند که امروزه اغلب آنها در هر دو زبان فارسی و ترکی روزمره به‌طور یکسان به کار می‌روند؛ دسته دوم واژه‌هایی را در بر می‌گیرند که همانند دسته اول در مکالمات زبان فارسی فعال‌اند و، ضمن اینکه دارای معادل فارسی نیز هستند، به‌طور رایج به کار می‌روند، هرچند که در شیوه‌های مختلف گفتار و نوشتار از معادل‌های فارسی نیز استفاده می‌شود؛ دسته سوم شامل واژه‌هایی است که در مقطعی از زمان وارد زبان فارسی شده و در مقطعی دیگر از آن جدا گشته‌اند و جزء گنجینه لغات به‌کاررفته در زبان محسوب می‌شوند و آنها را فقط در کتب قدیمی می‌توان یافت و هیچ‌گونه تأثیری در زبان فعلی فارسی نداشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: ورود واژه، زبان ترکی، زبان فارسی، عوامل درون‌زبانی، عوامل برون‌زبانی.

۱. استاددانشگاه ارومیه

۲. دانشجوی دکتری لهجه‌ها و ادبیات معاصر ترکی دانشگاه آنکارا

تأثیر پذیری سلطان سلیمان (محبّی) از شاعران ایران

فاطمه مدرسی^۱

وحید رضائی حمزه‌کندی^۲

زبان و ادب فارسی در طول قرن‌های گذشته همواره پیام انسانی مهر و محبت ایرانیان را به گوش همگان رسانده و شاهکارهای فردوسی، سعدی، حافظ، و نظامی الگوی شاعران دیگر کشورها قرار گرفته است. یکی از کسانی که به زبان فارسی عشق و علاقه خاصی داشت سلطان سلیمان اول یا قانونی سلطان سلیمان (۹۰۰ هـ. ق. برابر با ۶ نوامبر ۱۴۹۴ م. تا ۵/۶/۷ سپتامبر ۱۵۶۶) است. وی دهمین سلطان امپراطوری عثمانی است که از سال ۱۵۲۰ م. تا لحظه مرگش بر امپراطوری عثمانی حکم راند و از این لحاظ طولانی‌ترین دوره سلطنت را در میان خاندان عثمانی داراست. وی که بیشتر زمامداری‌اش با دوران حکومت شاه طهماسب در ایران مقارن بوده به دو زبان فارسی و ترکی شعر سروده است. این پژوهش در پی آن است که، با روش تحلیلی - توصیفی، تأثیرپذیری محبّی را در اشعار فارسی و ترکی وی از شاعران ایران‌زمین مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که محبّی تحت تأثیر بیشتر شاعران ایرانی خاصه حافظ و مولانا و نظامی بوده است؛ اما از میان شاعرانی که محبّی تحت تأثیر زبان و فضای فکری آنها بوده، حافظ را پررنگ‌تر از دیگر شاعران می‌بینیم. این خود از دل‌بستگی محبّی نسبت به خواجه شمس‌الدین محمد حافظ، سیم‌رخ قلّه قاف غزل فارسی، حکایت دارد. محبّی در مکتب عرفانی و ادبی خواجه سیر می‌کرده و به همین سبب بیشتر آثار او تتبع و استقبال از غزلیات خواجه است. به نظر می‌آید که مطالب عرفانی خواجه را به بهترین وجهی درک و استنباط کرده و از این رهگذر توانسته است غالباً استادانه از عهدهٔ تتبع و استقبال غزل خواجه برآید، به گونه‌ای که در دیوان محبّی غزل‌هایی یافت می‌شود که همانندی آشکاری را با سروده‌های حافظ نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: سلطان سلیمان، اشعار فارسی، اشعار ترکی، شاعران ایران، حافظ، مولانا، نظامی.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه

۲. دکترای زبان و ادبیات عربی

بررسی انتقادی شرح مثنوی شادروان عبدالباقی گولپینارلی

رحمان مشتاق مهر^۱

بیش از پنجاه سال از عمر ۶۸ ساله مولانا (۶۰۴ - ۶۷۲) در آسیای صغیر، مخصوصاً در شهر قونیه، سپری شد و تمام آثار او در آن شهر پدید آمد. بعد از درگذشت مولانا، میراث معنوی او به سرعت در قلمرو وسیع جهان اسلام گسترش و انتشار یافت و، در قرون اخیر، حتی از محدوده جهان اسلام نیز فراتر رفت و در تمام عالم، به مثابه بخشی از میراث عظیم هنر و معنویت و حکمت انسانی، مورد اقبال و مطالعه و ستایش قرار گرفت. امروزه این میراث معنوی همانند تمام شاهکارهای عظیم خرد و ذوق انسانی به همگان تعلق دارد و هرکسی بدون احساس بیگانگی می‌تواند سهمی از این میراث عظیم برگیرد و حتی در حدّ توان خود چیزی بدان بیفزاید؛ اما، در این میان، نباید حقی را که نوادگان و مریدان ترک‌زبان مولانا، بر گردن دوست‌داران و میراث‌بران معنوی او دارند انکار یا فراموش کرد. چه کسی می‌تواند سهم و نقش کارساز کاتبان نخستین نسخه‌های آثار مولانا را در انتشار آموزه‌های او انکار کند؟ یا چه کسی می‌تواند کوشش‌های صمیمانه و مؤمنانه مریدان فاضل او را در فهم و تبیین و تفهیم محتوای عرفانی و اخلاقی آثار او به مخاطبان ترک‌زبان نادیده بگیرد؟ ترجمه‌ها و شروح ترکی مثنوی، که نمونه‌های آن از همان روزگار نزدیک به عصر مولانا در دست است، نتیجه عینی آن کوشش‌های مؤمنانه است. عبدالباقی گولپینارلی (۱۹۰۰ - ۱۹۸۲) از بزرگان مولویه در دوره معاصر است که تحقیقات ارزنده‌ای در ادبیات ترکی و فارسی و تصوف، مخصوصاً زندگی و آثار مولانا، دارد. ملامتیه و ملامتیان، زندگانی یونس امره و تصحیح دیوان اشعار ترکی او، ترجمه دیوان حافظ، ترجمه گلشن راز، ترجمه منطق الطیر و الهی‌نامه عطار، تصحیح دیوان فضولی، و اهل فتوت در سرزمین‌های اسلامی ترک و منابع مربوط بدانان از جمله کارهای او در زمینه‌های عمومی و مولانا جلال الدین (زندگانی، فلسفه، و آثار)، مولویه بعد از مولانا،

۱. استاد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان r.moshtaghmeh@gmail.com و

r.moshtaghmeh@yahoo.com

آداب و ارکان طریقت مولوی، ترجمه و شرح مثنوی، منتخبی از رباعیات مولانا، و ترجمه دیوان کبیر یا کلیات شمس از آثار مولوی پژوهانه اوست. بیشتر این آثار در ایران به همت استاد دکتر توفیق سبحانی ترجمه و منتشر شده است. شرح مثنوی شریف را شاید بتوان مهم‌ترین اثر و عصاره تحقیقات او درباره مولانا دانست. در این مقاله، به شرح مثنوی و ارج و اعتبار و جایگاه آن در میان شروح مثنوی پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: گولپینارلی، مثنوی معنوی، شرح.

از حماسه‌ای فارسی تا نمایشنامه‌ای ترکی (اسطوره آژی‌دهاک فردوسی و تیاتر ضحاک سامی‌بیک عثمانی)

شهره معرفت^۱

بی‌تردید، بازآفرینی اسطوره «آژی‌دهاک» در انواع و گونه‌های ادبی متعدّد و ترجمه‌های گونه‌گون این روایت در شهرت و ماندگاری آن بی‌تأثیر نبوده است. اسطوره‌ای که، در قرن چهارم، به زبان فارسی در قالب مثنوی و در نوع ادبی حماسه به نظم کشیده شد و، پس از گذر زمانی هزارساله، در اواخر قرن سیزدهم به زبان ترکی و در نوع ادبی نوپدید به نام نمایش‌نامه به تحریر درآمد. در این پژوهش از منظر نقد تطبیقی – با تلفیقی از مکتب تطبیقی فرانسه و آمریکا – به تحلیل و تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری، محتوایی، و زبانی روایت آژی‌دهاک فردوسی در شاهنامه (۴۰۰ هـ. ق) و شمس‌الدین سامی‌بیک عثمانی در تیاتر ضحاک (۱۲۹۳ هـ. ق) پرداخته شده است. تیاتر ضحاک نخستین نمایشنامه برگرفته از شاهنامه بود که میرزا ابراهیم آن را به فارسی ترجمه کرد (۱۳۲۳ هـ. ق). شاهنامه فردوسی نقطه اوج حماسه‌سرایی منظوم فارسی بود، در حالی که نمایش‌نامه سامی‌بیک و ترجمه آن نخستین نمونه‌های این نوع ادبی بود که کاستی‌هایی را در برداشت و در ضمن مقاله به آسیب‌شناسی آنها نیز پرداخته شده است. این نمایش‌نامه ترکی، از نظر ساختار، محتوا، و زبان، امکان برابری با روایت فارسی پیش از خود را نداشت، اما، از آن رو که نخستین گام‌ها را در راه نگارش نوع ادبی جدیدی برداشت، دارای اهمیّت بود.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، ایران، ترکیه، روایت ضحاک، فردوسی، سامی‌بیک عثمانی، میرزا ابراهیم.

۱. پژوهشگر گروه تصحیح متون فرهنگستان زبان و ادب فارسی و دکتری دانشگاه تربیت معلّم
hohratmarefat@yahoo.com

نقد نسخه‌شناسی آثار خانواده عرفانی مولانا بر اساس نسخ موجود در موزه قونیه (مقالات شمس تبریزی و معارف برهان‌الدین محقق ترمذی)

بهمن نزهت^۱

در عرصه وسیع و پهناور ادب فارسی، اصل بر این است که با هر اثری که رو در رو می‌شویم ابتدا آن را یکی از موارث فرهنگی خود بدانیم، سپس با تحقیقات روش‌مند و علمی و با ارائه دلایل مستدل، ضمن اثبات اصالت اثر و مندرجات آن، آن را همچون پدیده‌ای ثابت و مستند بدانیم. لیکن، در تاریخ ادب فارسی به موارد بسیاری برمی‌خوریم که با چنین سازگار نیستند. تشخیص اصالت برخی از موارث کهن ادبی ما، که کم هم نیستند، با موانع و مشکلات بسیاری همراه است. رباعیات مشهور و مشکوک عمر خیام، آثار متعدد فارسی و عربی منسوب به خواجه عبدالله انصاری، آثار صد و چهارده‌گانه عطار نیشابوری، و تعداد غزل‌های منسوب به مولانا در کلیات دیوان شمس از نمونه‌های بارزی هستند که هنوز در باب اصالت آنها نتیجه قطعی ارائه نشده است. در عرفان و ادب فارسی نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که مربوط به برخی از آثار خانواده عرفانی مولوی است و آمیختگی‌های متنی و یادداشت‌های نامنظم کاتبان موجب تردید در صحت و اصالت متن آن آثار شده است. در این نوشته مقالات شمس تبریزی و معارف برهان‌الدین محقق ترمذی را به‌عنوان نمونه‌های برجسته آثار خانواده عرفانی مولوی انتخاب کرده‌ایم، تا با نقد و بررسی نسخه‌های اصلی آن آثار، بر اساس نسخ موجود در کتابخانه موزه مولانا در قونیه، دلیل آمیختگی و صحت اصالت گفتارها و روایات آنها را بیان داریم.

کلیدواژه‌ها: شمس تبریزی، محقق ترمذی، معارف، مقالات، مولانا، نسخه‌شناسی.

امثال و حکم مشترک زبان فارسی و ترکی

پریسا نصیری^۱

ادبیات تعلیمی گونه‌ای از انواع ادبی است که در آن از آموزش و تعلیم اخلاق و حکمت گرفته تا مضامین اجتماعی و مسائل سیاسی سخن به میان می‌آید. امثال و حکم بخشی از ادبیات تعلیمی را تشکیل می‌دهد که نشان‌دهنده افکار، باورها، و ارزش‌های فرهنگی جامعه در سیر زمانی خاصی است و با پژوهش در آنها می‌توان به احوال و آثار آن ملل پی‌برد. ضرب‌المثل‌های زبان فارسی و زبان ترکی (آذری) از نظر مضامین مشترک بسامد بالایی دارند و این خود مبین فرهنگ مشترک مردم این دو زبان است. در این مقاله، برآنیم تا امثال و حکم و ضرب‌المثل‌های زبان فارسی و زبان ترکی (آذری) را تطبیق دهیم و آنها را از حیث مضامین مشترک در سه بخش علم، فرهنگ، و سیاست بررسی کنیم.

کلیدواژه‌ها: امثال و حکم، فارسی، ترکی، علم، فرهنگ، سیاست، مطالعات تطبیقی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی parisanasire@yahoo.com

افراسیاب (آلپ ار تونگا) در متون فارسی و ترکی

سعیده نصیری^۱

ارتباط بین دو قوم فارس و ترک از زمان‌های بسیار دور در جریان بوده و این ارتباط^۲ فراز و نشیب‌های فراوانی را طی کرده است. در برهه‌هایی از تاریخ همسایگانی محتاط برای یکدیگر بوده و در وهله‌هایی هم به‌مانند بسیاری از اقوام در مقابل یکدیگر ایستاده‌اند، چنانکه در این زمینه افسانه‌ها و داستان‌هایی نگاشته و سروده شده است. در این گونه داستان‌ها نام قهرمانان و شخصیت‌هایی ذکر شده که هنوز هم نام آنها بر زبان‌ها جاری و ساری است. در این نوشته بر آنیم تا سیمای افراسیاب، یکی از شخصیت‌های شاهنامه فردوسی و پهلوان تورانی، را مورد بررسی قرار داده او را با اوصافی که از وی در متون تاریخی ترکی وجود دارد مقایسه کنیم.

کلیدواژه‌ها: افراسیاب، متون فارسی، متون ترکی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

snasiri۴۴@yahoo.com

بررسی تطبیقی رباعی «ابریق می» منسوب به خیام و حکایت «دلی دومرول» دده قورقود

مهرگان نظامی زاده^۱

رباعی معروفی که به حکیم عمر خیام منتسب کرده‌اند (ابریق می مرا شکستی ربی / بر من در عیش را بستنی ربی) اشارتی است به حکایت گستاخی گناه‌آلود و توبه شاعری که شباهت‌های قابل توجهی با داستان «دلی دومرول» دده قورقود در ادبیات فولکلور ترکی دارد. بنابراین، پژوهش پیش رو فرصتی است تا، از یک سو، نگارنده با رویکردی تطبیقی ارتباط بینامتنی این دو حکایت را از لحاظ روایت‌پردازی و بن‌مایه‌های ادبی مورد بررسی قرار دهد و، از دیگر سو، ضمن معرفی بلود قراچورلو (سهند)، شاعر معاصر آذربایجان، ارزش‌های ادبی و هنری شعر وی را در زبَرمتن (پیش‌متن) دیگری که در مجموعه سازمین سوزو جای گرفته است مورد واکاوی قرار دهد. نویسنده مقاله سعی دارد این بررسی تطبیقی را با اتکا بر آراء صاحب‌نظرانی چون پیر برونل^۲ صورت دهد و با الگوبرداری از نظریه‌های متخصصینی همچون ژرار ژونت^۳ به پژوهش بینامتنی و روایت‌شناختی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: خیام، سهند، دلی دومرول، دده قورقود، سازمین سوزو، ادبیات فولکلور ترکی، ادبیات تطبیقی، ارتباط بینامتنی، روایت‌شناسی.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی mehreganzamizadeh@ymail.com

۲. Pierre BRUNEL

۳. Gérard GENETTE

تأثیر و جلوه های ادب پارسی در نام من سرخ

مهرگان نظامی زاده^۱

سولماز اسماعیلیان^۲

برای آشنایی بیشتر با فرهنگ و ادبیات کشورهای دیگر، که تأثیرات قابل توجهی از مفاخر ادبیات فارسی یافته‌اند، بررسی دو متن از دو کشور متفاوت برای شناخت ریشه‌ها و عناصرِ دادوستدهای فرهنگی در حوزه ادبیات دو ملت ضروری است؛ به این ترتیب، با روش‌هایی مانند ادبیات تطبیقی و رابطه بینامتنیت رابطه دو متن از دو کشور متفاوت که مدت‌هاست با فرهنگ مشترکی زندگی می‌کنند آشکار می‌گردد. در این میان، با بررسی آثار یکی از رمان‌نویسان معاصر ترکیه، اورهان پاموک، می‌توان پی به روابط عمیق ادبی دو کشور ایران و ترکیه برد. کشور ترکیه به‌لحاظ تاریخی، فرهنگی، و ادبی مشترکات قابل توجهی با ایران دارد، تا آنجا که رد پای مفاخر ادب فارسی را می‌توان در آثار نویسندگان مشهور این کشور دید. بر آشنایان این حوزه پوشیده نیست که شاعران بزرگ ترکیه، همچون یونس امره، سلطان ولد، عمادالدین نسیمی، محمد فضولی، و غیره، بهره‌های فراوانی از آثار مولوی و سایر سخن‌پروران ایرانی برده‌اند. این ویژگی بعضاً تا بدانجا وجود دارد که برخی از این بزرگان از مفاخر ادبی هر دو سرزمین محسوب می‌شوند و جای شگفتی نیست اگر این تأثیرات در دوران معاصر نزد رمان‌نویسان نیز به چشم خورد. این موضوع حکایت از اصالت و ارزش والای ادب پارسی دارد. در عصر حاضر نیز نویسندگان شاخصی همچون اورهان کمال، یاشار کمال، الیف شافاق، و غیره توانسته‌اند نوشته‌های خود را با الهام‌گیری و تأثیرپذیری مستقیم و غیر مستقیم از ادبیات فارسی به آوازه جهانی برسانند. از این رو بر آن شدیم تا در این مقاله به تأثیر و جلوه‌های ادب پارسی در رمان نام من سرخ اورهان پاموک بپردازیم. رمان نام من سرخ رمانی است با تکنیک-

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی mehregannzamizadeh@ymail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات Esmailian.solmaz@gmail.com

های پست‌مدرن که در دوره معاصر با فاصله گرفتن از قالب و محتوای رمان مدرن برای بازآفرینی داستان‌های ادبیات کلاسیک ایران نوشته شده است. در این رمان تنش‌های میان گفتمان شرق و غرب، یا به معنای امروزی سنت و مدرنیته، را در یک تابلوی تصویر شده در دربار عثمانی می‌بینیم که پیش‌زمینه آن را ادبیات کلاسیک فارسی فراهم کرده است، همان طور که در دوران تنظیمات رمان زمینه لازم را برای نفوذ محتوای غربی در بطن و شیوه نگارش داستان در ترکیه فراهم کرد. در ضمن، چهارچوب اعمال مبحث مورد نظر پاموک رمان است؛ زیرا جامع‌ترین سبک برای تشریح نقطه بحرانی میان دیروز و امروز و تفاوت‌های موجود میان شرق و غرب رمان است. اورهان پاموک با شناخت ادبیات کلاسیک و مکاتب هنری ایران با شیوه قصه در قصه، که الهام مستقیم از روش مولاناست، داستان‌های نظامی، سعدی، کلیله و دمنه، فردوسی، و غیره را، که بن‌مایه‌های اصلی فرهنگ و ادبیات فارسی هستند، با رویکردی تطبیقی و بینامتنی خلق کرده است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، بینامتنیت، ادبیات فارسی، نام‌من سرخ.

پیک پارسی: گامی در جهت بهبود منابع آموزش زبان فارسی در ترکیه

مهدی هادی^۱

آزاده مولایی

این مقاله حاصل تجربه‌ای است که طی سه سال مأموریت در مرکز آموزش زبان فارسی آنکارا به دست آمد. مرکز آموزش آنکارا در حال حاضر یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مراکز زبان فارسی ترکیه و آناتولی محسوب می‌شود. این منطقه با توجه به پیشینه‌های فرهنگی، سیاسی، و مذهبی خود یکی از بهترین بسترها برای گسترش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی - اسلامی به شمار می‌رود؛ اما علی‌رغم پیشینه سی‌ساله، امکانات، منابع، و نحوه اداره آن به هیچ عنوان متناسب با نیازهای امروز نیست. آشفته‌گی و بلا تکلیفی در مدیریت، فقدان نیروهای متخصص، اعمال سلیقه‌های شخصی و غیر تخصصی، و بالأخره کمبود منابع متناسب با نیازهای روز جامعه ترکیه از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی ما در ابتدای مأموریت بود، که با تلاش شبانه‌روزی و در طی سه سال به مواجهه با آنها و حل مشکلات موجود پرداختیم. یکی از مهم‌ترین اقدامات ما در این زمینه تألیف کتاب آموزش زبان فارسی تحت عنوان *پیک پارسی* بود که، بعد از گذشت دو سال از حضور در مرکز آموزش آنکارا و شناخت نیازها و روحیات فارسی‌آموزان این مرکز، با برنامه‌ریزی دقیق و آماده‌سازی طرح اولیه به صورت کاملاً علمی آغاز شد و با همه چالش‌ها و موانع پیش رو به دلیل تسلط و علاقه‌مندی در این حوزه با سرعت به پیش رفت و، ظرف نه ماه، سه جلد آن در اختیار فارسی‌آموزان و مورد استقبال آنان قرار گرفت. در این مقاله کوشیده‌ایم در کنار معرفی ویژگی‌های این مجموعه به برخی از مهم‌ترین مشکلات و کمبودهای موجود در منابع آموزشی مشابه و نحوه استفاده از آنها در مرکز آموزشی آنکارا به- عنوان مشتق از خروار اشاره‌ای داشته باشیم. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

- تک‌زبانه بودن؛

- طراحی دروس براساس مهارت‌های اصلی؛
- انتخاب و ترتیب نکته‌های دستوری بر اساس طبیعت زبان، میزان کاربرد، روال منطقی، درجه آسانی و سختی، و غیره.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، آموزش، پیک پارسی.

مقایسه تطبیقی داستان رستم و سهراب در شاهنامه با داستان بوغاج، پسر دیوسه خان، در دده قور قوت

دکتر لیلا هاشمیان^۱

مریم رحمانی^۲

ادبیات تطبیقی یکی از شاخه‌های ادبیات است که به بررسی وجه تشابه و تفارق دو اثر ادبی و کیفیت تجلی یک موضوع در ادبیات یک قوم در قوم دیگر می‌پردازد که این تجلی^۳ گویای پیوندهای فرهنگی و اجتماعی این اقوام در گذشته‌های دور با یکدیگر است. خویشاوندکشی، یا اقدام برای نابودی اعضای خانواده، یکی از بن‌مایه‌های مهیج داستان‌های اقوام آریایی است، که انعکاس آن به گونه‌های مختلف در آثار ادبی سرزمین‌های گوناگون روایت شده است، چنانکه توجه بسیاری از محققان را به خود معطوف کرده است. یکی از اقوامی که همانند بسیاری از ملت‌های تاریخی، از زمانی که مبدأ آن معلوم نیست، حماسه‌های ملی داشته قوم ترک است. در این میان کتاب دده قور قوت در تاریخ ادبیات ترکی تنها کتابی است که بعد از گذشت حدود هزار سال از نگارش آن هنوز طراوت و تازگی خود را از دست نداده است و همانند شاهنامه در آن می‌توان شاهد داستان‌های حماسی ترکان بود. این مقاله جستاری است تا از گذر ادبیات تطبیقی، ضمن ریشه‌یابی وجه تشابه و تفارق دو داستان از دو اثر حماسی جهان – رستم و سهراب از شاهنامه و بوغاج از دده قور قوت – به برخی مشترکات فرهنگی موجود در آنها بپردازد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، نبرد پدر و پسر، شاهنامه، دده قور قوت.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان dr_Hashemian@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا همدان maryam.Rahmani133@gmail.com

نگاهی دوباره به مفهوم «آل» در بیتی از مثنوی مولانا با توجه به فرهنگ بومی مردم قونیه

محسن وثاقتی جلال^۱

شیما فرجی فر^۲

مولوی پژوهان در شرح بیت «دست‌ها بیریده اصحاب شمال / وانمایم رنگ کفر و رنگ آل» برداشت‌های متفاوتی از اصطلاح «آل» داشته‌اند که می‌توان آنها را به دو گروه کلی تقسیم کرد: گروهی از پژوهشگران معتقدند که منظور حضرت مولانا از این واژه همان خاندان پیامبر (ص) است و گروه دیگر بر این باورند که مولانا در این بیت به موجود خیالی و ترسناکی به نام «آل» توجه داشته است. این پژوهش، با بررسی معنای واژه «آل» در فرهنگ عامیانه مردم قونیه، ضمن ادای احترام به اندیشمندانی که در این باره صاحب‌نظرند، هر دو نظر را مردود شمرده نتیجه می‌گیرد آل از دیدگاه مردم قونیه همان عروس سیاه‌چرده و زشتی است که خانواده‌اش، به-نیرنگ، شال زیبای قرمزی بر سرش انداخته و او را با چنین ترفندی به خانه بخت می‌فرستند، به-گونه‌ای که سیاهی چهره وی در زیر رنگ سرخ مستور مانده و زشتی‌اش نمایان نشود. نگارندگان معتقدند حضرت مولانا در سرایش این بیت به این باور بومی در میان مردم قونیه توجه داشته است.

کلیدواژه‌ها: مثنوی معنوی، فرهنگ عامیانه، قونیه، آل.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی Moh_ves@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک shimafarajifar@yahoo.com

بررسی و تحلیل زبان‌شناختی برخی از کلمه‌های ترکی دخیل در زبان فارسی

عبدالله ولی‌پور^۱

رقیه همتی^۲

از دیرباز، به سبب مسائل مختلفی از جمله سلطه سیاسی، باورهای دینی و مذهبی، نفوذ فرهنگی، روابط تجاری و اقتصادی، و غیره کلمه‌ها و اصطلاحات بسیاری از زبان‌های مختلف وارد زبان فارسی شده است که اغلب آنها از زبان‌های غیر هند و اروپایی از قبیل خانواده‌های سامی - حامی و اورال - آلتایی است. بیشتر کلمه‌های دخیل در زبان‌های ایران پیش از اسلام از زبان‌های آرامی، یونانی، و هندی بوده، در حالی که در دوره پس از اسلام واژه‌های زیادی از زبان‌های عربی، مغولی، ترکی و زبان‌های اروپایی وارد زبان فارسی شده است. جستار حاضر کوششی است برای واکاوی و تحلیل ریشه‌شناختی و زبان‌شناختی برخی از واژه‌های ترکی دخیل در زبان فارسی، که تاکنون از این منظر کمتر مورد توجه پژوهشگران واقع شده است.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، زبان ترکی، واژه دخیل، ریشه‌شناسی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور abdollahvalipour@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور hemmatiro@gmail.com

ابن کمال پاشا: نویسنده و شاعر عثمانی و تازه‌یافته‌هایی از نگارستان او

دکتر احمد رضا یلمه‌ها^۱

شیخ‌الاسلام احمد، متخلص به شمس‌الدین و معروف به ابن کمال‌پاشا و مفتی‌الثقلین، از علما، شعرا، مورخان، و مؤلفان بزرگ قرن دهم هجری در قلمرو دولت عثمانیان است. او از نویسندگان پرکاری بود که به سه زبان ترکی، فارسی، و عربی آثاری از خود به جای گذاشته است. آثار وی بیشتر در زمینه تاریخ، ادبیات، دستور زبان، زبان‌شناسی، کلام، و فقه است و رساله‌های متعددی نیز بدو منسوب است. برخی از آثار او، از جمله دیوان، به زیور چاپ آراسته شده، ولیکن بخش عمده‌ای از آثار او، به صورت نسخه‌های خطی، در گوشه و کنار کتابخانه‌های جهان در زاویه فراموشی و نسیان است. از جمله آثار او منظومه یوسف و زلیخا به ترکی است در هفت هزار و هفتصد و هفتاد و هفت بیت که به تقلید از یوسف و زلیخای جامی سروده شده. نگارستان کمال‌پاشا نیز به تقلید از گلستان سعدی به نثر و نظم فارسی نگاشته شده است. تاریخ سلاطین عثمانی، دیوان اشعار، محیط ، دقائق الحقایق، و غیره از دیگر آثار کمال‌پاشا است. این پژوهش بر آن است تا، ضمن معرفی کوتاهی از اوضاع و احوال شاعر، به معرفی این آثار و دست‌نوشته‌های موجود از آن بپردازد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی، ادبیات ترکی، ابن کمال‌پاشا، تألیفات، نسخه خطی.

نقش فرهنگی و اجتماعی شعر در انقلاب مشروطه ایران و دوره تنظیمات ترکیه با مقایسه اشعار برخی از شعرای مشهور این دو دوره

بهروز بیک بابایی^۱

رقیه غفاری^۲

اشعار شاعران، در دوره مشروطه ایران و تنظیمات ترکیه، جایگاه رفیعی داشته است. این اشعار دارای مضامینی از جمله دفاع از وطن، آزادی خواهی، توجه به علم و دانش و صنعت غرب، اندیشه ایجاد مدرسه و دانشگاه به شیوه غرب، انتقادهای سیاسی و اجتماعی، افشای ماهیت استعمارگران، و مبارزه با خودکامگی بود. مقاله حاضر به بررسی نقش فرهنگی و اجتماعی شعر در این دو دوره خواهد پرداخت. در ابتدا، با توضیح مختصری درباره زمینه های وقوع این دو دوره در هر دو کشور، به بررسی و مقایسه عقاید و افکار شاعران و تأثیر فرهنگی و اجتماعی آن در روند شکل گیری این جریان ها خواهیم پرداخت. از شاعران مشهور و برجسته دوره مشروطیت ایران می توان به ابوالقاسم عارف قزوینی، محمدتقی بهار، سید اشرف الدین گیلانی، و سید محمدرضا میرزاده عشقی و در دوره تنظیمات ترکیه می توان به ابراهیم شناسی، ضیاء پاشا، و نامیک کمال اشاره کرد. برخی از اشعار نامبردگان از نظر مضمون و نقش آن در تحولات خاص خود به صورت مقایسه ای و میزان تأثیر مضامین اشعار و افکار شعرا در دو کشور بررسی و تحلیل خواهد شد.

کلیدواژه ها: انقلاب مشروطه، دوره تنظیمات، شعر مشروطه، تأثیر فرهنگی و اجتماعی شعر، مضامین شعر.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی bekbabayi@atu.ac.ir

۲. دانشجوی زبان و ادبیات ترکی استانبولی دانشگاه علامه طباطبائی

طبیعت‌گرایی و تأثیر آن در ایجاد تصاویر و تداعی معانی در بایاتی‌های آذری

سیما عباسی^۱

بایاتی‌ها (بایاتیلار)، یا دوبیتی‌های آذری، از انواع ادبیات عامیانه و بومی به شمار می‌آیند. این اشعار که در دل تاریخ زاده شده و در طول زمان از نسلی به نسل دیگر منتقل گردیده‌اند نمونه‌های بارزی از ادبیات شفاهی‌اند. بایاتی‌ها ریشه در هویت زیستی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، و احساسی مردم سرزمین آذربایجان دارند و ویژگی‌های خاصی همچون موسیقی دلنشین، احساسات تأثیرگذار، مضامین و درونمایه‌های عمیق فلسفی، باورهای اعتقادی، اجتماعی، و غیره در آنها دیده می‌شود. از برجسته‌ترین این ویژگی‌ها که تأثیرگذار بر تصویرسازی‌های شعری و درونمایه‌ها و مضامین بایاتی‌هاست، و می‌توان آن را یکی از مولفه‌های سبک‌شناسانه این دوبیتی‌ها در نظر گرفت، طبیعت‌گرایی است. طبیعت در بایاتی‌ها به سرزندگی و شادابی جغرافیای طبیعی آذربایجان است و سرایندگان این دوبیتی‌ها با الهام‌گیری از تصاویر طبیعت به بازسازی و مضمون‌سازی از آنها پرداخته‌اند، به گونه‌ای که در شمار قابل توجهی از این بایاتی‌ها تشبیه، استعاره، تمثیل، و گاه تداعی الفاظ و معانی به مدد تصاویر طبیعت صورت گرفته است. در این نوشتار، برآنیم که، با توجه به بسامد بالای عناصر طبیعت در بایاتی‌ها و نیز با توجه به نقشی که این تصاویر در ایجاد مضامین گوناگون و رشته‌های تداعی معانی در بایاتی‌ها دارند، نقش طبیعت و عناصر آن را در بازسازی تصاویر شاعرانه و زبان شعری برخی از بایاتی‌ها آشکار سازیم.

کلیدواژه‌ها: بایاتی‌ها (بایاتیلار)، دوبیتی‌های آذری، ادبیات عامیانه، تصویرسازی، طبیعت-گرایی، تداعی معانی.

Türkçe Özetler

چکیده مقالات ترکی و ترجمه آنها

**TÂHIRU'L-MEVLEVÎ'NİN MEÇHUL BİR YAZMA
MECMUASI:
MÛNÂCÂT-I HAZRET-İ MEVLÂNA, LEVÂMÎ', ŞERH-İ
RUBÂİYYÂT VE CÂM-I CİHÂN-NÛMÂ TERCÜMELERİ**
Abdulrahman ACER¹

Türkçe ile Farsça arasındaki kadîm münâsebet, bu dillerin müşterek kelime ve ifâdelerinin yanında daha çok tercümeler yoluyla devâm etmektedir. Bu tercümeler sâdece Farsça konuşulan coğrafyada yaşamış olan müelliflerin eserlerine değil aynı zamanda Türkçe konuşulan topraklarda yaşayıp Farsça yazan müelliflerin eserlerine de şâmindir.

20. asırda yaşamış meşhûr bir mesnevîhân olan Tâhiru'l-Mevlevî, pek bilinmeyen ve "Tercümelerim" başlığını taşıyan yazma bir mecmûasında, bu iki coğrafyada yaşayan ve âlem sathında meşhûr olan üç sûfî müellifin eserlerini Türkçe'ye tercüme ederek mühim bir hizmet ifâ etmiştir. Bu mecmûa, Tâhiru'l-Mevlevî'nin hayâtından bahseden eserlerin bir kısmında hiç zikredilmemiş, bâzılarında ise sâdece vâr olduğu bilgisi verilmiş fakat nerede olduğu bilinmediğinden olsa gerek hakkında mâlûmât verilmemiştir.

Farklı coğrafyalarda yaşamış olan fakat aynı dille yâni Farsça ile eser kaleme almış üç sûfî müellifin dört eserinin Farsça'dan Türkçe'ye tercümesini ihtivâ eden bu mecmûada sırasıyla; *Münâcât-ı Hazret-i Mevlânâ* isimli eserin; İbnü'l-Fârız'ın meşhûr *Kasîde-i Hamriyye'sine* Abdurrahman Câmî tarafından *Levâmi'* adıyla yapılan şerhinin; yine Câmî'nin *Şerh-i Rubâiyyât* isimli eserinin vahdet-i vücûdla alâkalı kısımlarının -ki bilindiği kadarıyla bu eserin başka tercümesi yoktur) ve son olarak da Muhammed Şîrîn Mağribî'nin *Câm-ı Cihân-nümâ* adındaki eserinin tercümeleri yer almaktadır.

Bu tebliğde; mezkûr eserlerin, onları aynı mecmûada toplayan müşterek husûsiyetleri ile bunların câmii ve mütercimi Tâhiru'l-Mevlevî hakkında umûmî mâlûmât verildikten sonra

1 . Arş. Gör., Recep Tayyip Erdoğan Üniversitesi, İlâhiyât Fakültesi.

mecmûa, muhtelif cihetlerden tanıtılmaya ve tercümenin husûsiyetleri hakkında bilgi verilmeye çalışılacaktır. Bu sûretle Farsça ile Türkçe arasındaki kadîm münâsebetin ortaya çıkarılmasına katkıda bulunmuş olmak ümîd edilmektedir.

Anahtar Kelimeler: Tâhiru'l-Mevlevî, *Câm-ı Cihân-nümâ*, Abdurrahman Câmî, *Levâmi'*, *Şerh-i Rubâiyyât*,

مجموعه نوشته شده ناشناخته طاهرالمولوی:

ترجمه‌های مناجات حضرت مولانا، لوامی، شرح رباعیات، و جام جهان‌نما

عبدالرحمان آجر^۱

ارتباط قدیمی میان زبان‌های ترکی و فارسی در کنار کلمات و مفاهیم مشترک دو زبان با روش‌های متعدد ترجمه ادامه پیدا می‌کند. این ترجمه‌ها فقط نویسندگانی را که در محدوده جغرافیایی زبان فارسی زندگی می‌کرده‌اند شامل نمی‌شود بلکه در همان زمان آثار برخی از نویسندگان فارس در خاک ترک‌زبانان، را نیز دربرمی‌گیرد.

در قرن بیستم مثنوی خوان مشهوری به نام طاهرالمولوی مجموعه ناشناخته‌ای را با نام "ترجمه‌لریم" نوشت. وی در این مجموعه آثار سه صوفی مشهور در سطح عالم را که در دو محدوده جغرافیایی زندگی می‌کرده‌اند به ترکی ترجمه کرد و کاری ارزشمند صورت داد. در هیچ بخشی از این مجموعه از زمان زندگی طاهرالمولوی صحبتی به میان نیامده است. فقط در بعضی قسمت‌ها در باره خود وی اطلاعاتی داده شده است اما به علت مشخص نبودن منبع^۲ اطلاعات قطعی در دست نیست.

او در مکان‌های جغرافیایی متفاوتی زندگی کرده اما با زبان فارسی قلم را به رشته تحریر در آورده و چهار اثر سه مؤلف صوفی را از فارسی به ترکی ترجمه کرده است. محتوای این مجموعه به ترتیب:

اثر مشهورش مناجات حضرت مولانا در شرح قصیده مشهور «خمیره» ابن الفارض که لوامی نام دارد که عبدالرحمان جامی نوشته شده است. باز کتابی به نام شرح رباعیات جامی در بخش‌هایی که مربوط به وحدت وجود است (که به جز این ترجمه تا جایی که می‌دانیم ترجمه‌ی دیگری موجود نیست) و آخرین نسخه نیز با نام جام جهان‌نمای محمود شیر مغربی در ترجمه‌ها جای گرفته است.

^۱ . مربی در دانشگاه رجب طیب ادغان، دانشکده الهیات

در این مقاله آثار نام برده شده در همان مجموعه گردآوری شده و پس از ارائه اطلاعات عمومی درباره خصوصیات مشترک آنها و کار ترجمه طاهرالمولوی^۵ مجموعه، از جنبه های مختلف شناسانده شده و اطلاعاتی در مورد خصوصیات ترجمه داده شده است. امید است که به این شکل به احیای روابط قدیمی بین فارسی و ترکی کمکی کرده باشیم.

کلیدواژه‌ها: طاهرالمولوی، جام جهان نما، عبدالرحمن جامی، لوامی، شرح رباعیات.

Dede Korkut Kitabı'nda Farsça Kökenli Kelimeler Üzerine

Doç. Dr. Vahid Adil Zahidoglu (Baku)¹

Dede Korkut Kitabı'nın dili Batı Türkçesi'nin ilk devresine ait özellikleri taşımaktadır. Bu devreye ait Türkçe eserler sonraki dönemlere ait eserlerle mukayesede yabancı dillerin etkisine oldukça az maruz kalmıştır. *Dede Korkut* Kitabı'nda da aynı durum söz konusudur. Abidenin kelime varlığında Türk kökenli kelimeler önemli yer almanın yanısıra, Farsça kelimelere de rastlanmaktadır. Destanda yaklaşık iki yüz civarında Fars kökenli kelime kullanılmıştır. Bu kelimeler çoğunlukla destanın yazıya alındığı tarihten daha önce Türkçe'ye geçmiş, konuşma dilinde yer almış ve güncel hayatla bağlı olan sözcüklerdir. Asıl bu nedenle birçok kelimeler Türkçeleştirilerek ünlü uyumuna uydurulmuş, uzun ünlüler kısaltılmış, kelime bünyesinde imla değişikliği yapılarak konuşma dilinin özellikleriyle abidede yansıtılmıştır: şâdî- şadılık, hempâ - hampa, pulad-pulat, ejderha-ejdeha, âyine //âdine - ayna, derbend- dervend, nâgâh - naghah, hecâ-hece, hub-hup vb.

Destanın dilindeki farsça kökenli kelimelerin anlamları genellikle Fars dilindeki anlamlarıyla örtüşmektedir. Kimi hallerde çağdaş Oğuz dillerinde anlam kayması baş vermiş kelimeler abidede Farsça'daki ilk anlamlarını korumuştur. Eserde dört Farsça terkip geçmektedir: din-i Muhammet, şah-ı merdan, zir ü zeber, ism-i azam. Belirli durumlarda abidenin dilinde Farsça kökenli kelimelerle Türkçe kelimelerin paralel olarak kullanılmasına rastlanmaktadır: behişt-uçmak, kıyı- kenar, köhne- eski, günah-suç, beli-evet vb.

Diller arasındaki ilişkiler sonucunda Türkçe'den Farsça'ya geçmiş bazı kelimeler farsçalaşmış biçimiyle abidede görülmektedir. Kimi hallerde bu kelimeler Türkçe biçimleriyle koşut şekilde kullanılmıştır: ümid-umut, behadır- bahadır vb.

1 . Azerbaycan Milli İlimler Akademisi, Nesimi adına Dilcilik Enstitüsü

Dede Korkut Kitabı'nın kelime varlığında yer alan Fars kökenli kelimeler yalnızca dil ilişkileri açısından değil hem de bu iki halk arasındaki tarihi ilişkiler açısından da önem arz etmektedir.

Anahtar kelimeler: *Dede Korkut* Kitabı, farsça kelimeler, özellikler.

کلمات با ریشه فارسی در کتاب دهده قورقوت

وحید عادل زاهد اوغلو^۱

زبان کتاب دهده قورقوت^۲ خصوصیت‌های اولین دوره زبان ترکی غربی را دارد. آثار مربوط به این دوره، در مقایسه با آثار دوره‌های بعدی، کمتر تحت تأثیر زبان‌های خارجی قرار گرفته است. همین وضعیت درباره کتاب دهده قورقوت مورد بحث است. در کنار کلمات با ریشه ترکی، که جای مهمی در این اثر دارد، با کلمات فارسی نیز برخورد می‌کنیم. در این داستان در حدود دویست کلمه فارسی استفاده شده است. این کلمات قبل از اینکه در این نوشته استفاده شوند به ترکی وارد شده و در زبان محاوره جای گرفته بودند و کلماتی هستند که در زندگی روزمره کاربرد دارند؛ به همین دلیل بسیاری از کلمات^۳ وارد ترکی شده و با قواعد ترکی سازگار شده‌اند. حروفِ صدادارِ بلند^۴ کوتاه شدند و در ساختار کلمات تغییرات املایی ایجاد کرده خصوصیت‌های زبان محاوره را در این اثر منعکس کردند: شادی - شادیلیک، همپا - همپه، پولاد - پولات، اژدرها - اژدها، آیینه/آدینه - آینا، دربند - دروند، نگاه - ناگاه، هجا - هجه، خوب - هوپ. کلماتی که در زبان داستان ریشه فارسی دارند معمولاً از لحاظ معنایی با معانی‌شان در زبان فارسی هم‌پوشانی دارد. همچنین، کلمات عاریتی از فارسی در زبان‌های «اغوز معاصر» تغییر معنا داده‌اند. در داستان، این کلمات به همان معانی فارسی به کار رفته‌اند. در اثر چهار ترکیب فارسی وجود دارد: دین محمد، شاه مردان، زیروزبر، و اسم اعظم. در موارد خاص همراه با کلمات با ریشه فارسی به طور موازی به کلمات با ریشه ی ترکی نیز برمی‌خوریم: بهشت - اوچماک، کی یی - ساحل، قدیمی - اسکی، گناه - سوچ، و بله - اوت.

در نتیجه ارتباط زبانی، در کتیبه به نوعی از کلمات برمی‌خوریم که از زبان ترکی به زبان فارسی آمده‌اند و فارسی شده‌اند. البته این کلمه‌ها با تغییر در شکل‌های ترکی‌شان استفاده شده‌اند: امید - اوموت، هادیر - بهادر. کلمات با ریشه فارسی که در کتاب دهده قورقوت آمده‌اند نه تنها از

لحاظ پیوندهای زبانی مهم هستند بلکه از نظر پیوندهای تاریخی این دو ملت نیز اهمیت ویژه‌ای دارند.

کلیدواژه‌ها: دوده‌فورقوت، واژگان فارسی، ویژگی‌ها.

**ALI BADKUBININTACRIDÜL-LUĞAT ADLI TÜRKCE -
FARSCA MANZUM SÖZLÜYÜ**

Dr. Professor Şafak Alibeyli¹

Manzum sözlükler Türk sözlükçülüğünün geleneksel şekillerinden biridir. Manzum sözlükler Orta Çağlarda Türk luğatçiliğinin en kıymetli eserlerinden sayılır. O çağlarda Türk dilinin yaygınlaşmasında manzum sözlüklerin rolü önemli olmuştur. Manzum sözlükler sırasında türkçe - farsca sözlükler çok sayıda bulunmaktadır. Bunlardan biri Ali Badkubin'in "Tecridül - lyğat" adlı manzum sözlüğüdür. Bu sözlük 1847-48 yıllarında Kazvinde tertib edilip. Sözlük Nasreddin Şah'ın şerefine tertip edildi. Sözlüğün mukaddimesinde okuyoruz: " Türk konuşması zabıtalı ve muhteşemdir. Onda herze, boş, anlamsız kelimeler yoktur. Bu dil şucaat ve kahramanlık dilidir. Türk kelimeleri bilmeyen qayri- türkler bile savaşlarda şu dili kullanırlar. Çünkü bu sözler kılıç gibi etki ediyor. Bunu görenler de vardır, duyanlar da. Bu manzum sözlüyü Gilan ehlinden olan bazı muhterem zatların takdiriyle yazmışım. vv l Türk dilinin grammatikası hakkında bilgi verdim. Sonra Türkçe kelime ve ibarelerini kalbe yatan şekilde Farsça çevirisine çalışmışım. Bu işi 1264 yılında Kazvin darülsaltanesinde yazdım ki, tatlı dilli Farslar ve hünerli Türkler bununla konuşabilir bilsinler".

Sözlük Bakü'de El Yazmaları Enstitüsü kütüphanesinde 8614 numrada kayıtlıdır. 129 sayfadan oluşmaktadır, aruzun çeşitli b hrl rind yazılmıştır. Her sayfanın başında Türkçe atasözleri, onların Farsça karşılığı verilir. İüğ tin sonunda Türk dilindeki fiillerin tablosu verilmektedir. Sözlükte sadece sözler değil, söz birleşmeleri, cümleler de veriliyor. Sözlükte konularda da dağılım yapılmıştır: insan, doğa, ev, iletişim, ticaret bile konulardandır. Sözlüğün haşiyesinde türk yaşantı tarzı, m iş tii hakkında ilginç olgular vardır. Türk filoloji ilminin çeşitli alanlarında: etimoloji, leksikografi, fonetik, gramer, diyalektoloji, türk şirinin tarihini araştırıp öğrenmekde türkçe-farsca manzum sözlükler çok önemlidir.

1. Azerbaycan Milli Akademisi. arkiyat Enstitüsü

فرهنگ منظوم ترکی به فارسی علی بادکوبه با نام *تجريد اللغات*

شفق علی بگلی^۱

فرهنگ‌های منظوم یکی از شکل‌های مرسوم فرهنگ‌های ترکی است. فرهنگ‌های منظوم از آثار بسیار ارزشمند لغت‌شناسی ترکی در قرون وسطی محسوب می‌شوند. این فرهنگ‌ها در گسترش زبان ترکی نقش بسیار مهمی را در قرون وسطی ایفا کرده‌اند. فرهنگ‌های ترکی - فارسی بسیار زیادی در رده فرهنگ‌های منظوم موجود است. یکی از آنها فرهنگ منظوم *تجريد اللغات* علی بادکوبه است. این فرهنگ در سال‌های ۱۸۴۷-۱۸۴۸ در قزوین تدوین شده است. فرهنگ مذکور با هدف تقدیم کردن به ناصرالدین شاه تدوین شد. در مقدمه فرهنگ می‌خوانیم: «صحبت کردن به ترکی بسیار زیبا و غرورانگیز است. واژه‌های زاید، پوچ، و بی-معنی در آن وجود ندارد. ترکی زبان شجاعت و قهرمانی است. افراد غیر ترک که آشنایی با زبان ترکی ندارند در جنگ‌ها از این زبان استفاده می‌کنند؛ چون که این واژه‌ها تأثیر گذارند. این فرهنگ را به توصیه اشخاص محترم گیلان نوشته‌ام. ابتدا در مورد دستور زبان ترکی یک سری اطلاعاتی داده‌ام. سپس تلاش کرده‌ام تا معادل‌های فارسی مناسب و دلنشینی برای واژه‌های ترکی بیاورم. این کار را در سال ۱۲۶۴ انجام دادم تا به واسطه این کار شیرین‌زبانان فارسی و هنرمندان ترک بتوانند به این زبان سخن بگویند».

فرهنگ مذکور که در کتابخانه نسخه‌های خطی باکو به شماره ۸۶۱۴ ثبت گردیده شامل ۱۲۹ صفحه است و در بحرهای مختلف عروض نگاشته شده است. در بالای هر صفحه ضرب‌المثل‌های ترکی و معادل ترکی آنها آورده شده است. در پایان نیز جدول افعال ترکی آورده شده است. فرهنگ مذکور تنها شامل واژگان نبوده و جملات و ترکیبات واژگانی را نیز در بر می‌گیرد. در این فرهنگ موضوعات نیز جدا شده‌اند: انسان، طبیعت، مسکن، ارتباطات، و حتی تجارت را نیز شامل می‌شود. در ضمیمه فرهنگ در مورد نحوه زندگی ترک‌ها و معیشت‌شان

۱. آکادمی ملی آذربایجان موسسه شارکییات، دانشکده فیلولوژی، بخش زبان‌شناسی (ترکی - فارسی).

توضیحاتی آورده شده است. این فرهنگ‌های منظوم در بخش‌های مختلف علم فیلولوژی ترکی چون اتیمولوژی، فرهنگ‌نویسی، آواشناسی، دستورزبان، گویش‌شناسی، و یادگیری و شناختن تاریخ شعر ترکی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ منظوم، ترکی، فارسی، علی بادکوبه، تجریداللغات.

Fuzulî'nin farsca Divanı'nın özellikleri

Dr. Şafak Alibeyli

Farsca da şirindir sözün-söhbetin,
Sığarmı bir dile söz mahebbetin?

Fuzulî'nin farsca şiirsel dilini, uslubunu izlemek için şairin farsca Divanına dikkat etmek gerektir. Divanın en önemli özelliklerine bakalım:

1. Divan'daki dil sadeliyi en önemli özelliklerden biridir. Bu sadelik basitlikten uzak bir sadelikdir.
2. Hep öne çıkan özelliklerinden biri de Divanın son derece hoş ahngidir. Divanın farklı janrlı kısımları vezn ve kafiyeden doğan kendi ahengi ile harmonik bir fon yaratıyor.
3. Fuzulî'nin farsca Divan'ında da milli siması daim sezinlenir. Divanının leksikasında türk manşeli sözler kendine mahsus yer tutuyor: *omid, sağ r, al, rd m, elğar, sürm , çabok, t pançe, xaqan v s.*
4. Divanda lirik kahramanın psikoloji durumuna mahsus olan aparıcı bir makam da dikkati çekiyor. Bu da divan boyu sezinlenen şairin şiirsel mütevazılığıdır. O nazminden gurur duyur, amma yend t v zökarlıqla Tanrıya üz tutur. Tanrıya ona «söz lütfunu bahşettiği» için şükreder.
5. Söz mahebbeti farsca Divanının en şiirsel özelliklerinden biridir. Divan boyu sözle ilgili fikir zanciri heyretimiz bir mantıkla müşayiet olunur: *mana → söz → idrak → dil → nıtk → mazmun → tenzim → gözellik → heyret → zövk → sükut.* Fuzulî için sözün rengi, kemiyyeti, güzelliği, semaviliği mövcuttur .

ویژگی‌های دیوان فارسی فضولی

شفق علی بیگلی^۱

گفته‌هایت به فارسی شیرین است.

آیا موهبت کلام در یک زبان جا می‌گیرد؟

برای پیگیری اسلوب زبان شعر فارسی فضولی باید به دیوان فارسی شاعر دقت کنیم. به مهم‌ترین ویژگی‌های دیوان (فارسی فضولی) نگاه کنیم.

۱. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دیوانش سادگی زبان است. این سادگی زبان با یک سادگی معمولی و آسان فرق دارد.

۲. یکی دیگر از ویژگی‌هایی که مدام با آن رو به رو می‌شویم لحن خوش آهنگی است که در دیوان وی وجود دارد. قسمت‌های دارای سبک دیوان با آهنگی که از وزن و قافیه بوجود می‌آید یک فون هماهنگ می‌سازد.

۳. در دیوان فارسی فضولی همیشه چهره‌ی ملی احساس می‌شود. در طول دیوان واژگانی که منشأ ترکی دارند جایگاه خاصی دارند: امید، ساغر، آل، اردم، ایلغار، سُرْمه، چابوک، طپانچه، خاقان، و ...

۴. در دیوان فضولی آهنگی ملایم که حالت روانی قهرمان غنایی دیوان را نشان می‌دهد نظر را به خود جلب می‌کند. این نیز تواضع شعری شاعر است که در سراسر دیوان احساس می‌شود. او از شعرش احساس غرور می‌کند اما باز هم با تواضع روی به سوی خدا می‌آورد و خدای را به دلیل اعطای کلامی لطیف به او شکر می‌کند.

۵. موهبت کلام (و یا زیبایی کلام) یکی از بارزترین ویژگی‌های شعر دیوان فارسی است که در سراسر دیوان زنجیره‌های فکری مرتبط با کلام، با منطقی حیرت‌انگیز مشایعت می‌شود. معنا ← کلمه ← ادراک ← زبان ← نطق ← مضمون ← تنظیم ← زیبایی ← حیرت ← ذوق ← سکوت.

برای فضولی، رنگ، کمیت، زیبایی، و عرفانی بودن کلمه اهمیت دارد.

کلیدواژه‌ها: ویژگی، دیوان، فارسی، فضولی.

۱. آکادمی ملی آذربایجان موسسه‌ی شارکییات، دانشکده‌ی فیلولوژی، بخش زبان‌شناسی (ترکی-فارسی)

TÜRK ŞAİR NEF'Î'NİN FARS ŞARİRLERİNDEN FAYDALANMASI

Prof. Dr. Mehmet ATALAY¹

Osmanlı dönemi on birinci yüzyıl ünlü şairi Nef'î, Türkçe divanına ilâveten Farsça bir divan da yazmıştır. Onun Farsça şiirlerinden Fars edebiyatını iyi bildiği anlaşılmaktadır. Nef'î, İranlı şairlerle boy ölçüşmek, hatta onlardan daha üstün olduğunu göstermek için Hâkânî, Enverî ve Urfî gibi şairlere nazireler yapmıştır. Çeşitli vesilelerle Firdevsî, Attâr, Mevlânâ, Senâyî, Câmî, Nizâmî, Sa'dî ve Hâfız'dan söz etmiş ve onların şiirlerini değerlendirmiştir. Nef'î'nin Farsça şiirleri onun tasavvufi yönünü göstermesi bakımından önemlidir. Nef'î şiirlerini Hind üslûbu ile kaleme almıştır. Nef'î'nin şiirlerinde kendisini övmek önemli bir yer işgal eder. Nef'î'nin Farsça divanı kasideler, gazeller, rubailer ile bir adet terci'bend ve bir adet kıt'adan ibarettir.

Anahtar kelimeler: Nef'î, Türk Edebiyatı, Fars Edebiyatı.

1 . İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Fars Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı
Öğretim Üyesi

بهره‌مندی نفعی شاعر ترک از شاعران فارسی زبان

محمد آتالای^۱

نفعی شاعر نامی قرن یازدهم هجری، در دوره عثمانی، علاوه به دیوان ترکی یک دیوان فارسی هم تدوین کرده است. از اشعار فارسی وی معلوم می‌شود که او ادبیات فارسی را خوب می‌شناسد. نفعی برای این که خود را برتر از شاعران ایرانی نشان بدهد، به شاعرانی مانند انوری و خاقانی و عرفی نظیره-هایی نوشته است. به وسیله‌های مختلف نام شاعرانی مانند فردوسی، عطار، مولوی، سنایی، جامی، نظامی، سعدی، و حافظ را ذکر کرده و اشعار آنان را ارزیابی کرده است. اشعار فارسی نفعی از لحاظ نشان دادن جنبه عرفانی او مهم است. نفعی شعرهای خود را به سبک هندی نوشته است. تفاخر در اشعارش جای مهمی دارد. دیوان فارسی نفعی شامل قصیده‌ها، غزل‌ها، رباعی‌ها، یک ترجیع‌بند، و یک قطعه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: نفعی، ادبیات ترکی، ادبیات فارسی.

Türkçe Şiir Söyleyen İranlı Padişah: Şah İsmail Hatai

Kübra BAHT

Koskoca Safevi devletin kurucusu ve hükümdarı sayılan Şah İsmail siyasi ve kültürel hayatı ve bu savaşçı ruhunun yanında ince edebi ruhunu ve dilini işlemekmakalenin temel konusunu oluşturmaktadır. Şah İsmail farklı coğrafyalara mensup karakterdeki geniş kitleleri bir ortak ideoloji etrafında toplayıp kendisine bağlamasında halk ruhuna hitap eden şiirlerinin çok büyük etkisi olmuştur. Onun şiirlerindeki ana karakter Hz. Ali çok açık bir şekilde tasvir edilir. Makalede ayrıca Şah İsmailinşiirlerinden yola çıkarak onun Hz. Aliyi nasıl işlediğine değinilmiştir.

Anahtar sözcükler: Şah İsmail, Şah İsmailin edebi dili, şiirler, Hz. Ali

پادشاه ایرانی ترکی سرا: شاه اسماعیل خطایی

کبری بخت^۱

موضوع اصلی مقاله علاوه بر پرداختن به زندگی فرهنگی، سیاسی، و روح جنگجویانه شاه اسماعیل صفوی پرداختن به روح ادبی و زبان عمیق و ظریف این حکمران و مؤسس سلسله و دولت بزرگ صفوی است. شاه اسماعیل توده عظیمی از جغرافیای متفاوت را در اطراف یک ایدئولوژی مشترک جمع آوری کرده است. سرودن اشعار مردمی و وابستگی این توده به شاه اسماعیل، تأثیر و نقش بسزایی داشته است. شخصیت اصلی اشعار او بی شبهه حضرت علی (ع) است. حضرت علی (ع) در اشعار وی به شکل آشکار به تصویر کشیده می شود. در این مقاله به بازتاب نقش حضرت علی (ع) در اشعار و ابیات شاه اسماعیل نیز پرداخته می شود.

کلیدواژه‌ها: شاه اسماعیل، زبان ادبی، اشعار، حضرت علی (ع).

TÜRKÇE VE FARŞÇA ATASÖZLERİNDE ORTAK DÜŞÜNCE DÜNYASI

Mustafa Yasin BAŞÇETİN¹

Bir toplumun, uzun yıllar sonucunda oluşturmuş olduğu ortak aklın ifade şeklini atasözlerinde görmek mümkündür. Bu sebeple, atasözleri bir toplumun hayat algısını ve durumlara bakış açısını bizlere sunan en önemli kültürel ürünlerdir. Aynı zamanda, toplumlar arasındaki etkileşime de ışık tutması açısından atasözleri büyük önem arz etmektedir.

Türkler ve Farslar arasında ortak tarihî ve coğrafi etmenler bu iki toplumun karşılıklı etkileşime girmesini kaçınılmaz kılan en önemli unsurların başında gelmektedir. Divan edebiyatı ve İran edebiyatı arasındaki ortak unsurların varlığı bize kültürel manada bu etkileşimin ne boyutta olduğunu göstermektedir. Türkçe ve Farsça arasında edebî ve kültürel ilişkilerin en önemli örnekleri arasında atasözleri büyük önem arz etmektedir. Farsçada atasözleri, “darbü'l-mesel”, “durub-ı emsal” ya da sadece “emsal” şeklinde yer almaktadır. Türkçe ve Farsça atasözleri arasında hem mana hem de yapı bakımında büyük benzerliklerin varlığına sebep olarak, İslamiyet çerçevesinde ortak kültürün oluşması, aynı coğrafya paylaşımı gibi unsurların, durumlar karşısında benzer ifade ve anlatım tarzının oluşmasına sebep olabilmesi gösterilebilir. Diğer bir bakış açısı ise bu iki kültür arasında sözlü ve yazılı kültür aracılığıyla bir atasözü aktarımı ve etkileşimi olduğu düşüncesidir.

Bu çalışmada, Türkçe ve Farsça dil ilişkileri çerçevesinde ortak aklın bir ifadesi olarak atasözlerinin mana ve yapı boyutları üzerinde durulacaktır. Bu şekilde dilsel benzerliklerden yola çıkarak iki kültür arasındaki ortak değerlere ve düşünce dünyasına dikkat çekilecektir.

Anahtar Sözcükler: Farsça, Türkçe, Kültür, Atasözleri, Etkileşim.

1. Yıldırım Beyazıt Üniversitesi Araştırma Görevlisi
musty_205@hotmail.com

دنیای مشترک میان ضرب‌المثل‌های ترکی و فارسی

مصطفی یاسین باشچتین^۱

شیوه تفکر و نگرش مشترک میان افراد یک جامعه که طی سال‌ها شکل گرفته است را می‌توان در میان ضرب‌المثل‌های آن جامعه دید. به همین دلیل است که ضرب‌المثل‌ها مهمترین محصولات ادبی هستند که درک زندگی و نوع نگرش یک جامعه را برایمان شرح می‌دهند. به همین شکل ضرب‌المثل‌ها در تأثیرپذیری جوامع از یکدیگر نیز نقش مهمی را ایفا می‌کنند. فاکتورهای مشترک تاریخی و جغرافیایی میان ترک‌ها و فارس‌ها از مهمترین عواملی هستند که تأثیرپذیری متقابل این دو اجتماع از یکدیگر را اجتناب‌ناپذیر می‌سازند. عناصر مشترک میان ادبیات دیوان و ادبیات ایران نشان‌دهنده ابعاد این تأثیرپذیری در قالب فرهنگ است. در پیوندهای ادبی و فرهنگی میان زبان ترکی و فارسی ضرب‌المثلها از جمله نمونه‌های مهم محسوب می‌شوند. در فارسی از واژه ضرب‌المثل، ضرب‌الامثال، و یا امثال به تنهایی استفاده می‌شود. دلیل این شباهت‌ها را بین ضرب‌المثل‌های فارسی و ترکی چه از لحاظ معنا و چه از لحاظ ساختار می‌توان عواملی مانند شکل‌گیری یک فرهنگ مشترک پس از ورود اسلام به این دو سرزمین و شرایط جغرافیایی یکسان و به علاوه استفاده از توضیح و تفسیر یکسان در برابر شرایط همانند در ترکی و فارسی دانست. از نگاهی دیگر به واسطه وجود یک رابطه فرهنگی شفاهی و مکتوب میان این دو فرهنگ^۲ این چنین تأثیرپذیری ایجاد شده است. در این تحقیق و پژوهش روی یک تفکر مشترک که مبنای به وجود آمدن ضرب‌المثل‌ها هستند در قالب پیوندهای زبانی میان زبان ترکی و فارسی کار شده است. بدین شکل با در نظر گرفتن شباهت‌های زبانی به ارزش‌ها و دنیای فکری مشترک میان این دو فرهنگ توجه خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: دنیای مشترک، ضرب‌المثل، ترکی، فارسی.

KLASİK TÜRK EDEBİYATI ÇALIŞMALARINDA FARŞA'NIN YERİ

Ekrem Bektaş¹

İslam medeniyetinin iki büyük temsilcisi olan Farşlar ile Türklerin dinî, edebî, tarihî, kültürel, siyasî ve coğrafî yönden birçok ortak değere sahip oldukları bilinen bir gerçektir. Türkler İslam dinini ve klasik edebiyatın muayyen kurallarını Araplardan çok Farşlardan öğrenmişlerdir. Bu yüzden dini ve edebi birçok ıstılahın Farşadan Türkçeye geçmiştir.

Klasik Türk edebiyatı çalışmalarının belli başlı alanları vardır. Bunlar metin tespitinden sonra metin tenkidi, metin şerhi/metin tahlili, karşılaştırmalı edebiyat vs. şeklinde sıralanabilir. Bu bildiride Klasik Türk Edebiyatı çalışmalarında Farşa'nın yeri ve önemi üzerinde durulacak, bu konuda müşahhas bazı örnekler üzerinde durulacaktır.

1. Harran Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi öğretim üyesi

TÜRK-İRAN KARDEŞLİĞİNİ İŞLEYEN MİTOLOJİ KAYNAKLI İKİ TİYATRO ESERİ

Prof. Dr. Müzeyyen Buttanrı¹

Türk- İran Mitolojisinde Türkler ile İranlıların bir babanın iki oğlundan olma kardeş bir millet, ya da akraba olduğu mevcuttur. İşte bu görüş, iki Türk tiyatro eserimizin konusunu oluşturmuştur. Bunlardan biri Atatürk zamanında Atatürk'ün emri ile yazılıp Ankara Halkevi'nde ülkemizi ziyarete gelen İran Şahı Rıza Pehlevi ile Atatürk'ün birlikte seyrettiği Özsoy adlı piyes olup Münir Hayri Egeli tarafından 1934'te yazılmıştır. Diğer Ahmet Midhat tarafından 1884'te kaleme alınan Fürs-i Kadim'de Bir Fâciâ yahut Siyavuş adlı eserdir. Her iki eser de Türk-İran akrabalığı üzerinde durmaktadır.

1 . Prof. Dr. Müzeyyen Buttanrı, Eskişehir Osmangazi Üniversitesi, Fen-edebiyat Fakültesi, Türk Dili ve edebiyatı Bölümü öğretim üyesi.

بررسی دو نمونه از آثار نمایشی منابع اساطیری هم‌خانواده ادبیات ایران و ترکیه

مزین بوتانری^۱

در اساطیر ترک‌ها و ایرانیان از یک پدر بودن این دو فرزند و خویشاوند و برادر بودن آن‌ها به چشم می‌خورد. این دیدگاه دست‌مایه ایجاد دو اثر نمایشی مشترک بوده است. یکی از این آثار را با نام *اوز سوی* در سال ۱۹۳۴ «منیر حایری» در زمان سفر رضا شاه پهلوی به ترکیه به دستور آتاترک نوشته و در سالن «هالک اوی» (خانه ملت) آنکارا به نمایش درآمده است. اثر دیگر را «احمد مدهات» در سال ۱۸۸۴ نوشته شده که یک تراژدی برگرفته از ادبیات فارسی قدیم به نام «سیاوش» است. هر دو این آثار خویشاوندی موجود بین ادبیات ایران و ترکیه را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: آثار نمایشی، *اوز سوی*، سیاوش، احمد مدهات، هالک اوی.

Türkiyede Mevlânâ Bibliyografyası Çalışmaları

Fahrettin COŞGUNER¹

Modern anlamda Mevlânâ Bibliyografyası çalışması Türkiye’de ilk defa Mehmet Önder, İsmet Binark ve Nejat Sefercioğlu tarafından yapılmış ve iki cilt halinde 1973 tarihinde Ankara’da yayınlanmıştır. Bunun ardından daha sonraları, çok sayıda ayrı ayrı Mevlânâ ile ilgili makalelerin, kitapların, tezlerin yer aldığı sınırlı çalışmalar yapılmıştır. Mevlânâ’nın hem kendi eserlerinin, hem de onunla ve eserleriyle ilgili matbu çalışmaların ve tezlerin yer aldığı; Adnan Karaismailoğlu, ve Sait Okumuş ile birlikte hazırladığımız “Mevlânâ Bibliyografyası” 2006 yılında Konya’da basılmış, bu baskı yine aynı kişiler tarafından 2013 yılında güncellenerek tekrar yayınlanmıştır. Bu bibliyografyalarda sadece Türkiyedeki değil ulaşabildiğimiz tüm dünya çapındaki çalışmalar yer almaktadır. Yedi yıl içerisinde ikinci baskısı yapılan bu eser hacim olarak önceki baskının yaklaşık iki katıdır. Mevlânâ hakkındaki her geçen gün hızla artarak devam eden çalışmalar sürdükçe bibliyografya çalışmasının da güncellenerek devam etmesi gerektiği muhakkaktır.

1. Kırıkkale Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi Doğu Dilleri ve Edebiyatları Bölümü

تحقیقات کتابشناسی مولوی در ترکیه

فخرالدین جوش گونر^۱

نخستین تحقیق مدرن کتابشناسی مولوی در ترکیه به اهتمام محمد اوندر و عصمت بینارق و نژاد سفرجی اوغلو تهیه شده و در تاریخ ۱۹۷۳ میلادی در آنقره منتشر شده است. این اثر در دو مجلد است. بعد از آن در این زمینه تحقیقات جداگانه بسیاری مانند مقالات و کتب و رسائل مولوی انتشار یافته است. کتاب کتابشناسی مولوی را هم که آثار خود مولوی و هم آثار چاپ شده در مورد وی را شامل می‌شود با عدنان قرا اسماعیل اوغلو و سعید اوقمش تهیه کردیم. این کتاب در ۲۰۰۶ میلادی در قونیه چاپ شده است. این کتاب به کوشش همین افراد دوباره به اضافه اطلاعات جدید در سال ۲۰۱۳ میلادی منتشر شد. در این کتابشناسی نه تنها تحقیقات بلکه تحقیقاتی که به زبان‌های دیگر طبع شده هم موجود است. تعداد صفحات چاپ اخیر نسبت به چاپ اول دو برابر است. هنوز هم تحقیقات مولوی-شناسی به سرعت ادامه دارد، بعد از این هم لازم است کتابشناسی مولوی به روز رسانی شود.

کلیدواژه‌ها: کتابشناسی، مولوی، ترکیه.

OSMANLI DEVLETİ'NDE FARŞÇA DİLBİLGİSİ YAZMA FAALİYETLERİ

Dr. Ahmet ÇELİK¹

Osmanlı Devleti'nde Farsça dilbilgisi yazma faaliyetleri tarihî bakımdan iki döneme ayrılabilir: Tanzimat Öncesi ve Tanzimat Sonrası. Tanzimat Dönemi'nden önce kaleme alınan Farsça dilbilgisi kitaplarının çoğu, Mevlânâ, Hâfız, Sa'dî ve Câmî gibi mutasavvıf ve ârif şairlerin eserlerinin doğru okunması amacıyla yazılmıştır. Bu dönemde Farsça dilbilgisi yazan yazarlar, eserlerinde Arapça dilbilgisi yazarlarının yöntemini takip etmişlerdir. Tanzimat'tan sonra Osmanlı Devleti'nde Farsça dilbilgisi yazıcılığı daha da canlanmış ve çok sayıda Farsça dilbilgisi kitabı yazılmıştır. Tanzimat Dönemi'nden sonra, MîrzâHabîb-i isfahânî ile Farsça dilbilgisi yazıcılığında yeni bir dönem başlamış ve ilk defa Hint-Avrupa dillerine özgü dilbilgisi yazma yöntemlerinden bir bölümü Farsça dilbilgisi kitaplarına girmiştir. Bu bakımdan MîrzâHabîb-i isfahânî'yi Farsça dilbilgisi yazıcılığının öncüsü kabul etmişlerdir. Bu dönemde yazılan Farsça dilbilgisi kitaplarının çoğu, Osmanlı okullarında ders kitabı olarak okutulmuştur. Bu makalede, Osmanlılar Dönemi'nde Türkiye'de Farsça dilbilgisi yazıcılığı incelenmiş ve Farsça dilbilgisi alanındaki önemli eserler tanıtılmıştır.

Anahtar Kelimeler: Osmanlı Devleti, Türkiye, Tanzimat Dönemi, Farsça dilbilgisi yazıcılığı, MîrzâHabîb-i isfahânî.

1. İstanbul Üniversitesi Öğretim Üyesi

فعالیت‌های دست‌نویسی فارسی در دولت عثمانی

دکتر احمد چلیک^۱

فعالیت‌های دست‌نویسی در دولت عثمانی را از نظر تاریخی می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: قبل از دوره تنظیمات و بعد از دوره تنظیمات. بیشتر دست‌نویس‌های فارسی که قبل از دوره تنظیمات تدوین شده‌اند، به منظور درست خواندن آثار شعرای متصوف و عارف مانند مولانا، حافظ، سعدی، و جامی به نگارش درآمده‌اند. دست‌نویس‌های فارسی این دوره در آثارشان شیوه‌ی دست‌نویس‌های عربی را دنبال کرده‌اند. بعد از تنظیمات دست‌نویسی فارسی در دولت عثمانی بیشتر رونق گرفته و دست‌نویس‌های زیادی برای زبان فارسی نوشته شده است. بعد از دوره تنظیمات و با میرزا حبیب اصفهانی دوره جدیدی در دست‌نویسی فارسی شروع شده و برای اولین بار پاره‌ای از شیوه‌های دست‌نویسی زبانهای هند و اروپایی وارد کتاب‌های دست‌نویس فارسی شده است. از این جهت میرزا حبیب اصفهانی را پیشگام دست‌نویسی فارسی دانسته‌اند. بیشتر کتابهای دست‌نویس زبان فارسی که در این دوره تدوین شده‌اند سالهای سال به عنوان کتاب درسی در مدارس عثمانی استفاده شده‌اند. در این مقاله دست‌نویسی زبان فارسی دوره‌ی عثمانی در ترکیه بررسی و آثار مهم در حوزه‌ی دست‌نویس زبان فارسی معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: دولت عثمانی، ترکیه، تنظیمات، دست‌نویسی فارسی، میرزا حبیب اصفهانی.

Arafat Deniz¹

Çağatay edebiyatının en büyük temsilcisi olan Ali Şir Nevayi çok geniş bir coğrafyada etkili olmuş bir şairdir. Hem Farsça'da hem de Türkçe'de birçok eser veren Nevayi, Çağatay ve Osmanlı şairleri gibi Klasik Fars şairlerinden etkilenmiştir. Özellikle Klasik Fars Edebiyatının önde gelenlerinden olan Feriddün Attar kendisinden sonra gelen birçok şairi etkilediği gibi Ali Şir Nevayi'yi de büyük ölçüde etkilemiştir. Nevayi'nin Mantık'ut Tayr eserine nazire olarak yazdığı Lisanü't-Tayr eseri bu etkileşimi gösterir. İki mesnevi genellikle benzerlik gösterse de Nevayi aynı konuyu farklı bir tarzda işlemiştir. Bu çalışmada iki mesnevide de önemli bir yer tutan temsili ve tasavvufi rolleri olan kuş kahramanlarının özellikleri karşılaştırmalı olarak incelenecektir.

1. YunusEmreEnstitüsüOkutmanı

عرفات دنیزا^۱

علیشیرنوایی بارزترین نمونه ادبیات جغتایی شاعریست که جغرافیای وسیعی را تحت تأثیر قرار داده. نوایی آثار زیادی در فارسی و ترکی دارد و همچون شاعران عثمانی و جغتایی، از شاعران کلاسیک فارسی تأثیر پذیرفته است. علیشیرنوایی مانند عطار که از پیشتازان ادبیات کلاسیک فارسی است و بسیاری از شاعران پس از خودش را تحت تأثیر قرار داده، عده‌ی زیادی را تحت تأثیر قرار داد. نوایی نظیره‌ای به نام لسان‌الطیر، به تقلید از اثر منطق‌الطیر نوشته که گواهی بر این تأثیر است. در این پژوهش ویژگی‌های پرنده قهرمان که در هر دو مثنوی نقش تمثیلی و تصوفی مهمی دارد به طور متقابل ارزیابی و بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: علیشیرنوایی، ادبیات جغتایی، ادبیات فارسی، تأثیر.

OSMANLI ARŞIV BELGELERİNDE KULLANILAN FARŞÇA KALIP SÖZLER

Muhittin Eliaçık¹

Osmanlı resmî arşiv belgeleri Türk dili ve edebiyatının önemli kaynaklarıdır. Altı asırlık bir imparatorluğun milyonlarca vesika ve binlerce defterde kayıtlı bulunan yazışmalarından, kullandığı dil ve edebiyatı tüm yönleriyle görebilmek çok önemlidir. Bu belgelerde yüzlerce Arapça ve Farsça kelime/kelime grubu kullanılmış ve bunların bir kısmı zamanla kalıp söz hâline gelmiştir. Bu belgelerde kullanılmış kalıp sözler anlatımın daha çabuk ve kolay olmasını da sağlamış ve bunların da çoğuzarf, sıfat, edat vb. Kelimelerden oluşmuştur. Çoğunluğu Arapça olan bu kalıp ifadelerinTürkçede nasıl kullanıldığını tüm yönleriyle bu belgelerde görmek mümkündür.Öte yandan Farsça veya Türkçe-Farsça karışık hâlde kullanılmış olanları dil ve edebiyat açısından çok daha değerlidir. Zira Farsça, Osmanlı Türkçesinde edebî bir dil olmasınını taşımaktadır ve birer edebiyat nümunesi olan Osmanlı belgelerinde de ifadeler genellikle Farsça tamlamalarla kurulmuştur. Bu bildiride, bir dil ve edebiyat malzemesi olarak gördüğümüz milyonlarca arşiv belge veya defterini inceleyecek ve kullanılan Farsça kalıp sözleri ortaya koymaya çalışacağız. Çalışmamızda milyonlarca arşiv belgesinin her fonundan belge inceleyerek kalıp kelimeleri tanımlarıyla birlikte göstermeyi hedefliyoruz. Her birinin mazisi en az 4-5 asır geriye giden bu kalıp kelimelerden bir kısmı bugün günlük dilimizde de kullanılmaktadır. Çalışmamızda yaygınlık kazanıp kalıplaşmış kelimeler seçilecektir. Mesela:

binâ-ber-în (Binâ-ber-în hürriyet- i ticâret dahi elzemdir)
câ-be-câ (Cânib-i muhlisânemiz câ-be-câ mürüvvet-i esâlîbleriyle
yâd u tezkâr buyurulmak me'mûl-i muhlisânemizdir)

1. Prof.Dr. Kırıkkale Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü

çâr-nâ-çâr (Ekserîsinin telef ü helâkini gördükden sonra çâr-nâ-çâr Rusların taht-ı tasarrufunda olan Hokand kıt'asına ilticâ eylemeğe mecbûr oldum)

dem-be-dem (..ile dem-be-demizdi yâd u iştîdâd bulmak müyesser ola)

ez-cân u dil (Uğur-ı dîn-i mübîn ve devlet-i ebed-rehînimizde ez-cân u dil sarf-ı tâb u tâkat edeceği..)

ez-ser-i nev (sülâle-i Cengiziyeyi ez-ser-i nev ol havâlîde iştihâr-yâfte-i gâlibiyet etmek vâdisinde olduğına nazaran..)

hâhnâ-hâh (Hayme-nişîn olana şâyirin Karsdan gayri melceleri olmadığından hâh-nâ-hâh hudûd-ı Karsa firâr u ilticâlarında..)

her-çi-bâd-âbâd (Bu miyânda kudreti olanlar her-çi-bâd-â-bâd kudreti olanlar hayâtını kar içine atıyor, atamayanlar Ermeni kılınçlarına boyunlarını uzadıyordu)

hod-be-hod (Hod-be-hod Rusyalu ya mukâvemet ve mukâbele edemeyecekleri ma'lûm-ısa âdetleridir)

pâ-ber-câ (Veta'assub-ı dîn-i şeriat-ı Muhammedîde pâ-ber-câ-yı istikâmet olmalarını..)

refterefte (Vebukâ'ideilereftereftezî- kudrethânedân hânedânzâde çoğalup..)

çendrûz akdemce (Birkıt'a mufassal darâ'at-nâme-i bendegânem târîh-i arîza-i ubûdiyyetimden çend-rûz-akdemce takdîm-i atebe-i felek-mertebe-i veliyyü'n-ni'amîleri kılınmış idi)

vb. Farsça kalıp sözler, manaları, tanıkları ve ait oldukları fonlar dipnotlarda gösterilmek suretiyle ortaya konulacaktır. Böylece, dil ve edebiyat yönünden pek incelenmemiş olan resmî arşiv belgelerinden hareketle Türkçe ile Farsça'nın bilinmeyen bir kesiti ortaya konulacaktır.

عبارات فارسی مورد استفاده در اسناد آرشیو عثمانی

محمی‌الدین الی‌آچیق^۱

اسناد آرشیو رسمی عثمانی از جمله مهم‌ترین منابع زبان و ادبیات ترکی است. با توجه به میلیون‌ها وثیقه و مکاتبات ثبت‌شده در هزاران دفتر یک امپراتوری با عمر شش قرن، مشاهده تمامی جنبه‌های زبان و ادبیات مورد استفاده حائز اهمیت فراوانی است. در این اسناد صدها کلمه یا عبارت عربی و فارسی مورد استفاده قرار گرفته است و برخی از آنها به مرور زمان به عبارات مشخص تبدیل شده‌اند. عبارات مورد استفاده در این اسناد موجب سرعت و تسهیل در بیان معانی گردیده و اکثر عبارات مذکور قید، صفت، ادات، و ... بوده‌اند.

در این اسناد می‌توان تمامی جنبه‌های نحوه استفاده از این عبارات را که اکثراً عربی هستند در زبان ترکی مشاهده نمود. همچنین عباراتی که به شکل فارسی و یا ترکیب ترکی-فارسی استفاده شده‌اند از نظر زبانی و ادبی دارای ارزش بیشتری هستند. زیرا فارسی دارای جایگاه یک زبان ادبی در ترکی عثمانی می‌باشد و در این اسناد عثمانی که هر یک نمونه‌ای ادبی هستند نیز گروه‌های اسمی عموماً با استفاده از مضاف و مضاف‌الیه‌های فارسی ساخته شده‌اند. در این مقاله، به بررسی میلیون‌ها سند و دفتر آرشیو که به عنوان ابزارهای زبانی و ادبی مدنظر می‌باشند پرداخته و سعی در ارائه عبارات فارسی مورد استفاده خواهیم داشت.

در این فعالیت، به بررسی اسناد با موضوعات مختلف از میان میلیون‌ها سند پرداخته و به دنبال نشان دادن عبارات به همراه شواهد و قرائن هستیم. برخی از این عبارات که هر یک از آنان دارای سابقه حداقل ۴-۵ قرن هستند؛ امروزه نیز در زبان محاوره مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این مقاله عباراتی که رواج یافته و به عنوان یک قالب مورد استفاده قرار گرفته‌اند، برگزیده خواهند شد. به عنوان مثال عبارات فارسی همچون **بنابراین، جابجا، چارناچار، دم‌به‌دم، از جان و دل، از سر نو، خواه‌ناخواه، هر چه باد آباد، خود به خود، پابرجا، رفته رفته، و چند روز اقدمجه** به همراه معانی آنها به شکل ارائه زمینه‌های استفاده

۱. گروه زبان و ادبیات ترکی دانشکده فن و ادبیات دانشگاه قیریق قلعه

آنها در پاورقی مطرح خواهند شد. بدین ترتیب از طریق اسناد آرشیو رسمی که از منظر زبانی و ادبی به میزان کافی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، جنبه‌ای ناشناخته از زبانهای ترکی و فارسی مطرح خواهد گردید.

کلیدواژه‌ها: عبارات فارسی، اسناد، آرشیو عثمانی.

Mütercimnin Tasarrufları Bağlamında Tercüme Meselesi: Molla Cami - Çakeri Örneği

M. Esat HARMANCI¹

İran edebiyatının son büyük şairi kabul eden ve Türk şairler üzerindeki etkisi herkesçe kabul edilen Molla Câmî'nin bir çok şair tarafından tercüme edilen ve nazire yazılan Yûsuf u Züleyhâ'sı onun en tanınmış mesnevisidir. Bu bildiriye konu olan Çâkerî Yûsuf Sinân'ın Yûsuf u Züleyhâ'sı ise klasik mesnevi tertibine uygun olarak yazılmış olup Câmî'nin sözü edilen aynı adlı eserinin tercümesidir. Çâkerî, mesnevisinde Câmî'nin adından söz ederek hem ona övgüde bulunmuş hem de onun eserinin kendisine kaynaklık ettiğini söylemiştir. Çakeri, giriş bölümünde ve her bir bölüm başlarında ve sonlarında özgün tasarruflarda bulunmuştur. Fakat, bu bildiride üzerinde duracağımız konu, birebir çeviri sırasında İran kültür hayatına ve Farsçanın kendine özgü ifade kalıplarına ilişkin kültürel farklılıkların aktarılması sırasında izlenen tavır olacaktır. Bazı beyitleri çevirmeden ya da birkaç beyti bir beyitle Türkçeye aktaran şairin bu davranışında, Farsça dil bilgisi yanında kültürlerin kendilerine özgü ifade yapıları, söz kalıpları ve kültür farklarının da etkili olduğunu düşünmekteyiz. Bu örneklerden yola çıkarak, çağdaş iki şairin kültür farklılıklarından kaynaklanan durumlarda, çeviriye esas olan metinden uzaklaştığı örnekler ortaya çıkarılacak ve böylece gerek metinlerin anlaşılması ve gerekse tercümede kültür farklılığının izleri üzerinde durulmaya çalışılacaktır. Aynı zamanda birkaç örnek üzerinden çağdaş iki şairin farklı coğrafyalarda farklı kültür kodları ile karşılaştıklarında anlambilim bağlamında nasıl bir tutum sergilediklerini de anlamaya çalışacağız.

Anahtar Kelimeler: Tercüme, kültür farklılığı, çeviri, Çakeri, Cami, Yusuf u Züleyha, anlambilim

1. Kocaeli Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi, Eski Türk Edebiyatı ABD,
Kocaeli esatharmanci@yahoo.com

KLASİK TÜRK EDEBİYATINDA İRAN MITOLOJİSİNİN ESTETİK İŞLEVİ

Prof. Dr. İlhan Genç¹

Bilindiği gibi edebî eser, edebiyat sanatının meydana getirdiği ve çağlar boyunca değerini korumuş bir üründür. Bu ürünün en belirgin özelliği her çağa bir şekilde hitap edebilmesi ve insanlığın her çağdaki varoluş macerasını yansıtabilmesidir. Bu anlamda hiçbir sanat faaliyeti edebî eserin işlevini sağlayamamış ve her çağın okuru edebî eseri yeniden anlamlandırabilmiştir.

Klasik Türk Edebiyatı şairleri İran mitolojisinin Cemşid, Rüstem, Feridun, Hüsrev gibi ünlü şahsiyetlerini başta kasidelerinde memduhu övmek maksadıyla teşbih ve telmihlerle, gazellerinde ve mesnevi olmak üzere diğer manzumelerinde teşbih, istiare, mecaz-ı mürseller yoluyla imgeler sistemi içinde işleyerek anlamı derinleştirip genişletmişlerdir. Bunu yaparken gayeleri onları tanıtmak değil, o mitolojik kahramanlar üzerinden şiirlerine anlam penceresi açmaktı. Dolayısıyla söz konusu mitolojik kahramanlar anlamdan ziyade estetik bir işlev görüyor, okur onları estetik bir model şeklinde zihin dünyasında tasavvur ediyordu.

Bildiride İran mitolojik kahramanlarının Klasik Türk Edebiyatının edebî eserlerindeki estetik işlevine etki ve katkısı örneklerle incelenecektir:

1. Düzce Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi Dekanı

İran ile Türkiye Arasında Karşılıklı Olarak Gönderilen Akademisyen ve Öğretmenlerin Dil-Edebiyat ve Kültürün Öğretilmesinde Yapıcı Rollerini

Mehmet Emin Gönen¹

Teknolojinin dünyayı küçük bir köy haline getirmesinin sonucu olarak insanlar artık kendi ülkelerinin dışındaki insanları ve onların dil kültür ve edebiyatlarını da merak etmektedirler. Merak ettikleri bu farklı dil ve kültürleri öğrenmek için çeşitli gayretler içine girmektedirler. Başka dil ve edebiyatları öğrenmenin en iyi yollarından biri o ülkeye gidip orada yaşamaktır. Fakat insanların çok azı başka bir ülkeye gidip oranın dilini ve kültürünü öğrenmek imkânı bulabilmektedir.

Gelişen ve uygarlaşan dünyada artık bunun iyi bir yolu bulunmuştur. Dil ve kültürü öğretmek için insanları kitle kitle bir ülkeden başka bir ülkeye taşımak yerine ülkelere o dili ve edebiyatı öğretecek, dolayısıyla kültürü tanıttacak ve bunların elçiliğini yapacak öğretmen ve akademisyen göndermektir. Bu uygulama en etkili ve faydalı sonuçların alındığı bir uygulamadır. Çünkü Bir ülkenin dili ve edebiyatı aynı zamanda kültürü en iyi o ülkede doğmuş, büyümüş, orada okumuş ve o ülkenin yerlisi olan bir eğitmeninden öğrenilebilir.

Bu şekilde İran'dan Türkiye'ye, Türkiye'den de İran'a öğretmen ve akademisyen gönderilmesinin amacı yekdiğerlerinin dil, edebiyat ve kültürlerini tanıyıp tanıtmak, bu tanışma ve öğrenmenin sonucu olarak tarihi ve kültürel ortaklıkları tespit etmektir. Bu ortaklığın doğal bir sonucu olarak da dostluğu, sevgiyi geliştirip bütün ön yargıları yıkmaktır. Bu öğretmen ve akademisyenlerin kendi ana dilleriyle dil ve edebiyatlarını anlatmaları öğrenmeyi daha zevkli, ilgi çekici ve kolay hale getirmektedir. Bunun sonucu olarak öğrenciler öğrenmek istedikleri bu dil ve edebiyatı büyük bir istek ve gayretle öğrenmekte bunun yanı sıra bu ülkenin kültürünü de severek tanımaktadırlar.

Anahtar Kelimeler: Dil, Edebiyat, Kültür, Akademisyen, öğretmen.

1. Mehmet Emin Gönen Dicle Üniversitesi Türk Dili Edebiyatı okutmanı, Allamai Tabatabai Üniversitesi, Türk Dil Edebiyatı Bölümü Misafir Öğretim Görevlisi.

نقش سازنده استادان و آکادمیسین‌های مدعو بین ایران و ترکیه در آموزش زبان، ادبیات، و فرهنگ

محمد امین گونن^۱

در نتیجه تبدیل دنیا با تکنولوژی به یک دهکده کوچک، انسان‌ها نسبت به انسان‌های خارج از سرزمین‌شان و همچنین زبان، فرهنگ، و ادبیات آنها بسیار کنجکاو شده‌اند و برای آموختن این زبان و فرهنگ‌های متفاوت تلاش‌های بسیاری می‌کنند. یکی از بهترین راه‌های آموختن زبان و ادبیات بیگانه رفتن به آن کشورها و زندگی کردن در آنجاست. اما تعداد بسیار کمی از انسان‌ها این امکان را دارند که به کشور دیگری رفته زبان و فرهنگشان را یاد گیرند.

یکی از راه‌حل‌های این مسئله در دنیای پیشرفته این است که، به‌جای فرستادن گروهی از انسان‌ها از یک کشور به کشور دیگر برای آموختن فرهنگ و زبان، عده‌ای از آکادمیسین‌ها و استادانی را که زبان و ادبیات آموزش می‌دهند، و گاه نیز به‌عنوان سفیرانی میان این دو کشور که در شناساندن فرهنگ و تمدن کشور نقش دارند، به آن کشور مورد نظر می‌فرستند. این عملکرد یکی از کارهایی بوده که مفیدترین و مؤثرترین نتایج را داشته است؛ چرا که بهترین تعلیم زبان و ادبیات، و به همین ترتیب فرهنگ یک کشور، را از معلمی که در آن کشور به دنیا آمده، بزرگ شده، در همان‌جا تحصیل کرده، و بومی آنجا بوده است می‌توان دید.

به این ترتیب، هدف از فرستادن آکادمیسین و استادان از ترکیه به ایران و از ایران به ترکیه شناختن و شناساندن زبان، ادبیات، و فرهنگ یکدیگر و نتیجه این آشنایی و آموختن اثبات مشترکات تاریخی و فرهنگی است. یکی از نتایج طبیعی این اشتراک گسترش دوستی، عشق، و پاک کردن تمام پیش‌داوری‌ها است.

آموزش زبان و ادبیات توسط آکادمیسین‌ها و استادان، با زبان مادری‌شان، آموزش زبان را به حالت جذاب‌تر و آسان‌تر درآورده است؛ در نتیجه زبان‌آموزانی که خواستار آموختن این

^۱ . عضو هیأت علمی دانشگاه دجله (ترکیه) گروه زبان و ادبیات ترکی، استاد مهمان زبان و ادبیات ترکی

استانبولی در دانشگاه علامه طباطبایی.

زبان و ادبیات هستند با علاقه و تلاش بیشتری به یادگیری پرداخته به همین ترتیب با علاقه در حال شناختن این کشور هستند.

کلیدواژه‌ها: زبان، ادبیات، فرهنگ، آکادمی، استاد(آموزش دهنده، معلم).

Türkçedeki farsça kökenli sözcüklerin sesbilimsel özellikleri üzerine

Yrd. Doç. Dr. İlkin GULİYEV¹

Dünya dilleri arasında kendi sözcüklerinden oluşan arı dilin olmadığı artık bilim adamları tarafından kanıtlanmıştır. Türklerin de eski zamanlardan Arapça ve Farsça konuşan milletlerle komşu olmaları Türkçenin kelime hazinesine de etkisini göstermiştir, dolayısıyla, Türkçede Türk kökenli kelimelerle birlikte, Farsçaya özgü kelimeler sıkca rastlanırghf. Tarihin her devrinde görülen Türkiye ve İran arasındaki iktisadi, siyasi, ticari, bilimsel ve b. alanlardaki ilişkiler bu halkların dilini de etkilemiştir. Farsçadan Türkçeye geçen kelimeler arasında her alana dair kelimeye az veya çok derecede rastlamak mümkündür.

Farsçada ünlülerin bulunmamasına rağmen, Farsçadan Türkçeye geçen kelimeler Türkçe gramer kurallarına uymuş, kökeni belirlenemez bir hale gelmiştir, bu kelimeler Türkçede çok sık kullanıldığına göre kökeninin hangi dil olduğu konusunda karar verilmesi gittikçe zorlaşıyor.

Türk dillerinde ünlü uyumu diye bir kanunun olması Farsçadan Türkçeye geçen kelimelerin Türkçede farklı tarzda okunmasına ve yazılmasına neden olmuştur. Türkçe kökenli kelimelerde görüldüğü gibi, Farsçadan alıntı kelimeler de Türkçenin sesbilimsel kurallarına uyarak asıl dildeki varyasyonunu kaybetmiş durumda olup, tamamen özdeşmiş bir biçim kazanmıştır. Buna rağmen, bazı kelimeler asıl dildeki sesbilimsel özellikleri korumaktadır. Bu özelliklere göre o sözcüklerin Farsça kökenli olduğu net bir şekilde görülür.

Ele alınan özellikler şunlardır:

1. Sözcüğün terkinde *a* ve *i* seslerinin olması: ayin, bahşiş ve b.;
2. Sözcüğün *nk* harfları ile bitmesi: nehenk, renk ve b.;

1. Kafkas Üniversitesi, Fen-Edebiyat Fakültesi, Çağdaş Türk Lehçeleri ve Edebiyatları Bölümü / Kars, Türkiye
guliyevilkin@mail.ru

3. Sözcüğün terkinbinde **ü** ve **a** seslerinin olması: düçar, düşman, güya ve b.;
4. Sözcüğün terkinbinde **a**, **i** ve **e** seslerinin olması: lacivert, avize, nadide, saniye ve b.;
5. Sözcüğün terkinbinde **e**, **i** ve **a** seslerinin olması: bezirgan, perişan ve b.;
6. Sözcüğün terkinbinde **a**, **e** ve **i** seslerinin olması: yasemin, aferin ve b.;
7. Sözcüğün terkinbinde **e**, **a** ve **e** seslerinin olması: cengaver, peygamber ve b.

درآمدی به روی کلمات فارسی موجود در ترکی از نظر آواشناسی

ایلکین قولیف^۱

دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که دیگر در دنیا زبانی که فقط از کلمات خود تشکیل شده باشد وجود ندارد. ترک‌ها نیز در گذشته با ملل فارس و عرب زبان در بین یکدیگر زندگی می‌کرده‌اند و از این جهت دارای گنجینه لغوی بسیار غنی هستند. به همین دلیل در زبان ترکی به همراه کلمات ترکی^۲ کلمات فارسی به وفور یافت می‌شود. روابط اقتصادی، سیاسی، تجاری، علمی، و تقریباً در تمام زمینه‌ها به کلمات فارسی که به این زبان منتقل شده است بر می‌خوریم. علیرغم اینکه در زبان فارسی آواهای مصوت وجود ندارد؛ کلماتی که از فارسی به ترکی وارد شده‌اند با قوانین دستوری و آوایی ترکی مطابقت پیدا کرده‌اند و ریشه‌ی آن‌ها دیگر قابل تشخیص نیست. این کلمات هر روزه در ترکی به وفور استفاده می‌شود و به همین دلیل تشخیص ریشه‌ی این کلمات هر روز سخت‌تر می‌شود.

وجود حروف مصوت در ترکی باعث شده است که کلمات فارسی منتقل شده به شکل و شیوه کمی متفاوت خوانده و نوشته شوند. کلمات فارسی نیز مانند کلمات ترکی اصیل با این قوانین آوایی مطابقت پیدا کرده‌اند و دیگر یک کلمه‌ی ترکی محسوب می‌شوند و ماهیت فارسی خود را از دست می‌دهند. علیرغم این موضوع بعضی از کلمات ساختار آوایی اصلی خود را حفظ می‌کنند. با توجه به این ویژگی‌ها آشکار است که ریشه‌ی این کلمات فارسی است.

ویژگی‌های به دست آمده عبارتند از:

- وجود آ (a) و ای (i) در ترکیب کلمه: آیین، بخشش، و ...
- کلماتی که به ن (n) و ک (k) ختم می‌شوند: رنگ، و ...
- وجود او (ū) و آ (a) در ترکیب کلمه: دچار، دشمن، گویا، و ...
- وجود آ (a)، ای (i) و ا (e) در ترکیب کلمه: لاجور، آویزه، نادیده، ثانیه، و ...
- وجود آ (a)، ا (e) و ای (i) در ترکیب کلمه: بازرگان، پریشان، و ...
- وجود آن (a)، ا (e) و ای (i) در ترکیب کلمه: یا سمین، آفرین، و ...
- وجود ا (e)، آ (a) و ا (e) در ترکیب کلمه: جنگاور، پیغمبر، و ...

کلیدواژه‌ها: کلمات فارسی، ترکی، آواشناسی.

TÜRKİYE'DE FARŞÇA ŞİİR SÖYLEYEN ÇAĞDAŞ ŞAİRLER

Prof. Dr. Ali GÜZELYÜZ¹

Türkiye'de Farsça şiir söyleyen çağdaş şairleri iki grup içinde ele almak mümkündür.

Birinci grup: Osmanlı zamanındaki Farsça şiir söyleme geleneğini sürdüren Türk şairler:

a) Farsça şiir Divanı olan şairler:

Bilindiği gibi Farsça, Osmanlı döneminde özellikle şairler arasında çok yaygın bir şekilde kullanılmıştır. Osmanlı'nın son dönemlerinden itibaren azalmış olmakla birlikte, bazı şairler bu geleneği Cumhuriyet döneminde de sürdürmüşlerdir.

Bu şairler arasında, Farsça Divanları bulunan Tahirü'l-Mevlevi ile Ömer Nasuhi Bilmen,³⁶¹ Farsça rubaisi bulunan İbrahim Aczi-yi Kendi; Türkçe, Farsça ve Arapça Divanları bulunan İbrahim Hakkı Kemahi ve Suudü'l-Mevlevi vs. şairler anılabilir.

b) Farsça şiir söyleyen diğer şairler:

Ayrıca bunların dışında, Farsça Divanı bulunmayan ancak çok sayıda Farsça şiir söyleyen ya da İranlı şairlerin şiirlerine Farsça nazireler yazan onlarca şair bulunmaktadır.

Bunların arasında Ali Nihad Tarlan, Ali Salahaddin Yiğitoğlu, Veled Çelebi İzbudak, Mehmed Emin Yümni, Yusuf Ziyaeddin, Hicabi Kırlangıç, Halil Toker vs. gibi şairler anılabilir.

İkinci Grup: Son dönemde İran, Afganistan veya diğer Doğu ülkelerinden gelerek ülkemize yerleşen ya da ülkemizde kısa süreli olarak ikamet edip Farsça şiir söyleyen şairler:

Bu şairler arasında ilk sırada, Afganistan'dan gelerek İstanbul'a yerleşen ve Türkiye Cumhuriyeti vatandaşlığına geçen Habibullah Çağatay gelmektedir. Hemneva mahlasını kullanan Habibullah Çağatay, Farsça, Özbekçe ve Çağatayca şiirlerini ve düz yazılarını 20'ye yakın kitap halinde İstanbul'da yayınlamış ve yayınlamaya devam etmektedir.

1. İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi, Fars Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı Başkanı

Ayrıca iki yıldır İstanbul Üniversitesi'nde misafir öğretim üyesi olarak bulunan İran'ın ünlü şairlerinden Prof. Dr. KavusHasanlı, İstanbul ve Marmara Denizi ile ilgili söylediği şiirleri Marmara'nın Cilvelerinin Ardında adıyla Türkçe çevirisiyle birlikte İstanbul'da iki dilli olarak yayınlanmıştır.

Yine İran'ın Tebriz şehrinden gelerek İstanbul'a yerleşen Davut İbrahimoglu, Afganistan'dan gelerek İstanbul'a yerleşen Hamidullah Barlas ve diğer şairlerin Farsça şiirleri çeşitli dergi ve kitaplarda yayınlanmıştır.

Sunacağımız bildiride son yüzyılda Türkiye'de Farsça şiir söyleyen şairler ele alınacak, hayatlarından ve eserlerinden söz edilerek şiirlerinden örnekler verilecektir.

Anahtar kelimeler: Çağdaş şiir, Farsça, Türkiye

شاعران معاصر فارسی گوی در ترکیه

دکتر علی گوزل یوز^۱

شاعران فارسی گوی در ترکیه را می توان در دو گروه بررسی کرد:

گروه اول: شاعران ترکیه‌ای که در ادامه سنت شعر عثمانی شعر فارسی سروده اند:

الف- شاعرانی که دیوان شعر دارند:

در میان این شاعران می توان به افرادی اشاره کرد که دیوان شعر فارسی دارند از جمله طاهر المولوی و عمر ناسوخی بیلمن و کسانی که در دیوان آنها شعر فارسی، ترکی، و عربی وجود دارد مانند ابراهیم حقی کماخی و سعود المولوی و نیز ابراهیم عجزی کندی که ۳۶۱ رباعی فارسی سروده است. این‌ها همگی اهل ترکیه بوده‌اند.

ب- شاعرانی که اشعاری پراکنده از آن‌ها به زبان فارسی منتشر شده است:

از جمله‌ی این شاعران می توان به افراد زیر اشاره کرد:

علی نهاد ترلان، علی صلاح الدین بیغیت اوغلو، ولد چلبی ایزبوداک، محمد امین یمینی، یوسف ضیاء-الدین، حجابی کرلانگیچ، خلیل توکر، و ...

به جز نامبرندگان ده‌ها شاعر دیگر هم وجود دارند که در ترکیه جدید به زبان فارسی شعر سروده اند.

گروه دوم: شاعران غیر ترکیه‌ای که به کشور ترکیه آمده اند و در این محیط شعر

فارسی سروده اند:

از جمله این شاعران می توان به افراد زیر اشاره کرد:

۱. حبیب الله چغتائی که از افغانستان به ترکیه آمده، در اینجا اقامت گزیده و اشعار دری، اوزبکی و چغتایی خود را در حدود بیست کتاب در ترکیه منتشر کرده است.

۲. کاووس حسن لی از شاعران ایرانی که برای تدریس به عنوان استاد مهمان به دانشگاه استانبول آمده، در پیوند با استانبول و دریای مرمره پنجاه قطعه شعر فارسی سروده است که در کتابی به نام «پشت کرشمه های مرمره» همراه با ترجمه ترکی در استانبول به چاپ رسیده است.

حمید الله برلاس افغانی و داوود ابراهیم اوغلو تبریزی از دیگر شاعرانی هستند که به ترکیه آمده‌اند و اشعار فارسی آن‌ها که در محیط جدید سروده شده در دسترس است.

۱. استاد و رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه استانبول

در این مقاله زندگی، آثار، و اشعار شاعران معاصر فارسی گوی در صد سال اخیر در ترکیه مورد بررسی خواهد شد.

کلید واژه‌ها: شعر معاصر، فارسی، ترکیه.

Türkçeden Farsçaya Geçmiş Eşya Adları Bildiren İsimle (Safeviler Dönemi ve Sonrası)

Dr. Ziver Hüseyinli¹

İran, Anadolu, Kafkasya ve Irak'ta yaşayan Türkler daha önceki yüzyıllardan beri farklı zamanlarda ismi geçen bölgelerde faaliyetler göstermiş ve devlet kurmuşlardır. Bunlardan biri 16. yüzyılın başlarında bugünkü İran, Kafkasya ve Irak bölgesinde kurulan Safevi devletidir.

Safeviler devletinde özellikle Şah İsmayıl zamanı hakim dairenin Türk dili ve kültürüne verdiği değer ve Kızılbaş emirlerinin hükümeti yöneltmesi sonucu olarak Türklerin kültürü ve özellikle dillerinin daha geniş yayılması ve edebiyatının gelişmesi için ortam oluştu.

Safevi hanedanının ana dili, bugün Azerbaycan türkçesi adlandırılan türkçedir. Bu dil, adı geçen dönem kaynaklarında "Kızılbaş", "Turki" ya da "Torki" olarak geçiyor. 16-17 yüzyıllarda Osmanlı türkçesi ile çok farkı olmasa da yazı örneklerinin en çok bugünkü Azerbaycan türkçesine uygun olduğunu görüyoruz.

Safevi devleti dahilinde esas rol oynayan halklar. Türkler ve Farşlar olmuşlardır. Bu iki halkın iç içe yaşaması onların kültür, din, dil ve diğer bakımdan yakınlıklarına, hatta birbirlerini etkilemesine neden olmuştur. Farşanın Türkçe üzerindeki etkisi daha önceki yüzyıllardan başlasa da Türkçenin Farşaya etkisi Gazneliler döneminden başlamış, Safeviler döneminde daha çok ve daha keskin artmıştır. Böylece çok sayıda sözcükler Farşadan Türkçeye, Türkçeden de Farşaya geçerek kullanılmaya devam etmiştir. Türkçeden Farşaya geçmiş kelimeler bölgedeki insanların askeri, saray, sosyal ve diğer alanlarda yaşamlarına ait sözcüklerdir.

Bildiri hacminin çok olmaması için yalnız sosyal alanda, yaşama ait olan sözcükler arasından "Eşya İsimleri" bildiren

1. Hazar Üniversitesi, Doğu Dilleri Ve Din Araştırmaları Bölümünde Öğretim Görevlisi. Azerbaycan

sözcükler üzerinde çalışmakla yetindim. Sözlerin günümüz Türkiye türkçesindeki karşılığını vermekle, günümüz Azerbaycan, Türkiye türkçesi ve Farsçada kullanıp kullanmadığına dair okurlara bilgi vereceğim.

اسامی اشیایی که از ترکی وارد فارسی شده‌اند (دوره صفوی و بعد از آن)

دکتر زیور حسین لو^۱

ترک‌های ساکن ایران، آناتولی، قفقاز، و عراق از قرن‌ها پیش در دوره‌های متفاوت در مناطق مذکور فعالیت داشته و دولت‌هایی را نیز تأسیس کرده‌اند. یکی از این دولت‌ها، دولت صفوی بود که در اوایل قرن شانزدهم میلادی در ایران، منطقه قفقاز، و عراق کنونی تشکیل شد. در دولت صفوی به ویژه در دوره حکومت شاه اسماعیل به دلیل اهمیتی که دولت وقت برای فرهنگ و زبان ترکی قائل بود و همچنین در نتیجه اداره حکومت توسط قزل‌باش‌ها، زمینه لازم برای گسترش فرهنگ و زبان ترکی و همچنین پیشرفت این ادبیات فراهم شد. زبان مادری خاندان صفوی ترکی آذربایجانی است که از این زبان در منابع دوره خود با نام-های قزل‌باشی، تورکی، و ترکی نام برده شده است. اگرچه این زبان در قرن‌های شانزدهم و هفدهم با زبان ترکی عثمانی تفاوت چندانی نداشت اما باز شواهد حاکی از آن است که نوشته‌های به جای مانده با ترکی آذربایجان تناسب بیشتری دارد. در دولت صفوی نقش اساسی را ترک‌ها و فارس‌ها ایفا می‌کردند. زندگی ترک‌ها و فارس‌ها کنار یکدیگر^۲ نه تنها موجب نزدیکی فرهنگ، مذهب، زبان، و جنبه‌های دیگر این دو ملت به یکدیگر شد بلکه زمینه تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر را نیز فراهم کرد. تأثیرگذاری زبان فارسی روی زبان ترکی اگر از قرن‌ها پیش هم شروع شده باشد تأثیرگذاری زبان ترکی بر روی زبان فارسی از دوره غزنویان آغاز شد و در دوره صفویان نیز این تأثیرات وارده با شدت بیشتری افزایش یافت. به این ترتیب کلمات زیادی از فارسی به ترکی و از ترکی به فارسی وارد شد و مورد استفاده عموم قرار گرفت. کلماتی که از ترکی وارد فارسی شده در زمینه‌های نظامی، اجتماعی، درباری، و دیگر جنبه‌های موجود در زندگی انسان‌های منطقه است. برای اینکه حجم این مقاله از حد معمول بیشتر نگردد تنها به کلماتی که اشیاء را شامل می‌شوند و به علاوه در زندگی روزمره و اجتماعی مردم به کار می‌روند بسنده می‌کنم. در اینجا ضمن بیان معادل‌های کلمات در ترکی

^۱ . دانشگاه خزر آذربایجان، مربی گروه پژوهش‌های دینی و زبان‌های شرقی

استانبولی معاصر^۵ در خصوص رایج بودن یا نبودن آن‌ها در ترکی آذربایجان، ترکی استانبولی، و فارسی اطلاعاتی را به خوانندگان ارائه خواهم نمود.

کلیدواژه‌ها: اسامی اشیاء، ترکی، فارسی، دوره صفوی.

YABANCI DİL OLARAK FARŞÇA ÖĞRENEN İRANLARIN HEDEF DİL VE KÜLTÜR HAKKINDAKİ DÜŞÜNCELERİ

Kayhan İNAN¹

Dil kültürün hem bir unsuru hem de bir taşıyıcısı olarak onun gelecek nesillere aktarımında ve yaygınlaşmasında büyük rol oynamaktadır. Yabancı dil öğretiminde kültürün tanıtımı ve öğretimi ihmal edilemeyecek derecede önemlidir. Dil öğretimi ile kültür öğretimi birbirinden ayrılmaz. Yabancı bir dil öğrenen kişi, öğrendiği dile ve kültüre sevgi beslemektedir. Bu sebeple dünya üzerinde yaygın bir şekilde öğretimi yapılan dillerin temsil ettiği devletler ve kültürler küresel anlamda büyük bir etkiye sahiptirler. Bu çalışmada yabancı dil olarak Farsça öğrenen Türklerin İran devleti ve İran kültürü üzerine dil öğretim sürecinde tutumlarındaki değişiklikler üzerine bazı tespitler yer almaktadır.

Anahtar Kelimeler: Yabancı dil, kültür, empati, Farsça, tutum.

1 . Gazi Üniversitesi Türkçe Eğitimi Bölümü Araştırma Görevlisi
hankayhan@gmail.com

باورهای زبان آموزان ترکدر مورد فرهنگ ایرانیان در آموزش زبان فارسی به عنوان یک زبان خارجی

کایهان اینان^۱

زبان به عنوان یک عنصر و انتقال دهنده فرهنگ در نقل و انتشار آن به نسل‌های آینده نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. در آموزش یک زبان خارجی^۲ فرهنگ و آموزش آن به قدری اهمیت دارد که نمی‌توان نقش آن را نادیده گرفت. آموزش زبان و آموزش فرهنگ از یکدیگر جدایی ناپذیرند. فردی که یک زبان خارجی را فرامی‌گیرد باید به فرهنگ و زبانی که می‌آموزد احترام بگذارد. به این سبب فرهنگ‌ها و دولت‌هایی که زبان آنها به صورت رایج در دنیا تدریس می‌شود تأثیر بسیار زیادی بر جهان می‌گذارند. در این مقاله نشانه‌ای از تغییراتی که در نگرش فارسی آموزان ترک در مورد دولت و فرهنگ ایران در طول یادگیری زبان بوجود می‌آید مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: زبان خارجی، فرهنگ، همدلی، فارسی، نگرش.

İran ve Türk Edebiyatlarında Sakiname Yazma Geleneği

Prof. Dr. Adnan KARAİSMAİLOĞLU¹

İran ve Türk edebiyatları arasındaki ilişkiler birçok araştırmacıya konu olmuştur. Karşılaştırmalı edebiyat açısından her iki edebiyat çok zengin bir geçmişe sahiptir. Ancak son asırda bu çerçevede bazı tartışmalı değerlendirmeler de yapılmıştır. Bu bildiride sâkinâme yazma geleneğinin her iki edebiyattaki serüveni hakkında bilgi verilecektir.

İran edebiyatında Sâkinâmeler daha çok mesnevi nazım şeklinde ve mütekârib bahrinde kaleme alınmıştır. Bu şiirlerde sâkiye hitap edilerek hayatın geçici olduğu, dünyaya bağlanmamak gerektiği gibi ahlaki, felsefi ve tasavvufi öğütleri kadeh, sâkî, şarap ve ilgili kelimelerle anlatılmaktadır. Şairler sâkinâmenin nazım şekli, vezni ve muhtevaya bazı ilaveler hususunda az da olsa serbest hareket etmiştir. Sakiname, Türk edebiyatında da önemli bir konudur ve muhtemelen birkaç yüz kadar şair, çeşitli nazım şekillerinde sâkinâme yazmıştır.

Sâkinâme muhtevasına uygun yazılmış ilk Farsça beyitler, Nizâmî-i Gencevî'ye (ö. 610/1213-1214) ait kabul edilmektedir. İlk müstakil sâkinâme yazarının Selmân-i Sâveci (ö. 778/1376) olduğu görüşü ise yerinde değildir. Hâfız-i Şîrâzî'nin (ö. 792/1389-1390) müstakil sâkinâme olarak kabul edilen mesnevîsi ise yazıldığında bu adla anılmamış olmalıdır.

Türk edebiyatında, İran edebiyatındaki benzer nazım şekilleriyle kaleme alınan sakinamelerin yanında, aynı konuları içeren terkib-i bentlerin yazılması özellikle Bağdatlı Rûhî (ö. 1014/1605) ile yaygınlık kazanmıştır. Onun bu manzumesiyle Şeyh Abdüsselâm Peyâmî-i Kirmânî'nin (ö. 1004/1595-1596) Farsça sâkinâmesi arasındaki irtibat dikkat çekicidir.

Anahtar Kelimeler: Türk Edebiyatı, Fars Edebiyatı, Sakiname, Rûhî-i Bağdâdî, Peyâmî-i Kirmânî.

1. Kırıkkale Üniversitesi Rektör Yardımcısı

ساقی نامه نویسی در ادبیات فارسی و ترکی

عدنان کاراسماعیل اوغلو^۱

تعامل بین ادبیات فارسی و ترکی موضوع تحقیق بسیاری از پژوهشگران بوده است. ایران و ترکیه از نظرگاه ادبیات تطبیقی دارای سابقه‌ای بسیار غنی هستند اما درباره‌ی این مبحث در قرن اخیر برخی ارزیابی‌های بحث‌انگیز هم صورت گرفته است. این مقاله به سنت ساقی‌نامه نویسی در ادبیات ترک و فارس پرداخته و در این باره اطلاعاتی ارائه خواهد داد.

در ادبیات ایران ساقی‌نامه بیشتر به شیوه نظم مثنوی در بحر متقارب به رشته تحریر درآمده است. در این اشعار^۲ خطاب به ساقی ارزشهای اخلاقی، فلسفی، و عرفانی همچون فانی بودن دنیا و عدم دلبستگی به آن با بهره‌گیری از قدح و ساقی و شراب و مانند آن گوشزد می‌گردد. شاعران درباره‌ی نظم، وزن، و افزودن برخی الحاقات به محتوای ساقی‌نامه تاحدودی آزادی عمل از خود نشان داده‌اند.

ساقی‌نامه‌نویسی در ادبیات ترک هم جایگاهی بسیار مهم داشته است و احتمالاً چندصد نفر از شعرای ترکی گوی در وجوه گوناگون نظم به ساقی‌نامه نویسی پرداخته‌اند.

اولین ابیات مورد پذیرش که با محتوای ساقی‌نامه در ادبیات فارسی سروده شده اند مربوط به نظامی گنجوی (متوفی به سال ۶۱۲) است. دیدگاهها درباره‌ی این که سلمان ساوجی (متوفی به سال ۷۷۸ هجری) اولین ساقی‌نامه‌مستقل را پدیدآورده است صحیح نیست. مثنوی حافظ شیرازی (وفات ۷۹۲ هجری) که از آن با عنوان ساقی‌نامه‌مستقل یاد می‌شود در زمان سرایش عنوان ساقی‌نامه نداشته است.

در ادبیات ترک، علاوه بر نگارش ساقی‌نامه‌هایی مشابه با سبک نظم در ادبیات فارسی، ساقی‌نامه‌هایی با همان محتویات به صورت ترکیب بند به خصوص توسط روحی بغدادی (متوفی به سال ۱۰۱۴ هجری) عمومیت یافته است. ارتباط بین منظومه‌رواحی بغدادی با ساقی‌نامه فارسی شیخ عبدالسلام پیامی کرمانی (متوفی به سال ۱۰۰۴ هجری) نیز جالب توجه است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات ترک، ادبیات فارسی، ساقی‌نامه، روحی بغدادی، پیامی کرمانی.

Emirî'nin Şiirinde Hafız Etkisi

Serpil KOÇ KONUKSEVER¹

Emirî mahlâsıyla bilinen şâir, XVI. yüzyıl Osmanlı divan şâirlerindedir. Şâirin gerçek adı, ailesi, doğum tarihi ve yeri ile hayatının diğer safhaları hakkında tezkirelerde ve diğer kaynaklarda aydınlatıcı bilgiler olmamakla beraber, şiirlerinden XVI. yüzyıl Osmanlı Devleti'nin önde gelen padişahlarından Kanûnî Sultan Süleyman'ın saltanatının sürdüğü 1520-1566 yılları arasında yaşadığı anlaşılmaktadır. Şâir, Farsça şiirlerden oluşan divanını Sultan Süleyman adına kaleme almıştır. Bu divan; gazel, rubai ve kıta gibi nazım türlerinden oluşur. Ancak Emirî'ye asıl şöhret kazandıran söylediği gazeller olmuştur. Bu söylediği gazellerde; Hâfız, Emir Hüsrev, Câmî gibi İranlı büyük şâirlerin tesirinde kalmış ve onların üslubunu izlemiştir. Özellikle Hâfız, Emirî'yi İranlı diğer büyük şâirlerden daha çok etkilemiştir. Bu bildiride, "Emirî'nin Gazellerinde Hâfız Etkisini" her iki şâirin gazellerinden verilen beyit örnekleriyle göstermeye çalışılacaktır.

Anahtar Kelimeler:Emirî, Hâfız, Gazel

1. İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Fars Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı Araştırma Görevlisi

تأثیر حافظ بر شعر امیری

سرپیل کوچ کنو کسور^۱

امیری یکی از شاعران دربار امپراطوری عثمانی در قرن شانزدهم میلادی است. از زندگی او در هیچ یک از تذکره‌ها و آثار ادبی جز گزارش‌هایی کوتاه در دیوانش^۲ ذکری به میان نیامده است. وی حدود سال‌های ۱۵۲۰ تا ۱۵۶۰ در استانبول و در دربار سلطان سلیمان قانونی زندگی می‌کرد و دیوانش را به نام سلطان سلیمان سروده است.

قالب‌های شعری دیوان امیری در برگیرنده غزل، رباعی، و قطعه است. بیشتر شهرت امیری مدیون غزل‌های اوست که غالباً تحت تأثیر شاعران بزرگ ایرانی^۳ از جمله امیر خسرو دهلوی، عبدالرحمن جامی، و حافظ شیرازی سروده است. تأثیر حافظ بر غزل‌های امیری بسیار گسترده‌تر از دیگر شاعران است و می‌توان او را در غزل پیرو سبک حافظ شمرد. این مقاله به بررسی تأثیر حافظ بر غزل‌های امیری می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: حافظ، امیری، غزل.

TÜRKÇE'DE FARS KÖKENLİ ALINTI KELİMELER

Doç.Dr. Kübra Kuliyeva¹

Dillerin gelişimi halklar ve milletler arasında ilişkilerin yoğunlaşması, toplum içinde vukubulan yenileşmeleri yansıtması, dil dışı etkilere karşı mücadelesi, kelime türetiminin yoğunluğu ve diğer meselelerle nitelenmektedir. Dillerin gelişimini ve karşılıklı surette zenginleşmesini şartlandıran temel etmenlerden biri akraba dillerin birbirinden, ayrıca değişik sistemli dillerden dil birimlerini ve bir kısım dilsel unsurları alma prosesidir.

Eski ve çağdaş diller arasında tarihsel ilişkilerin seviyesi alıntı kelimelerle belirlenir ve onların dilbilimde araştırılma tarihi eskilere dayanmaktadır. Dil kendi gelişim sürecinde çeşitli etkilere maruz kalıyor. Bunun ortaya çıkma biçimleri değişiktir. Bu biçimlerden biri diğer dillerden kelimelerin alınmasıdır.

Herşeyden önce şunu söyleyelim ki, alıntı kelimeler dilin sözvarlığında mütemadi nitelik taşır. Çünkü dilin sözvarlığı bilhassa toplumda vukubulan sosyal-siyasal ve kültürel değişimler, insanların idrak etme faaliyetleriyle ilgilidir. Değişik dillere, özellikle de Fars ve Arap dillerine özgü alıntı kelimeler günümüz Türkçe'nin sözvarlığı yönünden zenginleşmesinde, milli edebi dil gibi biçimlenmesinde önemli role sahip olmuştur.

İstatistiğe göre tarihen Türkçe'de kullanılan Fars ve Arap asıllı kelimeler edebi dilin işlevsel biçemlerinde -bedii edebiyatın ve bilimsel eserlerin dilinde sözvarlığının temelinin %90'nını oluşturmuştur. Bu kelimelerin nispi oranı Osmanlı İmparatorluğu döneminde daha yüksekti.

Yapılmış araştırmalar Türk edebi dilinin sözvarlığında işleklik kazanmış alıntı kelimeleri nicelik açısından

1. Azerbaycan Milli Bilimler Akademisi

sıraladıkta Fars dilinin üçüncü sırada yer aldığı ve Fars asıllı alıntılarının sözcük varlığının %2.5'ini oluşturduğunu gösteriyor.

2005 senesinde Türk Dil Kurumu'nca basılmış "Türkçe Sözlük"te 1374 Fars asıllı kelimenin bulunduğu dikkati çeker. Sözlükte geçen kelimelerden asırlarca Türkçe'de ve diğer Türk dillerinde kullanagelen ayna, azar, bahar, damat, kemer, leke, efsane, cengaver, эццстан, щане ve diğer yüzlerce kelimeyi örnek olarak verebiliriz.

کلمات اقتباس شده از زبان فارسی در زبان ترکی

کبری قولی اوا^۱

پیشرفت زبان‌ها با غنی شدن روابط بین مردم و ملل، انعکاس تداعی‌های وقوع یافته در جامعه، مقابله با تأثیرات برون زبانی، غلظت تولید کلمات، و مسائل دیگر تفسیر می‌شود. یکی از فاکتورهای اصلی پیشرفت زبان‌ها و غنی شدن متقابل آن‌ها، گرفتن کلمه از زبان‌های همسایه است. یکی دیگر از فاکتورهای اصلی پیشرفت زبان‌ها مرحله‌ای است که در آن زبان‌های همسایه با یکدیگر تبادل کلمات دارند و گروهی از عناصر و همچنین واحدهای زبانی را از زبان‌های نظام‌مند به عاریت می‌گیرند.

سطح روابط تاریخی بین زبان‌های باستان و معاصر با کلمات اقتباس شده مشخص می‌شود و تاریخ زبان‌شناختی آن به دوره‌های پیشین بر می‌گردد. زبان در طی تحولات طبیعی خود در معرض تغییرات متفاوتی قرار می‌گیرد. یکی از این صورت‌ها، کلمات اقتباس شده از زبان‌های دیگر است. قبل از هرچیز باید ذکر کنیم که کلمات اقتباس شده در دایره لغت کیفیتی متمادی در پی دارند. زیرا دایره لغت زبان بخصوص در اختلافات وقوع یافته اجتماعی - سیاسی و فرهنگی با فعالیت‌های قابل درک انسانی مرتبط است. کلمات اقتباس شده مختص به زبان‌های دیگر مخصوصاً کلمات فارسی و عربی در غنی شدن از نظر دایره لغات زبان ترکی امروزی^۲ همانند شکل‌گیری زبان ادبی علمی جایگاه ویژه‌ای دارد.

براساس دانش زیبایی‌شناسی در اشکال کاربردی زبان ادبی کلمات اصلی فارسی و عربی استفاده شده در ترکی در زبان آثار علمی و ادبیات بدیعی ۹۰ درصد فرهنگ لغت را تشکیل می‌دهد. مقیاس نسبی این کلمات در دوره امپراطوری عثمانی گسترده‌تر بود.

طبق تحقیقات انجام شده در فرهنگ لغت زبان ادبی ترکی از جهت چگونگی کلمات اقتباس شده مورد کاربرد، زبان فارسی در رده سوم قرار گرفته و کلمات اصلی فارسی اقتباس شده ۲/۵ درصد از فرهنگ لغت را تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۰۵ در فرهنگ لغت ترکی که در سازمان زبان ترکی چاپ شده، ۱۳۷۴ کلمه فارسی پیدا می‌شود. از کلمات فرهنگ لغت کلماتی که قرن‌ها در زبان ترکی و دیگر زبان‌های ترک استفاده شده آینه، آذر، بهای داماد، کمر، لکه، افسانه، جنگاور، و ... صدها کلمه را می‌توان مثال زد.

کلیدواژه‌ها: کلمات، اقتباس، فارسی، ترکی.

Hazinî ve Farsça Eserleri

Mehmet Mahur Tulum¹

A. Hazînî

Hazînî, ilk defa II. Selim'in saltanat döneminde (1566-1574), şeyhi Seyyid Mansur' dan almış olduğu icazetle bir Yesevî tekkesi kurmak ve Yeseviyyetarikatınınâdab ve erkânını Anadolu coğrafyasında yaymak amacıyla İstanbul'a gelmiş son Yesevî şeyhi ve geride bıraktığı eserleriyle Yesevî çalışmalarının biricik menbaıdır.

Eserlerinde birçok kez Hisâr-ı Şâdmânlı olduğunu söyler. Bugüne kadar yapılan yayımlardaki Hazînî'nin doğum yeri ve hayatıyla ilgili verilen bilgilerde, 'Hisar vadisi' coğrafya adlandırmasından hareket edilerek onun Tacikistan sınırları içinde bulunan 'Hisar' bölgesinde dünyaya geldiği kabul edilmektedir. Halbuki Kaptân-ı Deryâ Seydi Ali Reis'in (1498-1562) *Mirââtü'l-Memâlik* 'inde verdiği bilgiler bu kabulün yeniden gözden geçirilmesini icap ettirir:

*Vilâyet-i Tûrân-zemînede YaŖni Mâverâü'n-nehr' de VâkıŖ
Olan Ahvâli Beyânîder*

*Ŗol gün ki köpriden Ŗubür olunup Tûrân-
zemîne yaŖni Mâverâü'n-nehr' edâhil olduk, ol gün anda
ârâmidü pirtesirevâne olup Bâzâr-ı Nev'e andın kaŖaba-i
ÇehârŖenbih' evarilup Hâce YaŖküb -ı ÇerŖiziyâret olunup
andın Çegâniyân' ayaŖni Hisâr-ı Ŗâdmân'a varıldı (Torino
Nûshası, 50b: 8-13).*

Buna göre, tarihen bugünkü Özbekistan'ın Surhanderya vilâyetinin Ŗorçi, Denav, Seriasiya ve kısmen Cerkorgan yerleşim merkezlerinin kapladığı coğrafyada Karatag ırmağı boylarına kurulmuş Çegâniyân şehrinin diğeri bir adı da Hisâr-ı Ŗâdmân'dır ve Hazînî'nin asıl yurdu da burasıdır.

1. Anadolu Üniversitesi Öğretim Üyesi

Hazîni'nin, Köprülü'nün vefatından sonra ortaya çıkan ve konuyla ilgili bilim çevrelerinin kısa tanıtma yazılarıyla varlıklarından ve kısaca muhtevalarından haberdar edildiği diğer eserleri Farsça'dır.

C. Farsça Eserleri

1. Hüccetü'l-ebrâr

Paris Bibliothèque Nationale Farsça Bölümü elyazmaları arasında 263 numara ile kayıtlı bir mecmuanın içindedir. Hazîni mecmuası olarak da isimlendirilir. Bu mecmuanın 103b-173b varakları arasında yer alır. Nestalik yazıyla yazılmış olup toplam 2020 beyitten müteşekkildir.

Satır sayısı 11 ila 15 arasında değişir.

2. Tesellâ'ul-kulûb

Yukarıda zikredilen mecmuanın 2a-84b varakları arasında bulunur. Manzum ve mensur karışık olarak kaleme alınmıştır. Mevlana mesnevisinin ilk üç beytinin şerhiyle onun menkıbelerini konu almaktadır. Ebu'l-Muzaffer Zahir Muhammed Giray Han'ın oğlu Mübarizeddin Şirvan Giray Bahadır Sultan'a ithafen yazılmıştır. Bu bilgi doğrultusunda müellife ait eldeki eserlerin en eskisi olduğu söylenebilir.

3. İki adet Terci-i Bend

Aynı mecmuanın 85-93 varakları arasında yer alır. Her ikisi de mersiye türündedir. "Der-mersiyye ve tarih-i vefat-ı merhume" başlığıyla annesinin ölümü üzerine yazılmıştır.

4. Farsça Divan

Konya Selçuk Üniversitesi öğretim üyelerinden İbrahim Kunt tarafından doktora tezi olarak hazırlanmıştır. İhtiva ettiği gazel sayısı göz önüne alındığında Türk-fars edebiyatının en hacimli divanları arasında yer alır. Yazma nüshanın muhtevası şu şekildedir: Birinci yaprağın b yüzü ile 274. yaprağın a yüzü arasında alfabe sırasına göre dizilmiş 1102 gazel, 274^b-280^a arasında 3 kaside, 280^b-281^b arasında 3 tahmis, 282^a-284^a arasında

10 kıt'a, 284^b-290^b arasında 81 rubaî ve vr. 291^{a'}da bir Mesnevî bulunmaktadır.

5. Câmî'ü'l-mürşidîn

Berlin kütüphanesinde bulunmaktadır. Bilinen tek nüshadır. Müellif nüshası olduğu tahmin edilmektedir. Yesevîliği konu alan menkıbevi tarzda bir eserdir. 114 varak hacminde olup nestalik hattıyla yazılmıştır. Yazılış tarihi 1594'tür. Dört bölümden oluşur: Nakşibendiyye, Yeseviyye, Kübreviyye, Aşkiyye. Tarikat silsileleri ve pirleri hakkında bilgiler ihtiva eder.

MİRZA RIZA HAN ARFOİD DEVLE KİMDİR?

Yard. Doç. Dr. Güller NUHOĞLU¹

Arfoid Devle Mirza Han Rıza Daniş İranlı diplomat, şair. 1854'te Tebriz 'de doğdu ve aynı yerde eğitimine başladı. Necef'e gidip eğitimine devam etmek istiyordu. Ancak Tebriz'deki büyük sel felaketi sebebiyle bu isteği gerçekleşmedi. İstanbul'a giderek bir Rum okulunda eğitim gördü. İngilizce ve Fransızca öğrendi. Sonra Tiflis'e gidip Rusça ve Tarih eğitimi aldı. Mirza Feth Ali Ahundzâde'nin etkisinde kaldı. Farsça alfabenin değişikliğiyle ilgili bir tez hazırladı. Bu teşebbüsünden dolayı Mirza Malkom Han tarafından Daniş sıfatını aldı. 1886-87'de St. Petersburg'da İran sefaretinin tercümanlığını yaptı. 1894-1901 arasında aynı sefaretin İran sefiri oldu. Muzafferüddün Şah tarafından Arfoid-Devle ünvanını aldı. Daha sonra İran'ın İstanbul elçiliği görevini üstlendi. Son resmi vazifesi Birleşmiş Milletler'de İran temsilciliği idi. 8 yıl süreyle bu görevi yaptı. 1931'de Monako'ya gitti ve 1938'de öldü.

1. İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Fars Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı Öğretim Üyesi

میرزا رضاخان دانش کیست؟

دکتر گلر نوح اوغلو^۱

میرزا رضاخان دانش^۲ شاعر، نویسنده، و دیپلمات ایرانی در سال ۱۲۷۰ قمری در تبریز به دنیا آمد. در همان شهر علوم زمان خود مانند فقه، اصول، تفسیر، علم رجال، صرف، نحو، حکمت، منطق، بیان، و عربی را فراگرفت. برای تکمیل تحصیلات می خواست که به نجف برود ولی به علت سیلی بزرگ در تبریز نتوانست این آرزویش را به عمل آورد. پس از چندی به استانبول رفت و به تحصیل در مدرسه یونانی ها پرداخت و در آنجا زبان ترکی استانبولی، یونانی، فرانسوی، و انگلیسی فرا گرفت. سپس به تفلیس رفت. در آنجا نیز زبان و تاریخ روسی آموخت. در سال ۱۳۰۰ قمری در تفلیس به نیابت اول سرکنسولی رسید. سپس به سفارت ایران در روسیه و عثمانی منصوب شد. پس از جنگ بین المللی اول به عنوان نمایندگی دولت ایران در دیوان لاهه شرکت کرد و یک مثنوی به نام *مثنوی صلح سرود*. و آن را به تمام سلاطین و رؤسای جمهور ارسال کرده است. این مثنوی محل توجه واقع شد و به چند زبان ترجمه گردید. این شعر را فرید کام دانشمند معروف به زبان ترکی برگرداند. میرزا رضاخان غیر از مثنوی صلح بیشتر از ده رساله منظوم و مثنوی در زبان های فارسی، ترکی، و فرانسوی منتشر کرده است. بعد از صلح لاهه بازنشسته شد. مدتی در فرانسه اقامت گزید. سپس به ایران آمد و به وزارت عدلیه منصوب شد. آخرین پست دولتی وی نمایندگی ایران در جامعه ملل بود. پس از هشت سال از این سمت نیز کنار گذشته شد و در سال ۱۳۵۷ قمری در تهران در گذشت.

Hırvatistan Arşivlerindeki Farsça Elyazmaları

Cihan Okuyucu¹

Bu tebliğ merkezi Ankarada bulunan Yunus Emre Enstitüsü'nün desteklediği, altı Balkan ülkesini kapsayan bir proje çerçevesinde Hırvatistanın başkenti Zagrepte (Strossmayerov trg 2, Zagreb) bulunan Orijental nazır Arhive (HAZU)'de yapılan bir inceleme sonuçlarına dayanmaktadır. Diğer Balkan ülkeleri gibi büyük kısmı itibarıyla yaklaşık 4 asır Osmanlı idaresinde kalan Hırvatistanda da oldukça zengin bir elyazması varlığı bulunmakta ve bunların da neredeyse tamamı yukarıda adı belirtilen HAZU bünyesinde muhafaza edilmektedir. 1867 yılından beri faaliyette bulunan HAZU bünyesinde yer alan eserlerin bir kısmı asrın başında bu kurum adına çalışan meşhur tarihçi Babinger tarafından toplanmış eserlerdir. Osmanlılar hakim oldukları topraklarda sadece Türkçenin değil Arapça ve Farsçanın da taşıyıcıları ve temsilcileri olmuşlardır. Bu kapsamda HAZU bünyesinde yer alan toplam 3318 elyazmasının büyük çoğunluğudönemin ilim dilinin Arapça olması itibarıyla Arapça eserler teşekkül etmektedir. Koleksiyonda yaklaşık 1000 adet Türkçe yanında 276 adet Farsça -veya Farsça/Türkçe- eser de bulunmaktadır. Değişik konular arasında Farsça eserlerin ağırlıklı olarak edebi türlere ait oldukları dikkat çekmektedir. Mesela Şeyh Sadinin Gülistan ve Bostan isimli eserlerinin nüsha toplamı 30, F. Attarın Pendname ve diğer eserlerinin nüsha toplamı 20 civarındadır. Molla Cami, Mevlana ve diğer meşhur şairlerin eserleri de bunları takip etmektedir. Muhtelif şairlere ait divanların,

1. Süleyman Şah Üniv / İSTANBUL

mesnevilerin, manzum sözlüklerin, inşa mecmualarının vs. yer aldığı koleksiyonda Abdullah Hatifi'nin Timurname'si ve Firdevsinin Şehnamesi gibi bazı minyatürlü eserler de mevcuttur.

Yukarıda adı geçen Yunus Emre Enstitüsünün desteği ve mensubu bulunduğum **Süleyman Şah Üniversitesi**'nin izniyle 2014 Şubatında 15 gün süreyle HAZU'da bulunmak ve bir kısmı metinde belirtilen eserleri görüp kataloglamak imkanı buldum.Şu ana kadar HAZU koleksiyonunun basılı bir kataloğu bulunmadığı için burada muhafaza edilen eserlerin henüz bilim dünyasınca pek bilinmediği mülahazasıyla Tahran Konferansında meslektaşlarla bu bilgileri paylaşmanın isabetli olacağını düşündüm.

Türkiye’de Fars Dili Öğretimi: İmkânlar ve Sorunlar

Prof. Dr. Derya ÖRS¹

Türkiye’de Fars dili öğretimi oldukça uzun bir geçmişe sahiptir. Osmanlı Devleti medreselerinde ders olarak okutulan Fars dili, Tanzimat’tan itibaren açılan modern okulların da ders programı içinde yer almıştır. Cumhuriyet döneminde üniversitelerde öğretilmeye devam edilen Fars dili, bugün de Türkiye’de öğretilen yabancı diller arasında önemli bir yer tutmaktadır. Bu makalede Türkiye’de Fars dili öğretiminin kısa geçmişi, bu konuda mevcut imkânlar ve sorunlar değerlendirilecektir.

1. Türk Dil, Tarih ve Kültür Yüksek Kurumu Başkanı

آموزش زبان فارسی در ترکیه: امکانات و مشکلات

دریا اورس^۱

آموزش زبان فارسی در ترکیه قدمت بسیار دیرینه‌ای دارد. زبان فارسی که در مدارس دولت عثمانی به عنوان واحد درسی تدریس می‌شد، در مدارس جدیدی که بعد از دورهٔ تنظیمات دایر شدند نیز در برنامه‌های درسی جای گرفته است. آموزش زبان فارسی که در دورهٔ جمهوری نیز در دانشگاهها ادامه پیدا کرده است، امروزه در میان یکی از زبانهای مهم خارجی که در ترکیه تدریس می‌شود قرار دارد. در این مقاله گذشتهٔ کوتاه آموزش زبان فارسی در ترکیه و امکانات و مشکلات موجود آن مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: آموزش، زبان فارسی، ترکیه، امکانات، مشکلات.

YAZARLARIN KALEMİNDEN ÇOK YÖNLÜ İRANLI ŞAİR FURUĞ FERRUHZAD

Prof. Dr. Fatma ÖZTÜRK¹
YL Öğr. Maryam ZİAEİ²

Edebiyat, özellikle de şiir, ülkelerin uygarlık seviyeleri, coğrafi, kültürel farklılıkları ve çeşitliliklerine rağmen, ortak duyguları, hayalleri vurgulayabilir ve başka kültürlerde de bu anlatılar gereğince anlaşılabilir. İran ve Türkiye gibi Ortadoğu ülkeleri, dini ve kültürel olarak yakın olduğundan birbirlerini anlamaları daha kolay olacaktır. Bütün dünyada özellikle Ortadoğu'da kadına verilen önem tartışma konusu olmaktadır. Ancak, son dönemlerde bu durum değişim göstermekte ve kadına verilen değer ve yargılar değişmektedir. Bu iki yakın ülke arasındaki etkileşim de oldukça fazla olduğundan değişim süreçleri de birbirine yakın yaşanmaktadır. Osmanlı döneminde edebiyat ve şiire verilen önemden dolayı Farsça'nın önemli bir yeri olmuştur, bu yüzden Osmanlı padişahları da, çok iyi Farsça biliyorlardı. Günümüzde halen, bu etkileşim devam etmektedir. Etkileşimlerin hızlı olduğu çağdaş dünyada özellikle Furuğ Ferruhzad Türkiye'de tanınan bir şairdir.

İran'ın 20.yüzyılda yetiştirdiği en önemli kadın şairlerindendir. İnsan ve kadın haklarına duyarlılığının temsilcisi olması nedeniyle, tüm ülkelerin dikkatini çekmiş ve ödülleriyle tanınmıştır.

1964'te İtalya, Almanya ve Fransa'ya seyahat etmiş, İtalyanca ve Almanca öğrenmiştir. Bir yıl sonra UNESCO, Furuğ'nun hayatını anlatan 30 dakikalık bir film yapmıştır, çünkü onun şiiri ve sanatı artık yalnızca İran coğrafyasına ait değildir.

Türkiye'de, yazar Elif Şafak "Şemspare" isimli deneme türündeki seçki çalışmalarından oluşan romanında, şair'in yaşamındaki zorlukları, iyi eserler verebilmek için cüzzam

1. G.Ü. Mesleki Eğitim Fakültesi Giyim Endüstrisi ve Moda Tasarımı Eğitimi Bölümü TÜRKİYE- Ankara fozturk@gazi.edu.tr

2. G.Ü. Eğitim Bilimleri Enstitüsü Yüksek Lisans Öğrencisi TÜRKİYE - Ankara maryamzai@gmail.com

hastaları ile birlikte aynı ortamı nasıl paylaştığını, sosyal olaylara karşı duyarlılığını anlatır.

Michael Hillman “Yalnız Kadın” adıyla onun hayatını ve şiirlerini 1987 yılında yayınladı.

Ferruhzad’ın şiirlerinde derin ve gizemli, hatta evladından ayrı kalmanın hüznü ile yalnızlığı hissedilir. Ayrıca şiirlerinde, kadın sorunlarına ve kadına karşı ayrımcılığın tüm toplumlardaki durumuna dikkat çekmek istemiştir. Özellikle, İranlı kadınların daha iyi hak ve koşullara kavuşması ve dönemindeki “şah” yönetiminin baskıcılığına karşı çıkmıştır.

Araştırmada, çok yönlü şairin yaşam savaşı, cesur ve güçlü kalemi üzerine örnekler verilecektir.

Anahtar Kelimeler: şair,şiir,sanat, sosyal yaşam tarzı, kadın hakları.

فروغ فرخزاد شاعر ایرانی پر آوازه به تعبیر نویسندگان

فاطمه اوزتورک^۱

مریم ضیائی^۲

ادبیات، مخصوصاً شعر، سطح آگاهی هر جامعه، تفاوت‌ها، تنوع‌های جغرافیایی و فرهنگی، احساسات مشترک تخیلات قابل ذکر و تعبیری که در فرهنگ‌های دیگر هم ملزوم به تفهیم می‌باشد را در بر دارد. مفهوم این موضوع برای کشورهای خاورمیانه نظیر ایران و ترکیه به دلیل نزدیکی مرزهای دینی و فرهنگی آسان‌تر خواهد شد.

در تمام دنیا مخصوصاً خاورمیانه توجهی که به زن می‌شود موضوع قابل بحثی است که در عهد اخیر این وضعیت شاهد تغییر بوده و ارزش‌ها و داوری‌های زنان در حال تغییر است. تطور این تغییر در بین این دو کشور نزدیک بهم در حال ادامه یافتن است. اهمیتی که در دوره عثمانی به شعر و ادبیات داده شد، جایگاه زبان فارسی را بیش از پیش نمایان ساخت؛ به همین دلیل پادشاهان عثمانی هم زبان فارسی را خیلی خوب می‌دانستند. در حال حاضر نیز این تأثیر ادامه دارد. سرعت پیشرفت این عوامل در دنیای امروزی منجر به شناخت فروغ فرخزاد در ترکیه شد. فروغ شاعر ایرانی قرن بیستم، به عنوان نماینده‌ای از احساسات زن و بشر، مورد توجه کشورهای بسیاری قرار گرفت و با جوایزی که به اسم او اهدا شده شناخته گردیده است.

او در سال ۱۹۶۴ در کشورهای ایتالیا، آلمان، و فرانسه بوده و زبان ایتالیایی و آلمانی را فرا گرفته بود. بعد از یک سال سازمان یونسکو فیلمی ۳۰ دقیقه‌ای در مورد زندگی فروغ ساخته بود به این دلیل که فن هنر و شعر او تنها مربوط به مرزهای جغرافیایی ایران نیست.

الیف شفق نویسنده ترک در زمانی از نوع دل نوشته به اسم شمس پاره‌سختی‌های زندگی شاعر و لحظاتی از زندگی خود را که در میان جزامیان جهت ارائه آثار بهتر گذرانده بود هم‌چنین آگاهی و توجه این شاعر نسبت به مسائل اجتماعی را بیان می‌کند.

میشل هیل مان در اثری به اسم زن تنها در مورد زندگی نامه و اشعار فروغ کتابی را در سال ۱۹۸۷ منتشر کرد. در اشعار فروغ غم و اندوه فراغ از فرزند و تنهایی به خوبی نمایان است. هم‌چنین این شاعر

۱. دانشکده کارآموزی، گروه آموزش طراحی مد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مؤسسه علوم آموزشی

در اشعار خود توجه مخاطب را به سمت مسائل زنان و تفکیک اجتماعی این قشر جلب می‌کند. مخصوصاً در دوره رژیم سلطنتی برای بهبود وضع و رسیدن به حق طلبی زنان و فشار اجتماعی حاکم بر این قشر را مورد انتقاد قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: شاعر، شعر، آرایه، شیوه زندگی اجتماعی، حقوق زن.

Beyitlerdeki Sikkeler Işığında Kültürel Çıkarımlar

Gülşen sezen

Madeni para olarak da bilinen sikkeler, Osmanlı coğrafyasının ortak kültür unsurlarından yalnızca bir tanesidir. Önemli tarihi belgeler olarak geçmişimizi, birlikteliğimizi yansıtan bu görsel ve maddî kültür varlığı, şiir kadar soyut bir alanda ne gibi estetik şekillerle ortaya konmuştur sorusuna cevap aramak, makalenin temel konusunu teşkil etmektedir. Böylece Türk-İran kültürü, sikke-bilimi olarak bilinen nümismatik ve edebiyat gibi dört kıymetli alanın tek bir çerçeve altındaki yani beyit düzeyindeki varlığı çeşitli yönleriyle gün yüzüne çıkarılmış olacaktır.

Anahtar sözcükler: Sikke, Beyit, Osmanlı İmparatorluğu, Türk-İran Kültürü

کشف فرهنگ در پیرامون کاربرد سکه در ابیات

گلشن سزن^۱

پول فلزی یا سکه تنها یکی از عناصر مشترک جغرافیای عثمانی است. موضوع اصلی مقاله یافتن پاسخ به این سؤال که این موجودیت فرهنگی مادی و بصری که جزو اسناد تاریخی ما محسوب می‌شوند و در عین حال یکی از نقاط وحدت و اشتراک بینین را منعکس می‌کند، تا چه حد و به چه نحوی در یک زمینه انتزاعی به نام شعر گنجانده و از دیدگاه زیبایی‌شناسی چگونه به کار برده شده‌اند. به این ترتیب علم نومیسماتیک (سکه‌شناسی) که بیانگر فرهنگ مشترک ایران و ترکیه است در قالب ابیات تاریخی به عرصه ظهور گذاشته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: سکه، بیت، امپراطوری عثمانی، فرهنگ ایران و ترک.

**FARSİDEN TÜRKİYE DÖNDÜRMEK: MENÂKİBÜ'L-
ÂRİFİN'İN TÜRKÇE TERCÜMELERİ VE "SEBEB-İ
TE'LİF"LERİ**

Betül SİNAN NİZAM¹

Mevlânâ'nın ve çevresindekilerin menkıbelerini anlatan eserlerin en meşhuru 14. yüzyılda AhmedŞemseddînEflâkî tarafından Farsça ve mensur olarak kaleme alınan *Menâkıbü'l-Ârifîn*'dir. Mevlânâ'nın torunu Ulu Ârif Çelebi'nin isteğiyle yazılan bu eserde Eflâkî, Mevlevî büyüklerinin yaşam ve kerametlerini oldukça akıcı ve sade bir şekilde dile getirir. Bunun etkisiyle olsa gerek eser hem devrinde hem de daha sonraki yüzyıllarda çok sevilip okunmuş, ayrıca pek çok kez tam ya da muhtasar tercüme edilmiş, Farsça olarak özetlenmiştir. Daha sonra bu Farsça özetler de Türkçeye çevrilmiş, böylece edebiyatımızda Mevlânâ menkıbelerini anlatan eserler zinciri oluşturulmuştur.

14. yüzyılda kaleme alınan eserin ilk tercümesi 15. yüzyılda Zâhid b. Ârif (ö. 803/1401'den sonra) tarafından yapılan *Mahzenü'l-Esrâr*'dır. 16. yüzyılda Lokmânî Dede (ö. 925/1519) ve Yenikapı Mevlevihânesi'nin ilk şeyhi Kemâl Ahmed Dede (ö. 1010/1601 veya 1024/1615) bu mensur eseri manzum olarak tercüme etmişlerdir. Gevrekzâde Hâfız Hasan (ö. 1216/1801-02) ve Seyyid Nâsır Abdülbâki Dede (ö. 1236/1820-21)'nin de 18. yüzyılda birer tercümeleri bulunmaktadır. Nihayet 20. yüzyılda Tahsin Yazıcıeseri *Âriflerin Menkıbeleri* adıyla çevirmiştir. Bunların yanı sıra Süleymaniye Kütüphanesi'nde yazarı ve tarihi bilinmeyen bir tercüme bulunmaktadır. Ayrıca eser 3 kez İngilizceye, 1 kez Fransızcaya tercüme edilmiştir.

Bu bildiride öncelikle tasavvuf, edebiyat tarihi ve çeviribilim çalışmaları açısından büyük önem taşımalarına rağmen hak ettiği ilgiyi göremeyen *Menâkıbü'l-Ârifin*tercümeleleri hakkında bilgi verilecek ve kütüphane çalışmaları sonucu yapılan bazı tespitler aktarılacaktır. Daha sonra bu tercümelelerinsebeb-i te'lif

1. Yrd. Doç. Dr. Fatih Sultan Mehmet Vakıf Üniversitesi Edebiyat Fakültesi
Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü.

kisimlerinden hareketle kaynak metin *Menâkıbü'l-Ârifîn*'innden bu kadar çok tercüme edildiđi, bir başka deyişle mütercimleri çok defa tercüme edilen bir eseri tekrar tercüme eten sebepler (tercüme amaçları) ve tercüme yöntemleri açığa çıkarılmaya çalışılacaktır.

از فارسی به ترکی برگرداندن: ترجمه‌های ترکی مناقب‌العارفین و سبب تألیف‌هایش

بتول سینان ناظم^۱

مناقب‌العارفین مشهورترین اثر مکتوب است که در قرن ۱۴ توسط احمد شمس‌الدین افلاکی نوشته شده و آثار مکتوب مربوط به مولانا و اطرافیان‌ش را دربرمی‌گیرد. این اثر به درخواست نوه مولانا/ولو عارف چلبی نوشته شده، در این اثر، افلاکی کرامت‌ها و زندگی بزرگان مولوی را به زبان ساده و روان نوشته است. با تأثیرات به وجود آمده، این اثر هم در زمان خودش و هم در قرن‌های بعدی مورد اقبال واقع شده، علاوه بر این دفعات زیادی هم به صورت مختصر ترجمه شده، به فارسی خلاصه گردیده است. بعدها این خلاصه‌های فارسی هم به ترکی ترجمه شده، به این صورت در ادبیات ما آثار زیادی در مورد کتیبه‌های مولانا نوشته شده است.

اولین ترجمه این اثر که در قرن ۱۴ نوشته شده در قرن ۱۵ توسط زاهد عارف با عنوان مخزن‌الاسرار نوشته شده است. در قرن ۱۶ لقمانی و اولین شیخ ینی کاپی مولوی خانه، کمال احمد، شکل منظوم این اثر منشور را ترجمه کرده‌اند. ترجمه‌های حافظ حسن گورکزاده و سید ناصر عبدالباقی هم در قرن ۱۸ مطرح شده است. در نهایت در قرن ۲۰ اثر با عنوان کتیبه‌های عارفان توسط تحسین یازیجی ترجمه شده است. در کنار این موارد، در کتابخانه سلیمانیه یک ترجمه وجود دارد که تاریخ ترجمه نویسنده‌اش معلوم نیست. علاوه بر این، اثر سه بار به انگلیسی و یک بار به فرانسه ترجمه شده است.

در این مقاله ابتدا به کتاب مناقب‌العارفین که علی‌رغم اهمیت آن از لحاظ تصوف، تاریخ ادبی، و علم ترجمه به آن رغبت لازم نشان داده شده است، خواهیم پرداخت. بعد در بخش سبب تألیف کتاب به بررسی دلیل ترجمه زیاد این کتاب و پرداختن به ترجمه‌های این کتاب و روش‌های ترجمه این کتاب خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: ترجمه ترکی، مناقب‌العارفین، سبب، افلاکی.

MÜVERRİH MUSTAFA ÂLÎ VE FARŞÇA DİVANITURGAY ŞAFAK¹

Yüzyıllar boyunca birlikte ve iç içe yaşamış olan Türkler ve Farşlar bu birliktelik boyunca birbirlerinin kültür sanat ve edebiyatlarından etkilenmişlerdir. Osmanlı dönemi yetişen Türk şairler İslam medeniyetinin üç ortak dili olan el sine-i selase ile yani Türkçe, Arapça ve Farşça şiirler yazıp divanlar oluşturmuşlardır. Bunlardan biri de ünlü bir tarihçi ve devlet adamı olan Gelibolulu Mustafa Âlî'dir.

Gelibolulu Mustafa Âlî, tarih, edebiyat, siyasetname, adab, görgü kuralları ve ahlak konularında yazmış olduğu eserlere ilaveten şairlik yönüyle de kendisinden söz ettirmiş bir şahsiyettir. Velûd bir şair olan Mustafa Âlî dördü Türkçe, biri Farşça olmak üzere beş divan meydana getirmiştir.

Mustafa Âlî muhtelif eserlerinde Farşça şiirler yazdığından ve bir Farşça divanı olduğundan bahsetmekte ve Farşça şiirlerinden bazı örnekler nakletmektedir. Ancak, şu ana kadar hiçbir kütüphanede divanının nüshasına rastlanmamıştır.

Tarafımızdan Türkiye dışındaki bir kütüphanede bulunan divanın ilk ve son varakları eksiktir. Yapmış olduğumuz incelemede divanı müellifin diğer eserlerinde aktarmış olduğu Farşça şiirlerle karşılaştırılarak kendisine ait olduğu tespit ettik. Toplam 424 gazel, 39 rubai ve birkaç kıta yer almaktadır. Mustafa Âlî Farşça şiirleri yazarken büyük oranda Hafız-ı Şirazî'yi kendisine örnek almış ve Hafız'ın gazellerine nazireler yazmıştır.

Bu makale'deki ülke, kültür, sanat, edebiyat ve dillerinin birbirlerinden etkilenmelerini ortaya koyan önemli bir eser olan Mustafa Âlî'nin mezkûr Farşça divanı incelenecektir.

1. Dr. İstanbul Medeniyet Üniversitesi, turgaysafak@yahoo.com

مورخ مصطفی علی و دیوان فارسی وی

تورگای شفق^۱

طی قرن‌ها اقوام ترک زبان و فارس‌زبانی که با هم زندگی می‌کردند از لحاظ فرهنگی، هنر، و ادبیات تحت تأثیر هم قرار گرفته‌اند. شاعران ترک که در دوره عثمانی می‌زیستند هرکدام دیوان‌هایی به سه زبان مشترک رایج در تمدن‌های اسلامی با عنوان لسان ثلاثه یعنی به زبان‌های ترکی، فارسی، و عربی نوشته‌اند. از جمله این شاعران دولتمرد و مورخ نامدار، گلی بولولو مصطفی علی را می‌توان نام برد.

این شاعر از شخصیت‌های مهمی است که علاوه بر اینکه آثاری در زمینه تاریخ، ادبیات، سیاست نامه، آداب، آداب مشاهده، و اخلاق دارد با سبک شاعری خود در ارتباط با خویش نیز نوشته است. از وی پنج دیوان که از میان آنها چهار دیوان به زبان ترکی و یکی فارسی است به یادگار مانده است.

مصطفی علی در آثار مختلف خود از وجود دیوان فارسی و شعرهایی به همان زبان سخن گفته است و چند مورد از این سبک شعرها را بکار گرفته است. در هیچ کتابخانه‌ای تا به حال نسخه‌ای از این دیوان پیدا نشده است.

اولین و آخرین نسخه از این دیوان که در یک کتابخانه خارج از کشور کشف شده است، ناقص است. طبق بررسی‌هایی که انجام دادیم با مقایسه این دیوان با شعرهای فارسی که مؤلف اضافه کرده بود به این نتیجه رسیدیم که این شعرها متعلق به خود اوست. در کل شامل چهارصد و بیست و چهار غزل و سی‌ون و ربعی و چند قطعه است. وقتی وی شعرهایی به همان زبان می‌نوشت از حافظ شیرازی بهره‌جسته و غزل‌هایی به سبک او سرودهاست.

در این مقاله اثر مهم مصطفی علی یعنی دیوان فارسی وی که موضوعات کشور، فرهنگ، هنر، ادبیات، و تأثیر زبان‌ها از هم را در بردارد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: مصطفی علی، دیوان فارسی، نسخه.

ANADOLU'DA TASAVVUFİ EDEBİYATIN GELİŞİMİNDE FARSÇA ESERLERİN ÖNEMİ

Doç. Dr. Ali TEMİZEL¹

İnsan ve toplum bilimleri alanında kaleme alınan eserlerin düşünce ve fikirleri, genelde dünyanın her yerini, özelde ise komşu bölgeleri, yakın kültürleri, komşu toplumları ve aynı dine inan milletleri etkilemektedir. Bu etki çoğu zaman yapılan tercüme, şerhler ve nazireler aracılığıyla meydana gelmekte ve coğrafyadan coğrafyaya, toplumdan topluma ve nesilden devam etmektedir.

Geçen yüzyıllarda Farsça olarak yazılan tasavvufi eserler, on üçüncü yüzyıldan itibaren Anadolu'da tercüme, şerh ve nazire olarak kendi etkisini, nüfuzunu ve yansımalarını göstermeye başlamıştır. Anadolu'da Selçuklu ve Osmanlı devletlerinin sultanları ve vezirleri tarafından şairlerin, yazarların ve tasavvuf ehlinin teşvik ve himaye edilmesi, bunun gelişmesinde önemli rolü olmuştur.

Nizami-yi Gencevî, Feridüddin-i Atar, Mevlâna, Sadî-i Şirâzî, Hafız-ı Şirâzî, Abdurrahman-ı Câmî gibi büyük şairlerin eserleri bazen orijinal Farsça olarak, bazen de tercüme ve şerh edilerek yüzyıllarca Osmanlı medreselerinde ders kitabı olarak okutulmuştur.

Bu tür Farsça eserlerden yapılan tercüme ve şerhler, Anadolu'da hem tasavvufî Türk edebiyatının gelişmesine ve bu alan yazılan eserlerin çoğalmasına katkı sağlamış, hem de tasavvuf kültürünün Anadolu coğrafyasında yerleşmesine, ayrıca Balkan ülkelerinde ve Kuzey Afrika'da yayılmasına yardımcı olmuştur.

Farsça tasavvufi eserlerden yapılan tercüme çalışmaları Osmanlı döneminde olduğu gibi günümüzde de devam etmektedir.

1. Selçuk Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Fars Dili ve Edebiyatı Bölümü Konya-TÜRKİYE

Bu alıřmada Nizami-ye Gencevî, Feridüddin-i Atar, Mevlâna, Sadî-i Őirâzî, Hafız-ı Őirâzi, Abdurrahman-ı Câmî gibi Farsa tasavvufi edebiyatın önde gelen Őahsiyetlerin eserlerinin Anadolu'da Osmanlı ve daha sonraki dönemde yapılan Türke tercümelerinden söz edeceėiz.

Bu makaleden amacımız, Farsa tasavvufi eserlerden yapılan Türke eviri ve Őerhlerin İslam kùltür coėrafyasında dostane, özgür ve güvenli bir ortamda İslam ortak kùltür ve medeniyetin yeniden kurulmasında ve gelişmesindeki önemini ortaya koymaktır.

Anahtar kelimeler: Tasavvuf, Tasavvufi Edebiyat, Anadolu, Farsa Tercüme

نقش آثار مکتوب فارسی در رشادادبیات عرفانی در آسیای صغیر

دانشیار دکتر علی تمیزال^۱

افکار و اندیشه‌های آثاری که در عرصه‌های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی نگاشته می‌شوند، می‌توانند به طور عام سراسر جهان و به طور خاص مناطق مجاور، فرهنگ‌های نزدیک، جوامع همسایه، و ملل هم‌کیش را تحت تأثیر خود قرار دهند. این تأثیر و نفوذ عموماً از طریق انجام ترجمه‌ها و نگارش شرح‌ها و نظیره‌ها صورت می‌گیرد و از جغرافیایی به جغرافیای دیگر، از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر، و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.

آثار عرفانی نوشته شده به زبان فارسی در سده‌های گذشته، از سده هفتم هجری و از طریق ترجمه‌ها، شرح‌ها، و نظیره‌ها شروع به نشان دادن تأثیر، نفوذ، و انعکاس خود در آسیای صغیر کرد. تشویق و حمایت شعرا، نویسندگان، و اهل عرفان از سوی سلاطین و وزرای حکومت‌های سلجوقیان روم و عثمانی نیز در این امر نقش بسزایی داشت.

آثار فارسی بزرگانی چون نظامی گنجوی، فریدالدین عطار، مولانا جلال‌الدین رومی، سعدی شیرازی، حافظ شیرازی، و عبدالرحمن جامی گاه با زبان اصلی و گاه از طریق ترجمه و شرح به زبان ترکی^۲ قرن‌ها در مدارس امپراتوری عثمانی به عنوان کتب درسی مورد استفاده قرار گرفتند.

ترجمه و شرح نویسی بر این آثار از یک سو رشد و توسعه ادبیات عرفانی ترکی و افزایش آثار ترکی در منطقه آسیای صغیر (آناتولی) را در پی داشت و از سوی دیگر باعث گسترش آموزه‌های عرفانی در منطقه آناتولی و همچنین انتشار آن در کشورهای بالکان و آفریقای شمالی شد. امروزه نیز ترجمه آثار عرفانی فارسی به ترکی همانند دوره عثمانی ادامه دارد.

در پژوهش حاضر به معرفی آثاری که در ترجمه و شرح آثار نظامی گنجوی، فریدالدین عطار، مولانا جلال‌الدین رومی، سعدی شیرازی، حافظ شیرازی، و عبدالرحمن جامی به ترکی نگاشته شده‌اند، چه در دوره عثمانی و چه بعد از آن، خواهیم پرداخت.

هدف از پژوهش نیز تأکید بر اهمیت نقش ترجمه‌ها و شرح‌های ترکی بر آثار عرفانی فارسی در بازسازی و احیای فرهنگ و تمدن مشترک اسلامی در فضایی دوستانه، آزاد و امن است.

کلیدواژه‌ها: عرفان، ادبیات عرفانی، آناتولی، ترجمه از فارسی به ترکی.

15-16. Yüzyıllarda Türkiye'ye Gelen İranlı Şairler

Dr. Kadir TURGUT¹

XV. ve XVI. Yüzyıllarda İstanbul'da Bulunan İranlı Şairler
İstanbul'un fethinden itibaren siyasi gelişmelerle aynı doğrultuda gittikçe gelişen kültür hayatı İstanbul'u cazibe merkezi halinde getirmiştir. Başta Fatih Sultan Mehmet olmak üzere devlet yöneticilerinin de teşvikiyle devlet merkezi olan İstanbul'a Mısır, Arabistan, Irak, Horasan, Türkistan, İran gibi Arap ve Fars dili konuşulan bölgelerden çok sayıda bilim ve kültür adamı gelmiştir. 'Acem' genel adıyla ifade edilen İran ve Horasan bölgesinden de İstanbul'a yönelen çok sayıda bilim adamı, din adamı, mutasavvıf olduğu gibi bir çok sanatçı ve şair de İstanbul'a gelmiştir. Ayrıca bu din ve bilim adamlarından bazıları da şiirler yazmışlardır. Bu bildiride, XV. ve XVI. yüzyıllarda İran ve Horasan bölgesinden İstanbul'a gelen şairler ve şiirleri ele alınacak, hangi şairlerin İstanbul'a İran ve Horasan'dan geldikleri, İstanbul'da Türk şair ve sanatçıları arasında nasıl karşılandıkları ve eserlerinin Türk edebiyatındaki yeri incelenecektir.

1. İstanbul Üniversitesi Öğretim Üyesi

شاعران ایرانی که در قرنهای نهم و دهم هجری در استانبول بوده اند

دکتر قدر تورگوت^۱

بعد از فتح استانبول از طرف سلطان فاتح، فرهنگ و هنر هم با اوضاع سیاسی پیشرفت کرده بود و استانبول یک مرکز فرهنگی شده بود. با تشویق سیاستمداران عثمانی از مصر، عربستان، عراق، خراسان، ترکستان، و ایران بسیاری از دانشمندان به استانبول رسیده، فعالیت خود را در آنجا ادامه داده بودند. بسیار عالم و عارف و هنرمند و شاعر که از ایران و خراسان و ترکستان متوجه استانبول شده بودند در ترکیه عجم نامیده می شدند. در این مقاله به همان شاعرانی که در استانبول عجم نامیده شده بودند می-پردازیم. و پی آن هستیم که کدام شاعران از دیار عجم به استانبول آمده‌اند و در آنجا چطور استقبال شده‌اند، شعرهایشان چگونه ارزش و سنجش شده است. خلاصه در مقاله خود جای شاعران ایرانی را در ادبیات ترکی در قرن‌های نهم و دهم هجری تحقیق خواهیم کرد.

کلید واژه‌ها: شاعران ایران، قرن نه و ده، استانبول.

**FİLOLOJİK DEĞERLENDİRMELER VE
KARŞILAŞTIRMALAR:
GÜLİSTAN'IN TÜRK DİLİYLE İLK ÇEVİRİLERİ**

Yrd. Doç. Dr. Mehmet Turgut BERBERCAN¹

Çok eski zamanlardan itibaren İran kültür coğrafyasıyla yoğun temaslar kuran Türkler, İslamiyet yayıldıktan sonra, ilerleyen yüzyıllar zarfında Fars dili ve edebiyatının başlıca eserlerini tanımaya başlamış, Türk edib ve şairleri Fars diliyle yazılmış bazı eserleri örnek model almak suretiyle şekil ve muhteva açısından benzer yahut aynı isimle aranje edilmiş adaptasyon mahiyetinde bulunan çeşitli edebî eserler kaleme almışlardır. İslamiyet etkisinde gelişen Türk dilinin ilk dönemi olan Karahanlı Türkçesi döneminin başından yani 11. yüzyıldan başlayarak 15. yüzyıla kadar, Önyasya ve Balkanlarda Osmanlı devletinin bir imparatorluğa dönüştüğü dönemde Osmanlı Türkçesinin, Türkistan'da ise Mir Ali Şir Nevâyî vasıtasıyla Çağatay Türkçesinin klasik bir dil halini aldığı devre kadar, bir başka deyişle, Türk dilinin klasik bir edebiyat ve sanat dili halini aldığı devre kadar süren olgunlaşma ve hazırlık sürecinde İran edebiyatından seçilerek Türkçeleştirilmiş ve Türk diliyle özgülleştirilmiş eserlerin Türk dilinin ve doğal olarak Türk edebiyatının tarihi gelişim seyrinde etkileşim bakımından önemli bir yeri vardır. İranlı mütefekkir şair Sa'dî'nin 13. yüzyılda kaleme aldığı meşhur *Gülîstan* kitabı, bu etkiyi tüm yönleriyle örnekleyen önemli bir eserdir. Bu çalışmada, *Gülîstan*'ın Türk diliyle hazırlanmış ilk çevirileri olan 1391'de Seyf-i Serâyî tarafından yazılmış *Kitab Gülîstan bi't-Türkî*, 1397'de Sibicâbî'nin telif ettiği *Gülîstan-ı Türkî* ve 1430'da Manyasoğlu Mahmud tarafından hazırlanmış Türkçe çeviri (adaptasyonlar) filolojik bakımdan değerlendirilerek Türk dili araştırmaları çerçevesinde karşılaştırılmıştır.

Anahtar Kelimeler: Gülîstan, Türk dili, ilk çeviriler, değerlendirmeler, karşılaştırmalar

1. Çankırı Karatekin Üniversitesi - mehturber@hotmail.com

ارزیابی‌های فیلولوژی و مقایسه‌ها: اولین ترجمه‌های گلستان به زبان ترکی

محمد تورگات^۱

از زمانهای بسیار دور، ترک‌ها که با جغرافیای فرهنگ ایران ارتباط تنگاتنگی داشتند، پس از اشاعه اسلام در قرن‌های متمادی شروع به شناخت آثار زبان و ادبیات فارسی کرده و برخی از آثار شعرا و ادیبان فارسی را به عنوان نمونه قرار داده و شروع به خلق آثاری مشابه به همان آثار از نظر شکل و محتوا کرده و نیز آنها را با یکدیگر تطبیق داده‌اند، از زمان قره‌خانی‌ها که اولین دوره زبان ترکی پس از اسلام است. از قرن ۱۱ تا قرن ۱۵ در دوران تبدیل دولت عثمانی به یک امپراطوری در جزایر بایکان و آسیای صغیر در دوران شکل‌گیری زبان ترکی عثمانی به شکل یک زبان ترکی کلاسیک به واسطهٔ علیشیر نوایی، به عبارت دیگر، در دورهٔ بلوغ ادبی و آمادگی تا دوره‌ای که زبان ترکی تبدیل به ادبیاتی کلاسیک و هنری شد، آثار منتخب ادبیات فارسی ترجمه شده به زبان ترکی یا منحصر شده به زبان ترکی به طور طبیعی دارای نقش مهمی در فرآیند پیشرفت تاریخی زبان ترکی دارند. کتاب گلستان، اثر سعدی، متفکر و شاعر قرن ۱۳، نمونهٔ اثری است که این تأثیر را با تمام جوانبش نشان می‌دهد. در این تحقیق *اولین ترجمه گلستان به ترکی* کتاب گلستان به ترکی از سیف سرایی در ۱۳۹۱ و *گلستان ترکی* از سیبجایی در ۱۳۹۷ و ترجمهٔ انجام شده توسط مایناس دوغلو محمد از فیلولوژی در چارچوب زبان ترکی ارزیابی و مقایسه شده است.

کلیدواژه‌ها: گلستان، زبان ترکی، ترجمه‌های نخستین، ارزیابی‌ها، مقایسه‌ها.

İran-Türk dil ve kültürlerarası ilişkiler kontekstinde dini çeviri eserleri

Dr. Gatibe Vagifkizi¹

Etno-sosyal ilişki, çevrede ve herhangi bir toplumun bakış açısında oluşan değişiklikler mutlaka onun dil ve kültüründe kendi yankısını buluyor. İstenilen bir toplumun bir inanç sisteminden diğer bir inanç sistemine geçişi ile birlikte köklü bir kültür değişimine uğraması doğal bir olgudur. Zira bir din ya da bir inanç sistemi, toplumun tüm bireylerinin dünyaya bakışına, yaşam tarzına ve sosyal ilişkilerini etkiler. Eski türklerin, genellikle de eski uygur şehirlerinin Büyük İpek güzergahı üzerinde bulunması onlarla diğer halklar, bilhassa eski İran dilli Soğd kabileleri arasında ister istemez kültürel, sosyal ve siyasal bağlantıları oluşmasına neden oluyordu. Bu ilişkiler sonucunda eski İran dilli sogd tayfalarından Türkçe'ye çevrilen metinler eski bir kültürün göstergesi olmakla beraber, kültür ve diller arası etkileşimlerin tecessüm ettiği en önemli kaynaktır. Bu kaynaklarda kültürel ilişkilerin ve etkileşimin boyutları, hangi düzeyde olması, değişikliği gerektiren tarihi koşullar ve faktörler de kendi yankısını bula biliyor.

Çeşitli inanç sistemini içeren anıtların tercümesi sırasında Türkçe'ye çeşitli terimler ve günlük yaşam tarzını içeren çeşitli anlamlarda sözcükler girmiştir. Bu kavramlar öncelikle dini ritüellerin yerine getirilmesi, herhangi bir dini ayinin uygulanması gibi ibadetlerin açıklamasını ve izahını kapsamaktadır. Makalede kültür ve dillerarası bağlantıların oluşmasında eski döneme ait tercüme eserlerinin rolü, Türk dillerinde dini terminoloji zenginlik yaratan sözcükler ve etimolojisi, çağdaş dönemde türk dillerinde hangi düzeyde kullanılması tahlil olunacaktır.

Anahtar kelimeler: Kültürlerarası ilişkiler, Türk, İran, sogd, dini terminoloji.

1 . Azerbaycan Milli İlimler Akademisi Elyazmalar Enstitüsü

ترجمه آثار دینی در چارچوب پیوندهای زبانی و فرهنگی میان ایران و ترکیه دکتر قتیبه واقف قنزی^۱

روابط قومی - اجتماعی، محیط زیست، و یا هر تغییری که در نگاه جامعه رخ می دهد، در زبان و فرهنگ آن منعکس می شود. گذر از یک سیستم اعتقادی در یک جامعه، همراه یک تغییر فرهنگی و دارای ریشه است که از یک الگوی طبیعی پیروی می کند. زیرا یک دین یا یک سیستم اعتقادی^۲ دیدگاه تمام افراد جامعه، طرز زندگی، و روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد. ترک‌های باستان عموماً اویغورهای ساکن در شهرهای گذرگاه بزرگ ابریشم خواسته یا ناخواسته باعث ارتباط فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی با قبیله‌های ایرانی سغدی زبان شده‌اند. در نتیجه این روابط^۳ متن‌های ترجمه شده ترکی باستان از طرف طایفه‌های سغد که تجسم روابط فرهنگی و زبانی میان این دو گروه می باشد از مهم ترین منابع است. در این منابع، روابط فرهنگی و جنبه‌های تأثیرپذیری میان قبایل، فاکتورها، و شرایط به وجود آورنده تغییر قابل رویت است.

ترجمه آثار به ترکی که شامل سیستم‌های مختلف باور و اعتقاد می شود واژگان و اصطلاحات زیادی در رابطه با سبک زندگی روزمره و گذشتگان وارد این زبان کرده است. این رفتارها ابتدا با بجا آوردن قوانین و آیین‌های آن دین و بازگو کردن روش‌های عبادت و شیوه‌های مختلف آن دین بوده است. در این مقاله نقش ترجمه آثار تاریخی مربوط به پیوند فرهنگ و زبان در میان زبان‌های مختلف و آفرینش اصطلاحات و لغات غنی حاصل از وجود دین در زبان ترکی و سطح بررسی آنها در زبان‌های معاصر ترکی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: روابط بین فرهنگی، ترک، ایران، سغد، واژگان دینی.

**OSMANLI SULTANLARI VE ABDURRAHMAN CAMİ
(YAZIŞMALAR IŞIĞINDA FATİH SULTAN MEHMET VE
II. BEYAZIT İLE ABDURRAHMAN CAMİ ARASINDAKİ
İLİŞKİLER)**

Yaşar Yeşim ÖNGÜR¹

Fatih Sultan Mehmet döneminde başlayan ilim ve kültür hareketi, oğlu II. Bayezid ile devam etmiş ve o dönemlerin âlim ve şairleri dönemin Osmanlı Sultanları tarafından desteklenmiştir. Fatih Sultan Mehmet ve II. Bayezid sadece kendi ülkelerindeki âlim ve şairleri desteklemekle kalmamış, Doğu ve Batı'yı temsil eden dönemin bütün bilgelerini ve şairlerini Osmanlı Medeniyeti içerisinde birleştirmeye çalışmışlardır. Adı geçen Osmanlı Sultanları o dönemde İran'ın en meşhur âlimi ve şairi olan Câmî'ye çeşitli hediyeler ve mektuplar göndererek Câmî'ye olan saygı ve hürmetlerini göstermek istemişlerdir. Câmî de bu Osmanlı Sultanlarının göstermiş oldukları teveccühlere kendi yazmış olduğu mektuplarla karşılık vermiş, Osmanlı Sultanlarına olan sevgi ve saygısını mektuplarında göstermiştir. Câmî, Fatih Sultan Mehmet ve II. Bayezid ile yüz yüze görüşmemiş; ama iki tarafın mektuplaşma üzerine dayanan ilişkileri, Câmî'nin Osmanlı topraklarında meşhur olmasına ve saygınlığının artmasına neden olmuştur. Bu bildiride, Osmanlı Sultanları ile Abdurrahman Câmî arasındaki ilişkiler ve birbirlerine yazmış oldukları mektuplar ele alınarak incelenecektir. Aynı zamanda, dönemin Osmanlı Sultanları ile Câmî'nin birbirlerine vermiş oldukları önem gösterilmeye çalışılacaktır.

Anahtar Kelimeler: Fatih Sultan Mehmet, II Bayezid, Câmî, Osmanlı Sultanları, mektuplar.

1. İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Fars Dili ve Edebiyatı Anabilim Dalı Araştırma Görevlisi

پادشاهان عثمانی و عبدالرحمان جامی

(رابطه جامی با سلطان محمد فاتح و بایزید دوم بر پایه نامه‌ها)

یاشار یشم اونگور^۱

حرکتی که سلطان محمد فاتح در علم و فرهنگ آغاز کرده بود، توسط بایزید دوم فرزند او ادامه یافت. علما و شعرا آن دوره از حمایت‌های بی دریغ این سلاطین بر خوردار بودند. سلطان محمد فاتح و بایزید دوم نه فقط علما و شعرای کشورشان را پشتیبانی کرده‌اند بلکه به تشویق و حمایت از شاعران و دانشمندان کشورهای مختلف شرق و غرب نیز پرداخته‌اند و همه‌اهل علم و ادب در قلمرو دولت عثمانی از حمایت‌های حاکمان عثمانی بهره‌مند بوده‌اند. عبدالرحمان محمد جامیکی از مشهورترین علما و شاعران ایران است که مورد حمایت این سلاطین قرار گرفته است و چنان که از مکتوبات و نامه‌ها بین آنان بر می آید، جامی نیز ارادت و احترام خود را به آنان نشان داده است. این ارتباطات باعث شهرت و اعتبار جامی در سرزمین عثمانی شده است. در این مقاله رابطه جامی با سلطان محمد فاتح و بایزید دوم بر اساس نامه‌های رد و بدل شده بین آنان بررسی می شود.

کلیدواژه‌ها: سلطان محمد فاتح، بایزید دوم، جامی، پادشاهان عثمانی، نامه‌ها.

English Abstract

چکیده مقاله انگلیسی و ترجمه آن

Sufism in the work "Rovzatul-anvar" by Khaju Kirmani and his influence on turkish literature

Zahra Abas¹

1. Creativity of Haju Kermani attracted the attention of such prominent scientists - orientalist as S. Rye, P. Hammer, F. Erdman, Sh. Shefer, I. Pitstsi, A. Brown, A. Krimsky, E. E. Bertels, I. S. Braginsky, E. M. Meletinsky, N. Sayfieva, S. Nafisi, V. Dastgirdi, K. Ayni, Z. Safa, S. N. Kirmani, F. Koprulu, G. Aliyev, M. Kazimova, B. Guliev and others.

2. The philosophy of sufism is main part of "Khamse" by Khaju Kirmani and shows itself systematically in the lyrical themes, at the same time in the philosophical - didaktik genre. With his creative work Khaju Kirmani made so rich ancient and the contemporary traditions of philosophy and the literature of sufizm and he himself joined to the sect-searching the divine reality of spirit and became "salik" (wayfarer) on the road of "suluk" (trip).

3. Following his ancestor Nizami trying to keep up his fundamental ideas Khaju Kirmani in his work "Rovzatul-anvar" devoted the humanism ideas. In the part called "The mind elevation of human and the superiority of human among the other creatures" saying "As you haven't being stayed in this garden, there were not water and colour in the flower of existence" and expressing the philosophy of love to human being and the greatness and elevation of human who was created from the light of divine with poetic artistic ability Khaju remained as kosmoqonic master in searching the divine reality and naturally reflected the tendency of sufism of the Middle Ages and the traditions of the Contemporary sufi poetry.

4. There were stories connected with the life and activity of three great sufi Sheyrh-Abubekir Gafar ibn Yusif, Shibli Khorasani, Habib Ajami, Soltan Bayazid Bistami and the analysis of the idea

1. ANAS Institute of Literature named after Nizami. Azerbaijan. Baku

of sufism as a global system from the beginning till the Middle Ages " The philosophy of absence", " self abandonment", from non - existence to eternity" -the road identity and the evolution of spirit in this road, to make himself perfect with the cleaning soul, knowledge and make it real-all these take the main place in the creative works of Khaju saying:

"Take the road of God and give your soul", the poet praises
" selfabandonment", "divine edentity".

5. Creativity of Haju Kirmani and turkish literature.

صوفی گری در کتاب «روضه الانوار» خواجوی کرمانی و تأثیر آن بر ادبیات ترکی

زهرا عباس^۱

خلافت خواجوی کرمانی، توجه اندیشمندان شرق شناسان برجسته مانند رای، همَر، اِردمان، شِفِر، پیتسی، براون، کریمسکی، برتلز، براگینسکی، مله تینسکی، سای فیه‌وا، نفیسی، دستگردی، آینی، صفا، کرمانی، کوپرولو، علیف، کازیموا، گولیف، و دیگران را به خود جلب کرد.

فلسفه صوفی گری بخش اصلی «خمسه» خواجوی کرمانی است و خود را به صورت نظام مند در مضمون‌های غزلی و عاشقانه و همچنین در ژانر فلسفی - تعلیمی نشان می‌دهد. با این اثر خلاقانه، خواجوی کرمانی سنت‌های باستانی و معاصر فلسفه و ادبیات صوفی گری را بسیار غنی ساخته و خود نیز به جستجوی آئین حقیقت الهی روح بود و سالک راه سلوک گردید.

به پیروی از جد خویش نظامی که سعی در حفظ اعتقادات اصول خویش داشت، خواجوی کرمانی در کتاب *روضه الانوار* خود اندیشه انسان گرایانه را ترویج می‌کرد. در بخش معروف «تعالی ذهن بشر و برتری انسان در میان سایر جانوران» می‌گوید «چون در این باغ باقی نمانده‌ای، آب و رنگ در گل هستی وجود ندارد.» و فلسفه عشق را به انسان و عظمت و تعالی انسان را که از نور الهی خلق شد بیان می‌کند. با توانایی شاعرانه خواجو در جستجوی حقیقت الهی و به صورت طبیعی گرایش به سمت صوفی گری قرون وسطی و سنتهای شعر صوفیانه معاصر را بازتاب می‌داد.

داستانهایی در رابطه با زندگی و فعالیت‌های سه صوفی بزرگ، شیخ ابوبکر غفار بن یوسف، شبلی خراسانی، حیبی عجمی، سلطان بایزید بسطامی، و تحلیل اندیشه صوفی گری به عنوان نظام جهانی از ابتدا تا قرون وسطی «فلسفه غیب»، «فنا (ترک خویش)»، «از عدم تا ابد» - راه هویت و تحول روح در این راه، تکامل خویش با ترکیه نفس معرفت و تحقق آن - همه اینها جای اصلی در آثار خلاقانه خواجو را اشغال می‌کند. وی می‌گوید: «راه خدا را پیشه کن و روح خود بده.» وی از «ترک خویش» «هویت الهی» تمجید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: صوفی گری، روضه الانوار، خواجوی کرمانی، تأثیر، ادبیات ترکی.

Makaleler Özeti

**2.ULUSLARARASI
TÜRK- RAN D L VE EDEB YAT
L K LER SEMPOZYUMU**

**Hazırlayan
AbbasAli Vefayi**

**Allameh Tabatabai University
Faculty of Literature and Foreign Languages
11-12 MAY 2014**

Türkçe Özetler (چکیده مقالات ترکی و ترجمه آنها)

- ACER Abdulrahman: TÂH RU' L-MEVLEVÎ'N N2
MEÇHUL B R YAZMA MECMUASI: MÛNÂCÂT-I
HAZRET- MEVLÂNA, LEVÂM ' ; ERH- RUBÂ YYÂT VE
CÂM-I C HÂN-NÛMÂ TERCÛMELER
عبدالرحمان آجر: مجموعه نوشته شده نا شناخته ی طاهرالمولی: ترجمه های مناجات حضرت مولانا، لوامی، شرح
رباعیات و جام جهان نما
- Adil Zahidoglu Vahid : Dede Korkut Kitabı'nda Farsça6
Kökenli Kelimeler Üzerine
وحید عادل زاهد اوغلو: کلمات با ریشه فارسی در کتاب ده ده قورقوت
- Alibeyli afak: ALI BADKUBININ TACR DÛL-LU AT 10
ADLI TÜRKÇE - FARSCA MANZUM SÖZLÜYÜ
شفق علی بیگلی: فرهنگ منظوم ترکی به فارسی علی بادکوبه با نام "تجربیداللغات"
- Alibeyli afak:Fuzuli'nin farsca Divanı'nın zellikleri 13
شفق علی بیگلی: ویژگی های دیوان فارسی فضولی
- ATALAY Mehmet: TÜRK A R NEF'Î'N N 15
FARS AR RLER N DEN FAYDALANMASI
محمد آتالای: بهره مندی نفعی شاعر ترک از شاعران فارسی زبان
- BAHT Kübra: Türkçe iir Söyleyen ranlı Padi ah: ah smail..... 17
Hatai
کبری بخت: پادشاه ایرانی ترکی سرا: شاه اسماعیل خطایی
- BA ÇET N Mustafa Yasin: TÜRKÇE VE FARŞA 19
ATASÖZLER N DE ORTAK DÜ ÜNCE DÜNYASI
مصطفی یاسین باشچتین: دنیای مشترک میان ضرب المثل های ترکی و فارسی
- Bekta Ekrem: KLAS K TÜRK EDEB YATI21
ALI MALARINDA FARŞA'NIN YER
اکرم بکتاش: جایگاه (ادبیات) فارسی در پژوهش های ادبیا کلاسیک ترکی
- Buttanrı1Müzeyyen: TÜRK- RAN KARDE L N 22

LEYEN M TOLOJ KAYNAKLI K T YATRO ESER

مزین بوتانری: بررسی دو نمونه از آثار نمایشی منابع اساطیری همخانواده ادبیات ایران و ترکیه

CO GUNER Fahrettin: Türkiyede Mevlânâ Bibliyografyası24
Çalı maları

فخرالدین جوش گونر: تحقیقات کتابشناسی مولوی در ترکیه

ÇEL K Ahmet: OSMANLI DEVLET 'NDE FARŞÇA26
D LB LG S YAZMA FAAL YETLER

احمد چلیک: فعالیت های دستورنویسی فارسی در دولت عثمانی

Deniz Arafat:28

عرفات دینز: ...

Eliaçık Muhittin: OSMANLI AR V BELGELER NDE30
KULLANILAN FARŞÇA KALIP SÖZLER

محمی الدین الی آچیق: عبارات فارسی مورد استفاده در اسناد آرشیو عثمانی

Esat HARMANCI M.: "Mütercimim Tasarrufları34
Ba lamında Tercüme Meselesi: Molla Cami - Çakeri Örne i"

Genç İhan: KLAS K TÜRK EDEB YATINDA RAN.....35
M TOLOJ S N N ESTET K LEV

Gönen Mehmet amin: ran ile Türkiye Arasında Kar ılıklı36
Olarak Gönderilen Akademisyen ve E itmenlerin Dil-Edebiyat
ve Kültürün Ö retilmesinde Yapıcı Roller

محمد امین گونن: نقش سازنده ی استادان و آکادمیسین های مدعو بین ایران و ترکیه در آموزش زبان، ادبیات و فرهنگ

GUL YEY İkin: Türkçedeki farsça kökenli sözcüklerin39
sesbilimsel özellikleri üzerine

ایلیکین قولیف: در آمدی به روی کلمات فارسی موجود در ترکی از نظر آواشناسی

GÜZELYÜZ Ali: TÜRK YE'DE FARŞÇA R SÖYLEYEN.....42
ÇA DA A RLER

علی گوزل یوز: شاعران معاصر فارسی گوی در ترکیه

Hüseyinli Ziver: Türkçeden Farsçaya Geçmi E ya Adları46

Bildiren simle (Safeviler Dönemi ve Sonrası)

دکتر زیور حسین لو: اسامی اشیایی که از ترکی وارد فارسی شده اند (دوره صفوی و بعد از آن)

NAN Kayhan: YABANCI D L OLARAK FARŞA50
Ö RENEN RANLARIN HEDEF D L VE KÜLTÜR
HAKKINDAK DÜ ÜNCELER

کایهان اینان: باورهای زبان آموزان ترک در مورد فرهنگ ایرانیان در آموزش زبان فارسی به عنوان یک زبان خارجی

KARA SMA LO LU Adnan: ran ve Türk Edebiyatlarında52
Sakiname Yazma Gelene i

عدنان کاراسماعیل اوغلو: ساقینامه نویسی در ادبیات فارسی و ترکی

KOÇ KONUKSEVER Serpil: Emiri'nin iirinde Hafız Etkisi 54

سرپیل کوچ کنو کسور: تأثیر حافظ بر شعر امیری

Kuliyeva Kübra: TÜRKÇE'DE FARS KÖKENL ALINTI56
KELIMELER

کبری قولی اوا: کلمات اقتباس شده از زبان فارسی در زبان ترکی

Mahur Tulum Mehmet: Hazinî ve Farsça Eserleri59

محمد ماهور تولوم: حزینی و آثار فارسی وی

NUHO LU Güller: M RZA RIZA HAN ARFO D DEVLE62
K MD R?

دکتر گُللر نوح اوغلو: میرزا رضاخان دانش کیست؟

Okuyucu Cihan: Hırvatistan Ar ivlerindeki Farsça Elyazmaları..... 64

ÖRS Derya: Türkiye'de Fars Dili Ö retimi: mkânlar ve 66
Sorunlar

دریا اورس: آموزش زبان فارسی در ترکیه: امکانات و مشکلات

ÖZTÜRK Fatma / Maryam Z AE : YAZARLARIN68
KALEM NDEN ÇOK YÖNLÜ RAN A R
FURU FERRUHZAD

فاطمه اوزتورک / مریم ضیائی: فروغ فرخزاد شاعر ایرانی پر آوازه به تعبیر نویسندگان

Sezen Gül en: Beyitlerdeki Sikkeler I 1 ında Kültürel 72
Çıkarımlar

گلشن سزن: کشف فرهنگ در پیرامون کاربرد سکه در ابیات

S NAN N ZAM Betül: FARSİDEN TÜRKİYE 74
DÖNDÜRMEK: MENÂKİBÜ'L-ÂR FİN' N TÜRKÇE
TERCÜMELER VE "SEBEB- TE'L F"LER

بتول سینان ناظم: از فارسی به ترکی برگرداندن: ترجمه های ترکی مناقب العارفین و سبب تألیف هایش

AFAK TURGAY: MÜVERR H MUSTAFA ÂLÎ VE 77
ARŞA D VANI

تورگای شفق: مورخ مصطفی علی و دیوان فارسی وی

TEM ZELALİ: ANADOLU'DA TASAVVUF EDEB YATIN 79
GEL M NDEFARŞA ESERLER N ÖNEM

علی تمیزال: نقش آثار مکتوب فارسی در رشد ادبیات عرفانی در آسیای صغیر

TURGUT Kadir: 15-16. Yüzyıllarda Türkiye'ye Gelen ranlı 82
airler

قدر تورگوت: شاعران ایرانی که در قرنهای نهم و دهم هجری در استانبول بوده اند.

Turgut BERBERCAN Mehmet: F LOLOJ K 84
DE ERLEND RMELER VE
KAR İLA TIRMALAR: GÜL STAN'IN TÜRK D L YLE
LK ÇEV R LER

محمد تورگات: ارزیابی های فیلولوژی و مقایسه ها: اولین ترجمه های گلستان به زبان ترکی

Vagifkizi Gatibe: ran-Türk dil ve kültürlerarası 86
ili kiler kontekstindedini çeviri eserleri

قتیبه واقف قنزی: ترجمه آثار دینی در چارچوب پیوندهای زبانی و فرهنگی میان ایران و ترکیه

Ye im ÖNGÜR Ya ar: OSMANLI SULTANLARI 88
VE ABDURRAHMAN CAM (YAZI MALAR I I İNDA
FAT H SULTAN MEHMET VE İL. BEYAZIT LE
ABDURRAHMAN CAM ARASINDAK L K LER)

یاشار یشم اونگور: پادشاهان عثمانی و عبدالرحمان جامی (رابطه جامی با سلطان محمد فاتح و بایزید دوم بر پایه ی نامه ها)

English Abstract (چکیده مقاله انگلیسی و ترجمه آن)

Abas Zahra: Sufism in the work “Rovzatul-anvar” by91
Khaju Kirmani and his influence on Turkish literature

زهرا عباس: صوفی‌گری در کتاب «روضه‌الانوار» خواجهی کرمانی و تأثیر آن بر ادبیات ترکی